

مدیر مسئول:	سر دبیر:
غلامعلی نعیم آبادی	ابوالفضل هادی منش
هیئت تحریریه:	
غلامعلی نعیم آبادی	عبدالحسین خسروپناه
حسن سبحانی	سیدضیاءالدین کیاالحسینی
غلامرضا مصباحی مقدم	محمد حسین فلاح زاده
رضا محمدی شاهرودی	
ناظر علمی:	ویراستار:
محمد رضا نعیم آبادی	حمید عزیزی
طراح جلد:	صفحه آرا:
جواد خطاط	محمد صادقی
شمارگان:	شماره ثبت:
جلد ۱۰۰۰	۸۳۵۵۹
	قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

مسئولیت مطالب مطرح شده در مقالات، به عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

ایمیل فصلنامه: [khumspazhouhi@bonyadkhoms.com](mailto:khumspazhouhi@bonyadkhoms.com)

وب سایت: [www.bonyadkhoms.com](http://www.bonyadkhoms.com)

نشانی: قم، خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، کوچه ۱۸، بین فرعی ۱۰ و ۱۲، پلاک ۶۴

تلفکس: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۳۱۴



## شیوه تنظیم مقاله در مجله «خمس پژوهی»

۱. موضوع مقالات، در زمینه پژوهش در موضوع فریضه خمس و در محورهای: فلسفه خمس، شبهات، احکام و همچنین خمس در عرصه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، جامعه و... خواهد بود.
۲. مقاله‌های ارسالی نباید پیشتر در نشریه‌ای دیگری مجموعه مقالات همایش‌ها چاپ شده و یا همزمان به مجله دیگری ارائه شده باشند.
۳. حداکثر حجم مقاله تا ۵۵۰۰ کلمه است و چکیده مقاله نیز نباید بیشتر از ۱۵۰ کلمه باشد.
۴. چاپ مقالات در نشریه، پس از تأیید داوران و یا هیئت تحریریه خواهد بود.
۵. مجله در پذیرش، ردّ یا ویرایش محتوای مقاله آزاد است. مقاله‌های دریافتی بازگردانده نخواهند شد.
۶. جهت ارسال مقاله، به سامانه الکترونیکی نشریه به آدرس:  
[khumspazhouhi@bonyadkhoms.com](mailto:khumspazhouhi@bonyadkhoms.com) مراجعه و نسبت به ثبت مقاله اقدام فرمایید.
۷. مقاله باید دارای عنوان، نام نویسنده، آدرس ایمیل، چکیده، مقدمه (شامل بیان مسئله، فرضیه، هدف، ضرورت و اهمیت پژوهش)، پیشینه تحقیق، مطالعات و بررسی‌ها، یافته‌ها، نتیجه‌گیری و منابع باشد.



## ۸. شیوه تنظیم ارجاعات:

- در متن مقاله: به صورت پاورقی خواهد بود (نام کتاب، نام خانوادگی نویسنده، جلد، صفحه):

- در فهرست منابع پایان مقاله:

الف- کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، جلد، نام مترجم یا مصحح، محل انتشار، نام ناشر.

ب- مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان مقاله، عنوان مجله، دوره یا سال (شماره مجله در سال مورد نظر)، شماره صفحه‌های مقاله در مجله.

ج- سند اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (تاریخ)، عنوان سند، آدرس اینترنتی به طور کامل، بازیابی شده در تاریخ.

۹. مقالات فاقد شرایط مذکور، از فرآیند بررسی خارج خواهند شد.

۱۰. مقالات باید با فونت B lotus شماره ۱۴ و عناوین نیز با B TITR شماره ۱۲ باشد.





نقش خمس در جلوگیری از تکاثر و تداول ثروت در نظام اقتصادی اسلام آیت الله غلامعلی نعیم آبادی	۷
نقش رسانه‌ی ملی در ترویج فرهنگ خمس صادق لیراوی	۱۵
بررسی شبهه‌ی حرمت زکات و حلیت خمس بر خویشاوندان رسول خدا ﷺ (مطالعه موردی آیات ۴۳ فصلت و ۹ احقاف) معصومه حیدریان منش	۴۱
بررسی شبهه‌ی تخصیص خمس به طلاب علوم دینی زهرا سرمیلی	۶۳
آسیب‌شناسی تبلیغی در احیاء و گسترش فرهنگ خمس سید محمدتقی علوی فریدنی	۸۵
بایدها و نبایدهای پاسخ‌گویی مسائل خمس سید محمدتقی محمدی شیخ‌شهبانی	۱۰۱
آسیب‌شناسی اخلاقی اخذ وجوهات شرعی با تأکید بر خمس محمود لطیفی	۱۱۳
پژوهشی همه‌جانبه درباره‌ی خمس آیت‌الله‌العظمی حسین نوری همدانی	۱۲۹
ترجمه چکیده مقالات به زبان عربی و انگلیسی	۱۳۵





## نقش خمس در جلوگیری از تکاثر و تداول ثروت در نظام اقتصادی اسلام

آیت الله غلامعلی نعیم آبادی<sup>۱</sup>

اسلام، مکتب جامع و کاملی است که براساس یک هدفنندی منظم، تکالیف و دستوراتی را برای اعتلای بشر و رفع آسیب‌ها و آلام از جامعه وضع کرده است. هدفنندی دین اسلام در وضع قوانین و تکالیف باعث می‌شود که مسلمانان با انجام چنین دستوراتی، از فوائد و آثار آن بهره‌مند شوند. خمس نیز از جمله تکالیفی است که با این هدف، واجب شد تا ثروت را در جامعه متعادل کند و فقر را از چهره‌ی مستمندان بزداید. تکالیف این دین به صورتی است که اگر انسان، فارغ از وسوسه‌های شیطانی و غفلت‌های ناشی از دنیاگرایی، به آن‌ها عمل کند، جامعه‌ای عاری از ناهنجاری و انحراف خواهد داشت.

نظام اقتصادی غرب، ثروت‌های عمومی را در اختیار ثروتمندان قرار داده است. به عبارت دیگر، ثروت و سرمایه در تملک دولت‌ها نیست و دولت‌ها ننگهبان و حافظ سرمایه و سرمایه‌داران هستند. از دیدگاه نظام اقتصادی غرب، انسان‌ها از هر چیزی که قابل بهره‌برداری باشد، می‌توانند استفاده کنند و در برابر این بهره‌برداری، فقط مقدار معینی

۱. رئیس بنیاد بین‌المللی احیاء فرهنگ خمس.



مالیات می‌پردازند. در کشورهای سرمایه‌داری غربی، برای هرکسی که بتواند سرمایه‌گذاری کند، امکان تملک وجود دارد.

برای نمونه، برای هرکس که سرمایه داشته باشد این امکان وجود دارد تا در حفرو استخراج چاه نفت، سرمایه‌گذاری کند، اما هنگامی که نفت را استخراج کرد و فروخت، درصدی از آن را باید به عنوان مالیات به دولت بپردازد. در واقع، جامعه به نحوی نان‌خور سرمایه‌داران است و قهراً تنظیم سرنوشت جامعه نیز برعهده‌ی آنان است؛ زیرا در جامعه‌ی سرمایه‌داری، حرف اول و آخر را پول و سرمایه می‌زند. به عبارت دیگر، در چنین جوامعی، نظام اقتصادی منتهی به سرمایه‌سالاری می‌شود.

در جوامع سرمایه‌سالار، مجلس و دولت در دست سرمایه‌داران است و طبیعی است که در همه چیز و همه جای مملکت، به نفع خود دخالت خواهند کرد. در واقع، در نظام سرمایه‌داری، ثروت در دست افراد خاصی می‌چرخد و با یک واسطه، همه چیز در دست سرمایه‌داران است. به طور مثال، در آمریکا منابع ثروت در اختیار «راکفلر» و چند سرمایه‌دار معروف است و آنان بخشی از این ثروت را برای خدمت‌رسانی به مردم، به دولت می‌دهند. به دیگر سخن، در نظام حاکم بردنیای غرب، ثروت در انحصار تعداد اندکی از مردم است و همه چیز در اختیار ثروتمندان است و بقیه مردم وضع مطلوبی ندارند و این یک اصل و مبناست.

به علاوه، در نظام سرمایه‌داری، موضوع و اصل دیگری دنبال می‌شود و آن تکاثر است. در چنین نظامی، افراد و یا مجموعه‌هایی که دارایی‌های آنان میلیاردی است، همیشه در حال مسابقه با یکدیگر برای افزایش ثروت‌های خود هستند. آن‌ها نسبت به افزایش ثروت با یکدیگر تفاخر و مباحثات می‌کنند. پس می‌توان گفت در نظام سرمایه‌داری دو اصل وجود دارد: تداول ثروت در دست افرادی خاص و تکاثر.

حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اسلام این نظام اقتصادی را می‌پذیرد؟ آیا اسلام، تداول ثروت در دست افرادی خاص و تکاثر را می‌پذیرد؟ پاسخ اسلام کاملاً مشخص است. نظام اقتصادی اسلام هیچ‌کدام از این دو اصل را نمی‌پذیرد و این دو







پدیده نباید در جامعه‌ی اسلامی وجود داشته باشد. اساساً مبنای اقتصاد اسلامی مبارزه با این دو پدیده است؛ زیرا این دو اصل، آثار مخربی را در پی دارند.

دو سوره از قرآن کریم در این رابطه وجود دارد. اولین سوره‌ای که مرتبط با این موضوع است سوره‌ی تکوین است. قرآن در این سوره، گوشه‌هایی از جامعه‌ی شرک‌آلود جاهلیت را توصیف می‌کند و می‌فرماید فخر فروشی و مباحات به تکاثر و زیاده‌خواهی، شما را در هو قرار داد و سرگرم ساخت. این تکاثر هم در ثروت و دارایی‌های مادی و هم در تعداد افراد قبیله بود. به تعبیر قرآن، کار به جایی رسید که آنان گورهای افراد قبیله خود را می‌شمردند و جزء آمار خود می‌آوردند تا ثابت کنند در مجموع زندگان و مردگان، افراد قبیله‌ی آن‌ها بیشتر است.

قرآن به شدت با این اندیشه مبارزه کرد و فرمود به‌زودی خواهید دانست این چنین نیست که شما فکر می‌کنید. قرآن این اندیشه و طرز تفکر را، با چند بار تکرار کردن کلمه‌ی «کَلَّا»، نفی می‌کند. بنابراین از این آیات قرآن استفاده می‌شود که موضوع تکاثر در اقتصاد و جامعه‌ی اسلامی، پدیده‌ی ناپسندی است و نباید وجود داشته باشد.

دومین مورد، آیتی از سوره‌ی «حشر» است. این آیات مربوط به فیه است. پیش از اسلام، در نبردهایی که میان برخی قبایل عرب اتفاق می‌افتاد، چنانچه اموالی بدون جنگ و درگیری به دست می‌آمد، متعلق به سران قبائل بود و مجموعه‌ی آن ثروت‌ها و اموال در اختیار تعداد اندکی قرار می‌گرفت. در یکی از غزوات صدر اسلام که مسلمانان بدون جنگ و درگیری پیروز شدند، رؤسای قبایل تصور می‌کردند که تقسیم غنائم همانند سابق است؛ لذا حقشان را مطالبه کردند. روشن بود که اگر این اموال به دست آنان می‌افتاد، درآمد فراوانی به دست می‌آوردند، اما اسلام این اموال را به دست حاکم اسلامی می‌دهد تا آن‌ها را در مصالح جامعه مصرف کند.

در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ این اموال به ایشان، به عنوان مدیر جامعه و حاکم اسلامی تعلق می‌گرفت. بعد از پیامبر ﷺ نیز متعلق به جانشینان برحق اوست. اما در





زمان غیبت، این اموال باید در اختیار نواب عام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و در جمهوری اسلامی در اختیار ولی فقیه و یا دولت اسلامی که در رأس آن ولی فقیه است، قرار گیرد. اما در این باره که چرا فیء متعلق به افراد نیست، قرآن پاسخ می‌دهد. برای اینکه ثروت و اموال فقط در دست اغنیا و ثروتمندان نباشد و تنها در دست آنان و مابین آن‌ها نچرخد؛ زیرا اگر اموال و ثروت در دست افراد خاصی قرار گیرد، به قدرت تبدیل می‌شود. همان‌گونه که امروزه در نظام سرمایه‌داری، ثروت یک شهر و یک کشور، فقط در دست چند نفر است. دیدگاه اسلام راجع به موضوع ثروت این است که تکاثرو تداول در جامعه‌ی اسلامی وجود نداشته باشد؛ یعنی اسلام نه ثروت‌های انباشته را می‌پذیرد و نه انحصار ثروت در دست چند نفر را.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشتمل بر فرازهایی درباره‌ی ثروت در جامعه است که در این فرازها، تکاثرو تداول نفی شده است و بردسترسی و دستیابی عموم جامعه به بیت‌المال و ثروت‌های کشور تأکید شده است. در فصل چهارم قانون اساسی، اصل چهل و سوم، آمده است: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه‌ی کسانی که قادر به کارند اما وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام دادن بدون بهره و همراه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ و مطلق درآورد».

طبق این اصل از قانون اساسی، از یک سو دولت جمهوری اسلامی ایران همه‌ی اقتصاد را در دست نمی‌گیرد و از سوی دیگر، نمی‌پذیرد که ثروت و سرمایه دست افراد معدودی باشد. چون در این صورت، منجر به تکاثرو تداول یعنی تمرکز و انباشته شدن ثروت و گردش آن در میان افراد معینی می‌شود.

برای بررسی علل وجود خمس و یا زکات لازم است نگاهی حتی گذرا به نظام اقتصاد اسلامی داشت تا مشخص شود که اسلام طرفدار چه نوع اقتصادی است. در جهان معاصر، دو نظام اقتصادی معروف وجود دارد. یکی نظام اقتصادی آزاد است که مربوط به



جهان غرب است و نام دیگر آن، نظام سرمایه‌داری است. نظام اقتصادی دوم، نظام اقتصادی کشورهایمانند چین و شوروی سابق است. البته در حال حاضر، نظام اقتصادی چین با گذشته تفاوت دارد. دروازه‌های بسته‌ی چین به روی دنیا باز شده و تا حدود زیادی، نظام اقتصادی چین تعدیل شده است. شوروی نیز پس از جنگ سرد و فروپاشی نظام کمونیستی، دستخوش تحولات و تغییرات اساسی شد. در نظام دوم، مالکیت از آن دولت است و مردم هیچ‌گونه مالکیت و نقشی ندارند. در واقع، در نظام سرمایه‌داری، دولت و در نظام مارکسیستی، مردم برکنارند.

بسیار واضح است که هیچ‌کدام از این دو نظام اقتصادی صحیح و کامل نیست. زیرا نظام اول سراز تکاثر و تداول درمی‌آورد و در نظام دوم، انسان‌ها حذف و دولت‌ها همه‌کاره می‌شوند و انسان‌ها روحیه‌ی ابتکار خود را از دست می‌دهند؛ زیرا خود را در نتیجه‌ی ابتکار و تلاش خویش بهره‌مند نمی‌بینند. نظام اقتصادی دوم در واقع مانند قصه‌ی همان نوکری است که کلاه ارباب او را یک دزد برداشت و فرار کرد. ارباب به نوکر خود دستور داد که به دنبال دزد بدود و کلاه را از او بگیرد. نوکر به دنبال دزد مقداری دوید و عاقبت دست خالی برگشت. ارباب، نوکر خود را توبیخ کرد و گفت: نتوانستی کلاه مرا از دزد بگیری؟! تو که این همه غذای خوب خورده‌ای و سرحال هستی؟! نوکر پاسخ داد: جناب ارباب! علی‌القاعده نبایستی من به او می‌رسیدم! ارباب پرسید: برای چه؟ نوکر گفت: برای اینکه او برای خودش می‌دوید و من برای شما! او می‌دوید که کلاه برای خودش باشد و من می‌دویدم که کلاه را از او بگیرم و به شما بدهم. روشن است که انگیزه‌ی دویدن برای دزد، بیشتر از نوکر است!

در نظام‌های اقتصاد دولتی، وضع به همین منوال است. انگیزه‌ها و نوآوری‌ها کمتر می‌شود. به همین دلیل نمی‌توان صنایع شوروی را با صنایع غرب مقایسه کرد؛ زیرا کارشناس غربی برای خود و کارشناس شوروی برای دولت کار می‌کند؛ لذا کارشناس اول در هر بخش وارد می‌شود، قوی‌تر از کارشناس دوم ظاهر می‌شود. اساساً کشورهایمانی که مالکیت خصوصی را به عنوان یک اصل پذیرفته‌اند، چنین وضعیتی دارند.



پس نظام اقتصاد دولتی، اندیشه‌ها را کم‌رنگ و تلاش‌ها را اندک می‌کند. درحالی‌که نظام‌های اقتصاد سرمایه‌داری چنین مشکلی ندارند. منتهی نظام سرمایه‌داری همانند یک اسب چموش لحام‌گسیخته‌ای می‌ماند که به هیچ‌کس رحم نمی‌کند و درنهایت، به دو پدیده‌ی ناگوار منجر می‌شود: انبوه شدن و انباشته شدن سرمایه‌ها و دیگری گردش سرمایه در دست افراد خاص.

اکنون باید دید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که محصول تلاش فکری مجتهدان عالی‌قدر و چهره‌های بزرگ علمی همانند «شهید بهشتی» و دیگر شخصیت‌های بزرگ انقلاب اسلامی براساس قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام است، چه دیدگاهی را مطرح می‌کند.

بدیهی است که در نظام اقتصاد اسلامی، اصل اساسی، رفع نیازهای انسانی است که در جریان رشد و تکامل شکل می‌گیرد. لذا در ابتدا لازم است مجموعه‌ی نیازهای انسان شناخته شود تا بر مبنای آن‌ها حرکت‌ها و تلاش‌های اقتصادی به‌گونه‌ای تنظیم شود که نیازهای انسان در بهترین وجه و شکل ممکن تأمین شود.

هدف در اقتصاد اسلامی تأمین و رفع نیازهای انسان، در فرایند رشد و تکامل اوست؛ زیرا انسان شایسته‌ی رشد و کمال است و باید به آن دست یابد. بدیهی است این انسان که باید به سوی کمال انسانیت رشد کند، نیازهای مادی دارد. او نیاز به آب، نان، مسکن و بهداشت دارد. لذا قانون اساسی، اقتصاد اسلامی را مسؤول می‌داند که زمینه‌های مناسب اقتصادی را فراهم کند و آن را در جهت بروز و شکوفایی خلاقیت‌های انسانی قرار دهد. بنابراین، اساس اقتصاد اسلامی رفع نیازهاست و نه تمرکز و تکاثر ثروت. در واقع اقتصاد وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف است.

همان‌گونه که پیشتر، در اصل چهل‌وسوم نیز دیدیم، قانون اساسی توضیح می‌دهد که دولت و نظام اسلامی موظف است زمینه‌های رشد را فراهم کند. تأمین امکانات مساوی و متناسب، ایجاد کار و شغل برای همه و رفع نیازهای درونی برای هموار ساختن حرکت تکاملی انسان، برعهده‌ی دولت اسلامی است.





در نظام اقتصاد اسلامی باید به گونه‌ای تلاش کرد که آحاد جامعه از کار برخوردار باشند و استعدادهای شکوفا شود و همچنین ثروت در دست افراد خاصی نباشد. راه نیل به این اهداف را نیز قانون اساسی مطرح کرده است. به این صورت که نظام اقتصادی نباید دولتی باشد. البته در قانون اساسی صراحتاً آمده است که برخی از بخش‌های اقتصادی لازم است در دست دولت باشد. بخش‌هایی که چنانچه در دست بخش خصوصی باشد، ممکن است بر مردم فشار وارد شود؛ زیرا بخش خصوصی می‌خواهد به اهداف خود در مسائل مادی برسد و از این رو ممکن است حقوق مردم رعایت نشود. ثروت‌های عمومی باید در اختیار دولت باشد تا با نظارت دقیق به افراد واجد شرایط واگذار شود و جامعه از آن بهره‌مند گردد.

در این رهگذر، خمس به عنوان یک ابزار اقتصادی کارآمد و متعالی در نظام اسلامی، می‌تواند نقش مهمی در مبارزه با تداول ثروت داشته باشد و با تکاثرستیزی و جلوگیری از انباشتگی اموال مازاد و جمع شدن ثروت‌ها در دست متمکنان، به عنوان حربه‌ای پر قدرت، اولاً سرمایه‌ها را از انباشت بیهوده و بلکه مخرب نجات دهد که نتیجه‌ی این انباشتگی، چیزی جز تکاثر نیست. و در گام دوم، سرمایه‌های اسلامی را در جهت پیشبرد اهداف حکومت اسلامی در اختیار امام قرار دهد و یاری‌گردین باشد و در عصر غیبت، این سرمایه‌ی هنگفت و پاک، در اختیار زعامت حکومت اسلامی و ولایت فقیه قرار گرفته و گره از مشکلات مادی و معنوی جامعه بگشاید؛ *إن شاء الله*.





## نقش رسانه‌ی ملی در ترویج فرهنگ خمس

صادق لیراوی<sup>۱</sup>

### چکیده

از برتری‌های یک مکتب یا دین آن است که به دور از تک یا چندبُعدی‌نگری، به همه‌ی جنبه‌های زندگی توجه کند و از این رهگذر، در همه‌ی زمان‌ها، مکان‌ها و شرایط، پاسخ‌گوی جامعه‌ی بشری باشد. در این میان، اسلام به عنوان یک دین جهانی، در کنار مسائل فردی، همه‌ی امور آدمی همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... را در نظر گرفته و از هر یک به طور کامل سخن گفته است. بر این اساس، «خمس» یکی از دستوره‌ای مهم اقتصادی اسلام است که نقشی اساسی در حیات جامعه‌ی شیعی داشته و اکنون که حکومت اسلامی برپا شده، با قرار گرفتن خمس در اختیار حکومت و ولی فقیه، نقشی بسیار سازنده‌تر در رشد و گسترش فرهنگ شیعه ایفا خواهد کرد. بدین روی، شایسته است تا رسانه‌ی ملی نقش مؤثری در ترویج فرهنگ خمس، مسؤولیت‌پذیری مردم در برابر آن و رفع آسیب‌های احتمالی برعهده گیرد و پرداخت خمس را همانند انجام دیگر واجبات، به فرهنگ عمومی تبدیل کند.

۱. دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ حوزه علمیه‌ی قم.



با توجه به اینکه خمس یک حکم شرعی است، با تکیه بر روایات، می‌توان با احادیث قابل فهم برای عموم و با استفاده از ابزار رسانه‌ای، به‌ویژه رسانه‌ی ملی، به بسط مفاهیم آن پرداخت که در این مقاله در دو بخش آثار فردی و اجتماعی، بدین مهم پرداخته شده است که برای ترویج فرهنگ خمس در رسانه‌ی ملی راهگشا خواهد بود.

واژگان کلیدی: خمس، پرداخت خمس، رسانه‌ی ملی، صدا و سیما.





## مقدمه

خمس در اصطلاح شرعی، حقی مالی است که خداوند آن را با شرایطی، برای کمک به حکومت اسلامی و تأمین نیازهای شخصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندان او، بربنندگان خود واجب کرده است.<sup>۱</sup> مقدار معین این حق، یک پنجم است. بنابراین، معنای اصطلاحی به معنای لغوی نزدیک است.

اگرچه تنها یک آیه از قرآن با صراحت به موضوع خمس پرداخته، اما از اهمیت زیادی برخوردار بوده و در زندگی عمل‌کنندگان به آن آثار و برکات فراوانی به همراه می‌آورد که متأسفانه بیشتر مذاهب اسلامی با برداشت‌های نادرست از این آیه قرآنی، نتوانستند از برکات این واجب الهی استفاده کنند و فقط مذهب شیعه با پیروی از رهنمودهای گهربار رهبران معصوم خود، بیشترین بهره را از آن برده است. این امر باعث شده شیعه در طول حیات خود، به پشتوانه‌ی درآمدهای خمسی، هیچ‌گاه به حکومت‌های ظالم وابسته نبوده و از آن‌ها حمایت نکرده و بدین ترتیب، استقلال مکتب خود را حفظ کرده است.

این درآمدها زیر نظر فقیهان عادل صرف امور اجتماعی، فرهنگی و دینی شده و فرهنگ شیعه آزادگی خود را در طول تاریخ حفظ کرده است. همچنین فقیران از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله که از زکات محروم هستند، می‌توانند از این اموال استفاده نموده و آبرومندانه زندگی کنند. خداوند در آیه‌ای از قرآن، به صراحت، خمس و موارد مصرف آن را بیان می‌دارد؛ آنجا که

۱. مصطلحات الفقه، مشکینی، ص ۲۳۰.



می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِّدِهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّفَاقُحِ وَاللَّحْمَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بدانید که هر چیزی را که غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر ﷺ و خویشاوند او و یتیمان و مسکینان و درراه ماندگان است؛ اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] روزی که آن دو گروه با هم روبه‌رو شدند، نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خدا بر هر چیزی تواناست.<sup>۱</sup>

در مورد تاریخ نزول آیه‌ی خمس، سه نظر وجود دارد. برخی می‌گویند آیه‌ی خمس، در جنگ «بنی قینقاع» یعنی شوال سال دوم هجری نازل شد. برخی دیگر می‌گویند که در جنگ «احد» یعنی شوال سال سوم هجری نازل شد. و دسته‌ی دیگر می‌گویند که در جنگ «بدر» یعنی رمضان سال دوم هجری نازل شده است که به نظر می‌رسد نظر سوم برتری داشته باشد.<sup>۲</sup> در مورد شأن نزول آن نیز گفته شده است که اختلافی در تقسیم غنیمت‌ها در جنگ بدر پیش آمد و این آیه برای رفع اختلاف مسلمانان نازل شد.<sup>۳</sup>

علمای شیعه و اهل سنت اجماع دارند که این آیه در مورد خمس بوده و خداوند تکلیفی را برای مسلمانان قرار داده است. اختلاف اساسی میان این دو مذهب در آن است که مراد از «ما غنمتم» چیست؟ شیعه معتقد است که مراد از «ما غنمتم» در آیه، هر مالی است که انسان از راه حلال به دست می‌آورد که ممکن است از راه جنگ با کفار، استخراج معادن، کشف گنج، غواصی در دریا، کسب از راه زراعت، صنعت یا تجارت و... باشد. بنابراین، هرگونه درآمد حلال، منبع خمس حساب می‌شود.<sup>۴</sup>

مفسران اهل سنت، غنیمت را به چیزی تفسیر کرده‌اند که مسلمانان در جنگ با کفار

۱. انفال: ۴۱.

۲. خمس و زکات، قرائتی، ص ۲۶.

۳. مقاله «بررسی تطبیق آیه خمس»، مجله مقالات و بررسی‌ها، ص ۲؛ به نقل از: ماوردی، الاحکام السلطانیة، ص ۲۴۵.

۴. کتاب الخمس، نوری همدانی، ص ۶.



به دست می‌آورند. البته برخی از آن‌ها همچون «فخررازی» در «تفسیر کبیر»، «قرطبی» در «الجامع لاحکام القرآن»، «آلوسی» در «روح المعانی» و «مراغی» و «ثعالبی» اعتراف کرده‌اند که لفظ غنیمت در لغت معنای عامی دارد و شامل هر درآمدی می‌شود، اما به دلیل اتفاق علما و عرف شرع، مراد از «ما غنمتم»، تنها غنیمت‌های جنگی است.<sup>۱</sup>

برخی، خمس را «مالیات دینی» تعبیر کرده‌اند. مالیات تعریف‌های گوناگونی دارد. از آن جمله گفته‌اند، مالیات نوعی پرداخت و تأدییه‌ی بلاعوض مالی است که افراد آن را در نتیجه‌ی الزام قانونی، برای تأمین مالی مخارج دولت می‌پردازند.<sup>۲</sup>

در توضیح این تعریف، بیان شده است که هر حکومتی، برای اداره‌ی کارهای تشکیلاتی، نیازمند امکاناتی است تا بتواند به مردم خدمت کند و مشکلات مختلف جامعه مانند امنیت، آموزش و پرورش، بهداشت، رفاه و حمل و نقل را حل کند. بدون شک، دستگاه‌های مسؤؤل، برای انجام این خدمات به بودجه‌ی کافی نیاز دارند. این بودجه از پول‌هایی تأمین می‌شود که مردم به دولت می‌پردازند و به آن مالیات می‌گویند.<sup>۳</sup>

خمس به عنوان یک مالیات دینی با مالیاتی که دولت از مردم می‌گیرد، تفاوت‌هایی دارد. مالیات، پولی است که پرداخت می‌شود تا دولت رفاه را در بیرون منزل تأمین کند؛ مثل ساخت بوستان، بیمارستان، خیابان و ... بنابراین، مالیات خرج خود شهروندان می‌شود؛ برخلاف خمس که قسمتی از آن به سادات فقیر تعلق می‌گیرد و قسمت دیگر آن در راه حفظ دین و مصالح حکومت خرج می‌شود.

گذشته اینکه، خمس یک عبادت به‌شمار می‌رود و قصد قربت، شرط آن است. برخلاف مالیات که صرف پرداخت آن، تکلیف را ساقط می‌کند؛ اگرچه از روی اجبار

۱. کتاب الخمس، نوری همدانی، ص ۷.

۲. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۳۴۹.

۳. مالیات در نظام اسلامی، تقوی، ص ۵۶.



باشد. همچنین خمس با نظارت عالم‌ترین، محبوب‌ترین و با تقواترین فرد که با تحقیق انتخاب شده است، یعنی فقیه عادل مصرف می‌شود. برخلاف مالیات که این‌گونه نیست و گاهی ناعادلانه مصرف می‌شود. مالیات از اصل درآمد مردم اما خمس از مازاد مخارج سالانه گرفته می‌شود و برخلاف مالیات، به پرداخت‌کننده‌ی آن اعتماد می‌شود؛ یعنی خودش مال خود را حساب می‌کند. بنابراین، بازرس یا مأموری در کار نیست. حتی اجباری برای پرداخت آن وجود ندارد و از کسی در مورد اینکه آیا خمس خود را پرداخت می‌کند یا نه، تحقیق نمی‌شود. به عبارت دیگر، در پرداخت خمس آزادی عمل وجود دارد؛ برخلاف مالیات که پرداخت آن الزامی است و پرداخت نکردن آن مجازات به دنبال دارد. در خمس، به مردم این اجازه داده می‌شود که نصف آن (سهم سادات) را خودشان به موارد تعیین شده برای مصرف برسانند؛ یعنی مردم در هزینه کردن بخشی از آن مشارکت دارند. برخلاف مالیات که مردم در هزینه کردن آن نقشی ندارند.

براساس روایات، خوردن مالی که خمس آن پرداخت نشده است، عذاب الهی را به همراه دارد. از «ابابصیر» نقل شده است: «از امام باقر علیه السلام سؤال کردم آسان‌ترین چیزی که بنده به سبب آن وارد جهنم می‌شود چیست؟ حضرت فرمود: «کسی که درهمی از مال یتیم را بخورد و ما اهل بیت علیهم السلام، یتیم هستیم.»<sup>۱</sup>

نیز روایت دیگری نیز در این باب وجود دارد. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرکس با مالی که خمس آن داده نشده است، چیزی بخرد، خداوند عذر او را نمی‌پذیرد؛ زیرا چیزی خریده است که برای او حلال نیست.»<sup>۲</sup> از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هرکس مالش فراوان گردد و حق آن را ادا نکند، روز قیامت مال او تبدیل به مارهایی می‌شود که پیوسته او را می‌گزند.»<sup>۳</sup>

۱. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی، ج ۲، ص ۴۱.

۲. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۹، ص ۴۸۴.

۳. بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۶، ص ۲۹.



روایات فراوان دیگری نیز در این زمینه وارد شده است.<sup>۱</sup> از مجموع این روایات استفاده می‌شود که خمس، حقوق مالی واجبی است که برعهده‌ی مسلمانان قرار دارد و پرداخت نکردن آن، موجب عذاب و عقاب است. در این میان، با توجه به فراوانی روایات مذکور، به نظر می‌رسد که رسانه‌ی ملی صداوسیما، به عنوان بزرگترین و پرمخاطب‌ترین رسانه‌ی کشور، مسؤولیت مهمی در این زمینه برعهده دارد که باید به آن توجه داشته باشد و آن را انجام دهد. در این بخش از مقاله به مبانی و محورهای مهم و قابل توجه در آموزه‌ی الهی خمس، برای ساخت و تولید برنامه‌های مذهبی با موضوع ترویج فرهنگ خمس در رسانه‌ی ملی می‌پردازیم.

### محورهای قابل ترویج خمس در رسانه

با توجه به اینکه خمس یک حکم شرعی است، باید دلایل واجب بودن آن را از منابع شرعی یعنی کتاب خدا، احادیث معصومین علیهم‌السلام و اجماع جست‌وجو کرد. با تکیه بر این روایات می‌توان به آن میزان از احادیثی که برای عموم مردم قابل فهم است و می‌توان با استفاده از ابزار رسانه‌ای به‌ویژه رسانه‌ی ملی، بدان پرداخت، در دو بخش آثار فردی و اجتماعی، برنامه‌هایی را تهیه کرد و این موضوعات را برای ترویج فرهنگ خمس در رسانه‌ی ملی عنوان نمود.

#### ۱. آثار فردی

##### الف) رشد معنوی

انجام تکلیف‌های مالی، نشانه‌ی رشد معنوی و مبارزه با بخل و خساست و امتحانی الهی است که بسیاری از افراد در آن شکست می‌خورند و هلاک می‌شوند. پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «کسی که آنچه را خداوند برمال و دارایی‌اش واجب کرده است ادا

۱. بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۸۴؛ کشف الغمه، اربلی، ج ۲، ص ۵۳۲؛ کافی، کلینی، ج ۳، ص ۵۰۶.



کند، سخاوتمندترین مردم است.»<sup>۱</sup> بنابراین، خمس که از تکلیف‌های مالی است، سبب رشد معنوی پرداخت‌کننده‌اش می‌شود و بخل را که از دام‌های شیطانی است، ریشه‌کن می‌کند.

خداوند کسانی را که با بخل مبارزه می‌کنند و دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، مدح کرده است و می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و آن‌ها (مهاجران) را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند. و هرکس از خست نفس خود مصون ماند، ایشان به حقیقت رستگاران عالمند.»<sup>۲</sup>

### ب) تزکیه اموال و کلید رزق

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا؛ و از آنچه خداوند روزی شما کرده است، حلال و پاکیزه بخورید.»<sup>۳</sup> از این آیه به دست می‌آید که آنچه در اختیار آدمی است، حلال و پاک نیست؛ زیرا ممکن است حقوق مردم یا حقوق الهی در آن باشد که باید نخست ادا شود. سپس می‌توان در آن مال تصرف کرد. از جمله‌ی این حقوق، خمس است که آیه صریح قرآن آن را بر انسان‌ها واجب کرده است. بنابراین کسانی که به مال ایشان خمس تعلق گرفته است، نمی‌توانند در مال خود تصرف کنند و تنها با پرداخت خمس، مال آن‌ها حلال خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در همین باره می‌فرماید: «إِنِّي لَأَخِذُ مِنْ أَحَدِكُمُ الدَّرْهَمَ وَإِنِّي لَأَكْثِرُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ مَالاً مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ تُطَهَّرُوا؛ همانا من از هر کدام شما درهم می‌گیرم، درحالی‌که از ثروتمندان اهالی مدینه هستم؛ از این گرفتن قصدی ندارم جز اینکه شما پاکیزه شوید.»<sup>۴</sup>

۱. من لایحضره الفقیه، صدوق، ج ۲، ص ۶۲.

۲. حشر: ۹.

۳. مائده: ۸۸.

۴. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۹، ص ۴۸۴.



مقصود حضرت از این بیان آن است که گرفتن مال (خمس) سبب پاکیزه و حلال شدن مال (دارایی) خواهد شد. همچنین در کتاب «کافی» آمده است که گروهی از مردم خراسان از امام رضا علیه السلام درخواست کردند که ایشان را از پرداخت خمس معاف فرماید. حضرت در جواب فرمود: «این چه نیرنگی است؟! به زبان با ما اظهار دوستی و اخلاص می کنید، حال آنکه حق را که خداوند برای ما قرار داده و برای ما آن را تأیید فرموده است که آن خمس است، از ما دریغ می دارید! بر شما حلال نمی کنیم، نمی کنیم، نمی کنیم و هیچ یک از شما معاف نیستید»<sup>۱</sup>.

همچنین براساس روایت هایی که از ائمه علیهم السلام نقل شده است، پرداخت خمس موجب گشایش روزی و برکت آن می شود. امام رضا علیه السلام در روایتی می فرماید: «فَإِنَّ اخْرَاجَهُ مِفْتَاحَ رِزْقِكُمْ؛ همانا پرداخت خمس کلید روزی شماست»<sup>۲</sup>.

در جای دیگر نیز می فرماید: «وَأَخْرَجُوا حَقَّ اللَّهِ مِمَّا فِي أَيْدِيكُمْ يُبَارِكُ اللَّهُ لَكُمْ فِي بَاقِيهِ؛ از آنچه در دست دارید، حق الهی را پرداخت کنید تا خداوند در باقی مانده آن مال، برکت دهد»<sup>۳</sup>.

### ج) پاک شدن گناهان و ذخیره آخرت

یکی از تاجران فارس که از دوستداران امام رضا علیه السلام بود، در نامه ای درخواست کرد که از پرداخت خمس معاف شود. امام رضا علیه السلام درخواست او را رد کرد و فرمود: «به درستی که پرداخت خمس موجب ... پاک شدن گناهانتان و آمادگی شما برای روز بیچارگی تان در قیامت است»<sup>۴</sup>.

۱. التهذیب، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۱۴۰.

۲. همان، ص ۱۳۹.

۳. مستدرک الوسائل، نوری، ج ۷، ص ۲۷۹.

۴. التهذیب، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۱۳۹.



## د) مشمول دعای امام شدن

یکی دیگر از محورهای مهم برنامه‌سازی در رسانه ملی در موضوع خمس، مشمول دعای خیر امام شدن است. امام رضا علیه السلام در بخشی از سخنانش می‌فرماید: «... ولا تَزُووهُ عَنَّا وَلَا تُحَرِّمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ؛ آن (خمس) را از ما دریغ نورزید و خود را از دعای ما محروم نسازید تا آنجا که می‌توانید...»<sup>۱</sup>

## ها) ایجاد نظم مالی

هر مؤسسه یا بنگاهی که فعالیت اقتصادی یا غیراقتصادی دارد، هنگامی می‌تواند نقطه‌های ضعف و قوت خود را دریابد که نظم مالی و حسابرسی دقیق داشته باشد. در غیراین صورت، بی‌نظمی و از بین رفتن دارایی‌ها، اجتناب‌ناپذیر است. خانواده نیز به عنوان یک نهاد کوچک، باید نظم مالی داشته باشد تا بتواند از فرصت‌ها استفاده بهینه کند. پرداخت خمس می‌تواند این هدف را عملی کند.

فردی که به پرداخت خمس متعهد است، باید سال خمسی داشته باشد تا هنگام سررسید سال خمسی، به حسابرسی اموالش بپردازد. برای تحقق این مهم لازم است که اعضای خانواده، هزینه‌هایی را که در سال قبل صورت گرفته است، بررسی کنند تا مشخص شود کدام یک از هزینه‌ها در شأن خانواده نبوده است. در طول یک سال، درآمد مازاد بر خرج چقدر بوده است. به چه کسی بدهکار هستند و از چه کسی طلب دارند. بی‌تردید، پاسخ به این پرسش‌ها، علاوه بر آنکه در تعیین مقدار خمس اثرگذار است، به صورت غیرمستقیم، به نظم مالی خانواده نیز کمک می‌کند. این موضوع به خوبی در رسانه‌ی ملی قابل انعکاس است.

## و) جلوگیری از تجمل در زندگی

از جمله چیزهایی که به آن خمس تعلق می‌گیرد، لوازمی است که از شأن فرد و

۱. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۵۴۸.







خانواده او بالاتر باشد. این قانون سبب می‌شود که افراد، کمتر به سراغ لوازم تجملاتی بروند.

## ز) عنایت‌های ویژه

کسانی که از مال خود می‌گذرند و در راه خدا خمس می‌پردازند، به طور طبیعی از عنایت‌های ویژه الهی برخوردار خواهند شد و این موضوع برای مردم قابل درک و لمس است. خداوند می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌دهد.»<sup>۱</sup>

## ح) ارتباط حقیقی با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ

همه‌ی ما نسبت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ علاقه‌ی قلبی خاصی داریم و به آن افتخار می‌کنیم. مرحله‌ی بالاتر از این مرتبه، مرحله‌ی عملی این علاقه و ارتباط است؛ یعنی در مقام عمل هم محبت و اخلاص خود را به امام ثابت کنیم. یکی از راه‌های تحقق عملی این ارتباط، پرداخت خمس به نایب اوست. پرداخت خمس، بیعت مجدد با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ و یاری ایشان در برپایی دین عدل‌گستر و ایجاد دولت یار است. بی‌شک، ادعای انتظار از سوی کسی که به پرداخت خمس میلی ندارد، پوچ و بی‌معناست.

## ط) پیامدهای نپرداختن خمس

همان‌طور که بیان شد، خمس از فروع دین و تکلیف‌های واجب است که سهل‌انگاری و بی‌توجهی به آن گناهی بزرگ بوده و اثر و عاقبت بدی در دنیا و آخرت دارد و باید در رسانه‌ی ملی مردم را از پیامدهای آن آگاه نمود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) نپرداختن خمس در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده

۱. محمد: ۷.





است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اَكْبَرُ الْكِبَائِرِ سَبْعٌ: الشَّرْكُ وَالْقَتْلُ وَآكُلُ أَمْوَالِ الْيَتَامَى وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَالْفِرَارُ مِنَ الرَّجْفِ وَانْكَارُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ؛ از بزرگترین گناهان کبیره هفت چیز است: شرک، قتل نفس، خوردن مال یتیم، عاق پدر و مادر، متهم کردن زنان پاکدامن، فرار از جهاد و انکار آنچه خدا نازل کرده است.» سپس امام صادق علیه السلام در ادامه می‌فرماید: «اما خوردن مال یتیم همان بردن و خوردن مال ماست.»<sup>۱</sup>

ب) خوردن خمس و نپرداختن آن مساوی با خوردن آتش است. در توقیعی که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف رسیده، این طور آمده است: «وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحْلَ مِنْهَا شَيْئاً فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ التَّيْرَانَ؛ واما کسانی که اموال ما را می‌گیرند، اگر چیزی از آن را برای خود حلال بدانند و بخورند، مثل این است که آتش می‌خورند.»<sup>۲</sup>

ج) تصرف در مالی که خمس آن داده نشده است، جایز نیست. تصرف و هرگونه استفاده از مالی که خمس آن داده نشده است، حرام و نماز آن فرد با لباسی که خمس آن را پرداخت نکرده باطل است و باید مخاطبان رسانه‌ی ملی را از آن آگاه نمود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئاً حَتَّى يَصِلَ إِلَيْنَا حَقَّنَا؛ و برای هیچ‌کس روا نیست از مالی که خمس آن را نداده، چیزی بخرد؛ مگر آنکه حق ما را به ما برساند.»<sup>۳</sup>

این مسأله جزو مسائل مسلم فقهی و احکام شرعی در رساله‌های توضیح المسائل نیز هست.

## ۲. آثار اجتماعی

از جمله آثار مهمی که در باب احیای فرهنگ خمس در رسانه‌ی ملی قابل ترویج و

۱. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۹، ص ۵۳۶.

۲. همان، ص ۵۵۰.

۳. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۹، ص ۴۸۴.



انعکاس است، تبیین آثار اجتماعی خمس است که باید در راستای آگاهی بخشی عمومی در رسانه‌ی ملی بدان اهتمام ورزید. این موضوعات بدین شرح هستند:

### الف) تکریم خاندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خداوند جهت تکریم و بزرگداشت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اهل بیتش و نیز فقیران و درماندگان از خویشان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خمس را تشریح کرد. همان‌گونه که زکات برای دیگر فقیران جامعه تشریح شد.

خداوند می‌دانست که در گذر زمان، فرزندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با مشکلات مالی روبه‌رو خواهند شد و از آنجا که زکات را برای آنان نمی‌پسندید، با اختصاص آیه‌ای صریح، این قانون را وضع کرد. با وجود این، بر اثر تفسیرهای غلط حاکمان و برخی از عالمان از این آیه، مسلمانان به‌طور کامل به این دستور الهی عمل نکردند و به این دستور تنها در مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام عمل شد.

امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام با اشاره به این حکمت تشریح خمس می‌فرماید: «وَأَمَّا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْخُمْسَ خَاصَّةً لَهُمْ دُونَ مَسَاكِينِ النَّاسِ وَأَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ عَوْضًا لَهُمْ مِنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ وَتَنْزِيهَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ لِقَرَابَتِهِمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ و همانا خداوند این سهم خمس را مخصوص خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کرد و به مستمندان و در راه‌ماندگان دیگر مردم نداده است. در عوض صدقه‌ها و زکات مردم را از سادات دریغ کرده است؛ برای آنکه خدا آنان را به دلیل خویشی با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منزه بدارد.»<sup>۱</sup>

بنابراین، پرداخت خمس علاوه بر اینکه انجام یک واجب الهی است، خشنودی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز در پی دارد. زیرا با پرداخت خمس، حقوق فرزندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادا می‌شود. «شیخ صدوق» در کتاب «من لا یحضره الفقیه» در این باره روایتی را نقل کرده است که ترجمه آن را می‌آوریم.

۱. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۵۳۹.



حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «آن‌گاه که روز قیامت برپا می‌شود، منادی حق ندا می‌دهد: ای خلاق! سکوت کنید. همانا پیامبر خدا، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله می‌خواهند با شما سخن بگویند. پس همه‌ی خلاق سکوت می‌کنند. آن‌گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به پا می‌خیزد و می‌فرماید: ای گروه خلاق! هرکس را در نزد من حق و منتهی یا معروفی باشد، پس باید برخیزد تا من حق او را ادا و او را کفایت کنم. اهل محشر می‌گویند: یا رسول الله! پدران و مادران ما به فدایت باد! چه منتهی و چه معروفی از ما برای شماست؟ بلکه هر منتهی و معروفی از خدا و رسولش بر جمیع خلاق است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آری چنین است. اگر کسی یکی از اهل بیت را پناه داده، خدمتی انجام داده یا برهنه‌ای را پوشانده و گرسنه‌ای از فرزندانم را سیر نموده، پس بایستد تا من تلافی کرده، او را کفایت کنم. پس مردمی که این خدمات را انجام دادند، می‌ایستند. آن‌گاه ندایی از جانب خداوند می‌آید که ای محمد! ای حبیب من! به تحقیق که جزایشان را به تو سپردم و در بهشت هر کجا که می‌خواهی جایشان بده. پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنان را در درجه و کنار خویش جای می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که هیچ حائلی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش با دوستداران فرزندان نباشد.»

### ب) پشتیبانی از حکومت اسلامی

شکی نیست که هر دولت و حکومتی برای پیشبرد اهداف خود به قدرت مالی نیاز دارد تا در جهت مناسب هزینه کند. حکومت اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. از این رو، در شرع مقدس، مالیات‌هایی برای کمک و پشتیبانی حکومت اسلامی در نظر گرفته شده که از آن جمله خمس است.

مالیات خمس، شامل همه‌ی درآمدها می‌شود و اگر مردم به این واجب عمل کنند، درآمد بسیاری نصیب حکومت اسلامی می‌شود که می‌تواند مشکل‌ها را رفع کند. امام خمینی رحمته الله علیه درباره‌ی این کارکرد خمس می‌فرماید: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای را که ریخته است، نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست،





بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. به عنوان مثال، خمس یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال ریخته می شود و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می دهد.

طبق مذهب ما، از تمام منافع کشاورزی، تجارت، منابع زیرزمینی و روی زمینی و به طور کلی از کلیه ی منافع و عواید، به طرز عادلانه ای [خمس] گرفته می شود. به طوری که از سبزی فروش درب مسجد تا کسی که به کشتی رانی اشتغال دارد، یا معدن استخراج می کند، همه را شامل می شود. این اشخاص باید خمس اضافه بر درآمد را پس از صرف مخارج متعارف خود به حاکم اسلام بپردازند تا به بیت المال وارد شود. بدیهی است درآمد به این عظمت، برای اداره کشور اسلامی و رفع همه ی احتیاج های مالی آن است. هرگاه خمس درآمد کشورهای اسلام یا تمام دنیا را - اگر تحت نظام اسلام درآید - حساب کنیم، معلوم می شود منظور از وضع چنین مالیاتی، تنها رفع احتیاج سید و روحانی نیست؛ بلکه قضیه مهم تر از این هاست. منظور رفع نیاز مالی تشکیل های بزرگ حکومتی است.<sup>۱</sup>

### ج) تأسیس حوزه های علمیه

یکی از مهم ترین امتیازهای مکتب اهل بیت علیهم السلام بر دیگر مکتب ها و ادیان، استقلال عالمان و حوزه های علمیه ی آن است. کمتر مکتبی است که در دوران حیات خود، این طور مستقل از حکومت ها و قدرت ها به کار خود ادامه دهد و از آن ها تأثیر نپذیرفته باشد. این ویژگی و امتیاز، مرهون استقلال مالی حوزه ها و عالمان دینی است که با اکتفا به درآمدهای خمس توانستند از نفوذ سلیقه های شخصی و تفسیرهای نادرست در دین جلوگیری کنند.

اگر خمس، هیچ کارکردی جز این نداشت، کافی بود آن را به عنوان قانونی مترقی پذیرا باشیم. متأسفانه این قانون الهی و مترقی که برای همه ی مسلمانان تشریح شده است، به

۱. ولایت فقیه، روح الله خمینی، ص ۲۲.





دلیل کج اندیشی‌ها و تفسیرهای نادرست، از مسیر خود منحرف شد و غیر از شیعیان، دیگر مذاهب اسلامی نتوانستند از آن بهره‌ای ببرند. در نتیجه، زمینه‌ی وابستگی آن‌ها به پادشاهان و حکومت‌ها فراهم شد.

بنابراین، با یقین می‌توان گفت یکی از برکت‌های اجتماعی خمس، تربیت عالمان دینی و تأسیس حوزه‌های علمیه‌ی مستقل در جهان تشیع بوده است که نقش مهمی در رواج و گسترش فرهنگ دینی در گذشته و حال داشته است. امام رضا علیه السلام در مقام بیان این کارکرد از خمس می‌فرماید: «إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنٌ عَلَى دِينِنَا؛ به درستی که خمس، برای کمک ما به دین ماست.»<sup>۱</sup>

در عصر حاضر، بهترین کمک به دین، تربیت متخصصان و مبلغان دینی است تا علاوه بر دفاع از دین، به تبیین و نشر آن بپردازند.

#### د) رفع اختلاف طبقاتی

هنگامی که ثروت در دست افراد خاص و معدودی انباشته شود، فاصله‌ی عمیق طبقاتی بین افراد جامعه ایجاد می‌شود که نتیجه‌ی آن، گسترش فقر و محرومیت است. از سوی دیگر، همیشه افرادی در جامعه هستند که برای کسب و کار قدرت ندارند یا اینکه درآمدشان برای زندگی کافی نیست. اسلام برای رفع این دو مشکل، مالیات‌هایی چون زکات، خمس و صدقه‌ها را وضع کرده است که می‌تواند هم از تمرکز ثروت در دست افرادی خاص جلوگیری کند و هم نیاز نیازمندان را رفع کند.

البته این سخن بدان معنا نیست که اسلام با تساوی افراد در ثروت و رفاه موافق باشد؛ زیرا با فطرت و توانایی‌های انسان ناسازگار است. اسلام اصل اختلاف در دارایی‌ها را می‌پذیرد، ولی این اختلاف نباید عمیق و بسیار دردآور باشد، بلکه تناسب باید حفظ

۱. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۹، ص ۵۳۸.



شود.

قرآن نیز در بیان علت تقسیم غنیمت‌ها در ماجرای بنی‌نضیر میان فقیران می‌فرماید: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ؛ تا اینکه [ثروت] میان ثروتمندان شما، دست به دست نگردد.»<sup>۱</sup> این آیه به همین اصل اساسی اقتصاد اسلامی یعنی عدم تمرکز ثروت در دست توانگران اشاره دارد. بنابراین یکی از کارکردهای مهم خمس، رفع نیاز محرومان و تمرکززدایی ثروت در دست افرادی خاص است که می‌تواند به عدالت اجتماعی در جامعه کمک کند.

### ها) انجام کارهای دارای منفعت عمومی

هر چیزی که برای اسلام و مسلمین صلاح و به عبارت دیگر مصداق «فی سبیل الله» باشد، از موارد مصرف خمس است. در این باره امام صادق ع می‌فرماید: «... أَمَّا خُمْسُ اللَّهِ فَلِلرَّسُولِ يَضَعُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ حقّ خمس خداوند در دست رسول اوست که در راه خدا، در هر چیزی که مصلحت می‌داند، مصرف می‌کند...»<sup>۲</sup>

بنابراین حاکم اسلامی می‌تواند سهمی از خمس را برای تقویت اسلام و مسلمانان مصرف کند؛ مانند کمک به مبارزان مسلمان در برابر کفار. همچنان که شاهد بودیم، مراجع تقلید در سال‌های گذشته اجازه می‌دادند قسمتی از خمس به مبارزان لبنان پرداخت یا در راه بازسازی منطقه‌های جنگ‌زده لبنان هزینه شود. بنابراین همواره در طول تاریخ تشیع و در زمان غیبت کبری، این چنین بوده که امکاناتی که بتوان با آن، نیازها و مشکلات جامعه را سروسامان داد، از خمسی بوده که در اختیار فقها قرار داشته و ایشان از این اموال در طول قرن‌ها در امور عام‌المنفعه بهره می‌بردند. این امور مانند ساخت مسجد، مراکز خیریه، بیمارستان، راه، پل، و ... بوده است.

۱. وسائل الشیعه، حرعاملی، ج ۹، ص ۵۳۸.

۲. همان، ص ۵۰۹.



## بایدها و نبایدهای برنامه‌سازی خمس در رسانه‌ی ملی

در این قسمت از مقاله به بایدها و نبایدهایی که توجه به آن‌ها در رسانه‌ی ملی جهت ترویج و احیای فرهنگ خمس لازم است، بیان می‌کنیم.

### ۱. اهمیت دادن به خمس

متأسفانه پس از گذشت چند دهه از عمر رسانه‌ی ملی در کشور اسلامی، غیر از بیان احکام خمس هنوز کار مهمی برای فرهنگ سازی درباره‌ی این فریضه صورت نگرفته است. این امر تنها به خمس اختصاص ندارد، بلکه زکات نیز پرونده‌ای درخشان‌تر از خمس ندارد!

آیا خمس موضوع کم‌اهمیتی است یا اینکه رسانه از رسالت خود فاصله دارد؟ بدیهی است با وجود تأکید فراوان قرآن، وجود روایت‌های بسیار در این زمینه و سیره‌ی عملی و قطعی معصومین علیهم‌السلام و عالمان عامل، شکی باقی نمی‌ماند که رسانه باید بیش از گذشته، تلاشش را برای ترویج این واجب الهی به کار بندد.

### ۲. توجه دادن به آثار پرداخت خمس

پرداخت خمس آثار بسیاری دارد که پیشتر بدان‌ها اشاره شد. بنابراین، باید این آثار در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی گوشزد شود. نباید چنین تصور شود که خمس تنها پرداخت مقداری پول است، بلکه باید آن را همانند عبادتی فرض کرد که پرداخت‌کننده‌ی آن بیشترین سود را می‌برد و اعراض‌کننده‌ی از آن، زیانکار است. این اثرها تنها مربوط به آخرت نیست، بلکه اثرهای دنیوی بسیاری نیز دارد.

### ۳. توجه به داستان‌ها در برنامه‌های رسانه‌ی ملی

زندگی عالمان دینی، سرشار از داستان‌های عبرت‌آموز است که می‌تواند الگوهای







خوبی در جامعه باشد. در موضوع خمس نیز داستان‌هایی از عالمان وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی زهد، احتیاط در مصرف و پرهیز از اسراف و زیاده‌روی در شیوه‌ی عملی آنان است. این داستان‌ها می‌تواند جامعه را در اعتدال مصرف عمومی، کسب اعتماد مردم و روی آوردن به پرداخت خمس کمک کند.

#### ۴. برقراری ارتباط میان خمس با نماز و حج

خمس، عبادتی مستقل است که همگان به آن دعوت شده‌اند. البته با توجه به پیوندی که در فقه و احکام، میان خمس از یک سو و نماز و حج از سوی دیگر بیان شده است، می‌توان از این ارتباط برای بیان اهمیت خمس استفاده کرد. زیرا نماز شخصی که خمس نمی‌دهد، یا صحیح نیست یا مقبول نیست؛ در مورد حج نیز همین‌گونه است.

#### ۵. تأکید بر آموزش خمس در خانه

خانواده و خانه، نقش بی‌بدیلی در درونی‌سازی احکام و آموزه‌های دینی دارند. در سریال‌ها و فیلم‌های خانوادگی، موضوع خمس می‌تواند یکی از موضوع‌های فرعی داستان فیلم و یا سریال در میان افراد خانواده باشد.

#### ۶. محدود نکردن خمس به گروهی خاص

فیلم‌ها و سریال‌هایی که ساخته می‌شود، نباید این امر را به ذهن مخاطبان تداعی کند که خمس مربوط به گروه و افراد خاصی است و بقیه از پرداخت آن معاف هستند. باید همه‌ی گروه‌ها در این امر مشارکت کنند. افراد سنتی، متجدد، کم درآمد، ثروتمند، بازاری، کارمند، کارگر، بیکار، زن و مرد باید در فرهنگ‌سازی برای خمس تلاش کنند.





## ۷. بهره‌گیری از همه‌ی فرصت‌ها

باید از همه‌ی فرصت‌های رسانه‌ی ملی برای ترویج فرهنگ خمس بهره برد و نباید آن را به بیان احکام و شیوه‌های سنتی منحصر کرد. اگرچه این روش‌ها هم در جای خود پسندیده است. فیلم‌ها و سریال‌های مختلفی از رسانه‌ی ملی پخش می‌شود که به طور معمول مخاطبان زیادی دارند. آیا این فرصت مناسبی برای طرح موضوع‌های دینی از جمله خمس، به صورت فرعی و غیرمستقیم نیست؟ آیا هدر دادن این فرصت‌ها غصه‌آور نیست؟

## ۸. تأکید بر تفاوت میان خمس و مالیات‌های دولتی

همان‌گونه که در مقدمه‌ی مقاله گذشت، برخی افراد به علت ناآشنایی با احکام دینی، فکر می‌کنند با پرداخت مالیات‌های دولتی، دیگر به پرداخت خمس نیازی نیست. درحالی‌که این فکر صحیح نیست و ما در مقدمه به تفاوت این دو اشاره کردیم. رسانه‌ی ملی می‌تواند در میزگردها و یا در گفت‌وگو با شخصیت‌های فیلم‌ها به بیان و شرح تفاوت‌های خمس با مالیات‌های دولتی بپردازد و حتی به مزیت‌های خمس در مقایسه با دیگر مالیات‌ها اشاره کند.

## ۹. تأکید بر منت نگذاشتن بر مصرف‌کنندگان خمس

خمس به دو قسمت تقسیم می‌شود؛ یک قسمت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط است که در عصر غیبت، برای ترویج دین مصرف می‌شود و قسمت دیگر آن به سادات فقیر مربوط است.

در رسانه‌ی ملی باید تأکید شود که خمس، حقی است برای پیامبر صلی الله علیه و آله و خویشاوندانش که خداوند در اموال افراد توانمند قرار داده است و نباید پرداخت‌کنندگان خمس از این جهت بر مصرف‌کنندگان آن منت بگذارند. در واقع، پرداخت‌کنندگان باید شاکر باشند که با مال خود، دین خدا را یاری کرده‌اند و از این راه، مال و اولادشان پاک و



پاکیزه شده است.

## راهکارهای برنامه‌سازی برای خمس در رسانه‌ی ملی

در این قسمت به بیان راهکارهای مختلفی در قالب‌های گوناگون برای ساخت و تولید برنامه‌هایی برای ترویج فرهنگ خمس می‌پردازیم.

### الف) ساختار دراماتیک در داستان‌ها و فیلم‌نامه‌ها

۱. در تولیدات دراماتیک، از گره‌گشایی مشکلات به سبب پرداخت خمس در داستان فیلم، می‌توان در ترویج فرهنگ خمس و اثرهای آن بهره جست. همچنین در مورد گره‌افکنی و ایجاد مشکل، با سبک‌شماری و بی‌اعتنایی نسبت به پرداخت خمس استفاده کرد.

۲. در فیلم‌ها باید پرداخت خمس یا زکات امری عادی باشد و کار عجیب و غریبی جلوه داده نشود.

۳. در شخصیت‌پردازی داستان، نباید پرداخت‌کنندگان خمس از گروه خاصی باشند.

۴. در روند داستان به اثرمال خمس داده شده، در پاکی نسل‌ها و روحیه‌های آنان توجه شود. همچنین به اثرپرداخت خمس در موفقیت قهرمان داستان اشاره شود.

۵. باید در داستان فیلم‌ها تأکید شود مالی که خمس آن داده نشده است، حرام است و تصرف در آن جایز نیست و اگر فرد با آن نماز گزارد یا حج کند، باطل است.

۶. در بیان آسیب‌شناسی ناهنجاری‌ها، به نقش پرداخت نکردن خمس در این ناهنجاری‌ها و منکرها اشاره شود.

۷. همان‌طور که اشاره شد، بیشترین مصرف خمس در حال حاضر در حوزه‌های علمیه است. برای بیان زهد در مصرف، می‌توان به زندگانی «شیخ مرتضی انصاری» یا حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه اشاره کرد.

۸. در فیلم‌ها و سریال‌ها، گفت‌وگوی افراد خانواده، دوستان و یا همکاران در اداره، می‌تواند درباره‌ی احکام خمس باشد. برای مثال، فرزند خانواده که هدیه و عیدی‌هایی



دریافت کرده است، سؤال می‌کند که آیا این‌ها خمس دارند؟ یا دانشجویی که مخارج او را دیگران تأمین می‌کنند، از روحانی دانشگاه سؤال کند که حکم مال او از نظر خمس چگونه است؟ یا همسری که در بیرون از خانه به شغلی اشتغال دارد و دارای درآمد است، با این پرسش روبه‌رو شود که آیا او هم باید خمس بدهد؟ یا مثلاً مادری می‌خواهد به حج برود، اما نمی‌داند که خمس اموالش را باید بدهد و فرزند او که از این مسأله آگاه است، او را مطلع می‌کند.

یا اینکه به فردی ارثی رسیده است، ولی حکم خمس آن را نمی‌داند. پدري بازنشسته می‌شود و به او پاداش پایان خدمت می‌دهند. وی از روحانی محل سؤال می‌کند که آیا باید خمس آن را بدهد یا نه. شخصی خانه‌ی خود را می‌فروشد، ولی حکم خمس آن را نمی‌داند. شخصی از خمس بدهکار شده است، اما اگر بخواهد آن را بپردازد سرمایه‌اش کم می‌شود و یا با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود و از روحانی سؤال می‌کند که چه کند. یا به عنوان نمونه، دو فامیل با هم رابطه دارند، اما یکی خمس می‌دهد و دیگری به آن اعتقاد ندارد. فرزند از پدر سؤال می‌کند آیا می‌توانیم از اموال آن‌ها استفاده کنیم و مثلاً غذای آن‌ها را بخوریم؟ و مواردی از این قبیل، قابل درج و انعکاس در فیلم‌ها و سریال‌ها است.

۹. در روند فیلم‌ها، وصیت به پرداخت خمس گنجانده شود. برای مثال، شخصی در آخرین لحظه‌های عمرش وصیت می‌کند که خمس همه اموالش یا بخشی از آن پرداخت شود.  
۱۰. در سریال‌ها و فیلم‌ها، به قصد قربت و رضایت باطنی پرداخت‌کنندگان خمس توجه شود.

۱۱. در سریال‌ها و فیلم‌ها توجه شود که روحانیون محل، خود متصدی دریافت خمس نباشند، بلکه افراد را به دفتر مراجع هدایت کنند.

۱۲. در فیلم‌ها و سریال‌ها و نمایش‌ها، به نقش خمس در استقلال حوزه‌های علمیه و نفی وابستگی به طاغوت اشاره شود.



## ب) زیرنویس‌ها، پلاتو و پیام مجری

زیرنویس‌های تلویزیونی و پیام‌ها و گفتار مجریان صدا و سیما نیز نقش مهمی در فرهنگ‌سازی دارد که می‌توان از این ظرفیت برای ترویج خمس بهره‌برداری کرد که در این جا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم. ۱. خمس، پشتوانه‌ی دین است. با پشتیبانی از دین، رضایت الهی را کسب کنیم.

۲. خمس، دستگیری از خویشاوندان نیازمند پیامبر است؛ این فرصت ارزشمند را از دست ندهیم.

۳. اموال و دارایی‌های ما، وسیله‌ی آزمایش ماست؛ با پرداخت خمس از این آزمایش، سربلند خارج شویم.

۴. خمس تنها مالیاتی است که با رضایت و بدون اجبار از سوی صاحبان آن پرداخت می‌شود.

۵. پرداخت خمس، برای زندگی دنیوی، برکت و برای زندگی اخروی، رستگاری ارمغان می‌آورد.

۶. پرداخت خمس، نشانه‌ی کمال ایمان است.

۷. پرداخت خمس، نشانه غلبه بر بخل و خودخواهی و تجلی ایثار و بخشندگی است.

۸. با پرداخت خمس، در دفاع از دین سهم شویم.

۹. پرداخت خمس، انسان را حسابگر، دقیق، وظیفه‌شناس، مسؤول نسبت به محرومان و حامی ارزش‌های الهی تربیت می‌کند.

۱۰. با پرداخت خمس، روح سخاوت و نوع‌دوستی، شکوفاتر و بی‌اعتنایی و خودخواهی برطرف می‌شود.

۱۱. پرداخت خمس، راهی برای ایجاد الفت و محبت میان طبقه‌های مختلف و جلوگیری از ایجاد شکاف‌های عمیق طبقاتی است.

۱۲. پرداخت خمس، رابطه‌ی انسان را با خدا از راه قصد قربت در پرداخت، رابطه‌ی با



محرومان را از راه کمک به یتیم‌ها و فقیران، با حاکم معصوم از راه کمک به فقیهان عادل، با خودش از راه مهار کردن صفت زشت حرص و بخل و بی‌اعتنایی به دیگران، با نسل آینده از راه حلال کردن لقمه‌ها و با پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت معصومش از راه رسیدگی به سادات محروم، تنظیم، تصحیح و تقویت می‌کند.



## فهرست منابع

- \* قرآن کریم.  
\* نهج البلاغه.
۱. برزنجی، صباح، «بررسی تطبیقی آیه ی خمس»، مجله ی مقالات و بررسی ها.
  ۲. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، رساله نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۴ ش.
  ۳. تقوی، سید رضا، مالیات در نظام اسلامی، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
  ۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
  ۵. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، خمس، چالش ها و راهکارها، قم، مؤسسه بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۶ ش.
  ۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
  ۷. رحیمیان، محمدحسن، در سایه آفتاب، قم، مؤسسه فرهنگی پاسدار اسلام.
  ۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
  ۹. —، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
  ۱۰. شیخ مفید، امالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
  ۱۱. طبسی، محمدجواد، با خورشید سامرا، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
  ۱۲. طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ش.
  ۱۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ سیام، ۱۳۸۳ ش.
  ۱۴. فاضل لنکرانی، محمد، الخمس والانفال، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۳ ق.
  ۱۵. قرائتی، محسن، خمس و زکات، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش.
  ۱۶. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، قم، انتشارات هجرت، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸ ش.



۱۷. — ، مفاتیح الجنان، قم، انتشارات روحانی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۱۹. ماوردی، ابوالحسن البصری، الاحکام السلطانیه، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۹۰ م.
۲۰. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
۲۱. مختاری، رضا، سیمای فرزنانگان، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۷ش.
۲۲. مشکینی، میرزا علی، مصطلحات الفقه، بی‌جا، بی‌تا.
۲۳. مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت، دارالجواد، چاپ دهم، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه دارالعلم، چاپ اول.
۲۶. — ، توضیح المسائل (المحشی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ق.
۲۷. — ، کشف اسرار، بی‌جا، بی‌تا.
۲۸. — ، ولایت فقیه، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
۲۹. موسوی راد لاهیجی، سید حسین، خمس؛ نخستین زیربنای اقتصادی اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۳۰. نوری همدانی، حسین، کتاب الخمس، قم، مؤسسه مهدی موعود، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.







سال چهارم / شماره نهم  
تابستان ۱۴۰۱

*Khums  
Pazhouki*

Journal Specialized Scientific  
Fourth Year / Number Nine  
Summer 2022

## بررسی

شبهه‌ی حرمت زکات و حلیت خمس بر خویشاوندان رسول خدا ﷺ

(مطالعه موردی آیات ۴۳ فصلت و ۹ احقاف)

فصلنامه علمی تخصصی



معصومه حیدریان منش<sup>۱</sup>

## چکیده

طبق آیات قرآن، عدالت یکی از ارزش‌ها و آرمان‌ها و اهداف جامعه‌ی اسلامی است که در فقه برای برقراری آن و زدودن فقر در جامعه، دستوراتی از جمله پرداخت زکات، خمس، جزیه، انفال، فیه، مالیات و نظایر آن مقرر شده است که هر کدام از آن‌ها دلایلی از نص قرآن کریم، روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام و اجماع دارند. وجوب خمس به عنوان یکی از این پشتوانه‌های مالی مهم و ملموس در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال آمده است. اما پیرامون این آیه شبهاتی مطرح می‌شود از جمله اینکه چرا با وجود اهمیت خمس، تنها یک آیه در قرآن به آن پرداخته است؟ یا اینکه واژه‌ی «غنتم» بر خمس درآمد صدق نمی‌کند. یا اینکه ذوی‌القربی در این آیه بر چه کسانی صدق می‌کند؟ و شبهات دیگری که با هدف تزلزل در حکم فقهی و بروز ضعف در اعتقادات دینی صورت می‌گیرد.

۱. سطح سه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهراء علیها‌السلام؛ hedareyan59@gmail.com.

سال چهارم | شماره نهم



در این مقاله تلاش شده با مراجعه به منابع قرآنی به این سؤال پاسخ داده شود که چرا با وجود آیات ۴۳ سوره ی فصلت و آیه ی ۹ احقاف، وقتی پیامبر ﷺ با دیگر پیامبران فرقی ندارد و زکات بر خویشان پیامبران پیشین حلال بوده، ولی در اسلام به یک باره زکات بر خویشان رسول خدا ﷺ حرام شده است و به جای آن خمس قرار می‌گیرد؟ یافته‌ها حاکی از آن است که خمس و زکات دو منبع مالی در اسلام هستند که یکی برای سادات و دیگری برای غیرسادات مشخص شده‌اند. از سوی دیگر، وجود احکام در یک دین دلیل بر وجود آن حکم در ادیان دیگر نمی‌شود.

واژگان کلیدی: عدالت، ذوی القربی، زکات، خمس، خویشان پیامبر ﷺ.



## مقدمه

دستورهای مهم و اساسی در حیطه‌های مختلف زندگی در قرآن کریم آمده است. دستورهای فقهی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، حقوقی و امنیتی که همه برای رونق گرفتن زندگی در جامعه‌ی اسلامی و آباد کردن آن و همچنین رسیدن به رستگاری در آخرت است. یکی از بخش‌های مهم این دستورها در حوزه اقتصادی و فقهی است. چرا که اقتصاد، یکی از عوامل اقتدار هر جامعه‌ای است و در کنار آن باید به دستورهای دینی مربوط به آن هم عمل کرد.

پرداخت خمس یکی از این واجبات مهم و اساسی و از فروع دین است که به نص صریح قرآن و بنا به سنت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و اجماع، به صورت اجمالی مورد تأکید همه‌ی مسلمانان می‌باشد. البته اختلافاتی در آن وجود دارد که لطمه‌ای به اصل و اهمیت و ضرورت این فریضه و نیز به برکات دنیوی و اخروی آن نمی‌زند. از جمله‌ی دلایل بااهمیتی که برای خمس شمرده شده است می‌توان به پشتوانه‌ی مالی بودن آن برای حکومت اسلامی و ترویج دین و کمک به رفع نیازهای نیازمندان اشاره کرد. همه‌ی این موارد بدان دلیل است که خمس یکی از واجباتی است که مربوط به منصب امامت و ولایت می‌باشد. البته نمی‌توان از اهمیت و فواید فردی آن مثل تزکیه‌ی مال و نیز مشمول دعای خیر اهل بیت شدن که در روایات آمده است، غافل شد.

اما مسئله‌ی خمس مانند دیگر دستورهای اسلام، از گزند شبهه‌افکنی دشمنان اسلام و



تشیع در امان نمانده است. یکی از این شبهات، اختصاص پیدا کردن خمس به خویشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ در صورتی که بر خویشان دیگر پیامبران، زکات تعلق می‌گرفته است. استدلال شبهه‌گران در این مسأله، تمسک به آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی فصلت و آیه‌ی ۹ سوره‌ی احقاف است.

در این مقاله سعی شده با بررسی آراء مفسران در ذیل این آیات، به پاسخ این شبهه پرداخته شود. چون اولاً نخستین گام برای ایجاد جامعه‌ای پیشرو، ممتاز و بافضیلت، افزایش آگاهی افراد آن جامعه است و آگاهی‌بخشی و روشننگری تأثیر به‌سزایی در اقناع مکلفان برای انجام واجبات الهی خواهد داشت و شبهه، این آگاهی‌ها را متزلزل می‌کند و اگر شبهات در ذهن افراد جامعه قرار گیرند و حل نشوند، خواسته یا ناخواسته باعث بروز خطرات بزرگ برای معتقدات فرد و جامعه می‌شود. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به بروز فتنه‌های اجتماعی و انحطاط اخلاقی و دلسرد شدن خدمت‌گزاران جامعه و ایجاد بدبینی در جامعه و تضعیف اعتقادات اشاره کرد.

برخی شبهات مربوط به خمس و پاسخ به آنان در قالب کتاب‌هایی چون «پاسخ به شبهاتی پیرامون خمس» تألیف «حسن فقیه امامی» و «خمس دستور مهم اسلام» تألیف «مسعود مکارم» و ... بیان شده اما در این دست کتاب‌ها، شبهات کلی مطرح شده است. در مقالاتی مثل «تبیین تاریخی ممنوعیت صدقات بر بنی‌هاشم در عصر نزول» از «وحید باصری» با اینکه به صورت موردی به بحث پرداخته شده و دلایلی چون فضیلت بنی‌هاشم و بی‌نیازی آن‌ها از صدقات و ناپاکی اموال، با تحلیل روایی و تاریخی رد شده و ناخوشایندی و کراهت نسبت به پرداخت صدقات و زکات را به عنوان صدور ممنوعیت بر می‌شمارد اما به نظر می‌رسد دلیل جامعی نباشد. چون در این صورت، این اموال باید بر دیگران هم ممنوع می‌شد. ولی به‌طورکلی، از نگاه مورد بحث در این مقاله (شباهت احکام با وجود شباهت انبیاء) به بحث پرداخته نشده است. لذا در مقاله‌ی حاضر سعی شده با پاسخ‌گویی به این شبهه، گامی هر چند کوچک در راه آگاهی‌بخشی برای تبیین فرهنگ خمس برداریم.



۱. خمس

اصل خمس در اعداد به کار می‌رود،<sup>۱</sup> و بروزن «عنق» به معنای پنج يك و يك پنج است،<sup>۲</sup> این واژه یک واژه‌ی فقهی است و در اصطلاح فقه به معنای یک جزء از شی است وقتی که به پنج جزء مساوی تقسیم شود،<sup>۳</sup> و عبارت از یک حق مالی است که خداوند بر بندگانش به نفع پیامبر خود و بنی هاشم وضع کرده است.<sup>۴</sup> حق در غنایم است که برای بنی هاشم بالاصاله به جای زکات ثابت است.<sup>۵</sup> قرآن کریم هم در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال از خمس بحث کرده و می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّنَجَّىٰ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای رسول خدا ﷺ و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌ی خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه با ایمان و بی‌ایمان [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید. و خداوند بر هر چیزی تواناست.»

۲. زکات

زکات از ماده‌ی «زکی» است که بر رشد و زیادت و طهارت دلالت می‌کند<sup>۶</sup> که این رشد، حاصل از برکت الهی دنیوی یا اخروی است.<sup>۷</sup> دارای اصل واحد به معنای دور کردن

۱. لسان العرب، فیومی، ج ۶، ص ۶۶.

۲. قاموس قرآن، قریشی، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳. معجم المصطلحات والالفاظ الفقهیه، عبدالمنعم، ج ۲، ص ۵۷.

۴. جواهرالکلام، نجفی، ج ۱۶، ص ۲.

۵. الدروس الشرعیه، عاملی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۶. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، ج ۳، ص ۱۷.

۷. مفردات ألفاظ القرآن، راغب، ص ۳۸۰.



چیز ناحق و خارج کردن آن از میان چیز سالم است. مانند از بین بردن صفات رذیله از قلب، دور کردن اعمال زشت از برنامه زندگی انسان، خارج کردن حق الناس از مال و دور کردن آنچه که ملحق به باطل و فساد است. مفاهیم نماء، زیاده، صلاح، طهارت، برکت و لیاقت، از لوازم و آثار این اصل هستند و از حقیقت معنای آن نیستند.<sup>۱</sup> و در اصطلاح فقه به معنای یک دهم از مال مخصوص که برای طایفه‌ی مخصوصی است،<sup>۲</sup> اطلاق می‌شود.

### ۳. شبهه

«شبهه» از ریشه‌ی «شبه» به معنای همانند<sup>۳</sup> و پوشیدگی کار و مانند آن؛ امری است که در آن حکم به صواب و خطا نکنند.<sup>۴</sup> چیزی که با دیگری میانشان همسانی و شباهت از جهت جسم یا کیفیت و معنی باشد به طوری که تمیز داده نشود.<sup>۵</sup> در اصطلاح به هر سؤالی که به سبب شبیه بودن ظاهرش به حق، منشأ اشتباه حق از باطل گردد.<sup>۶</sup> حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرموده‌اند: «انما سمیت الشبهه شبهه لانها شبهت بالحق؛ از آن رو شبهه را شبهه نامیده‌اند که به حق شبیه و همانند است.»<sup>۷</sup>

### تبیین شبهه

با توجه به هجمه‌ی دشمن علیه اسلام که با ایجاد شبهه، باورهای مردم را نشانه گرفته و اعتقادات را ضعیف می‌کنند، باید در این کارزار که به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام: «رَدَّ الْحَجْرِمْنَ

۱. التحقیق فی کلمات القرآن، عسکری، ج ۴، ص ۳۳۶.

۲. معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، عبدالمنعم، ج ۲، ص ۲۰۵.

۳. لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۳، ص ۵۰۳.

۴. لغت‌نامه، دهخدا.

۵. مفردات الفاظ قرآن، راغب، ص ۴۴۳.

۶. منطق شناخت شبهه، حکیمیان، ص ۳۱.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۳۸.



حَيْثُ جَاءَكَ؛ سنگ را به همان سمتی که از آن جا پرتاب شده است، برگردان»،<sup>۱</sup> درصدد استحکام بخشیدن به باورهای مردم با رفع شبهات باشیم. لذا یکی از وظایف و مسؤولیت‌های مهم حوزه و حوزویان با توجه به نقش تعلیم و تزکیه جامعه، پاسخ‌گویی به شبهات است. همان‌طور که مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون همدان می‌فرمایند: «بر عهده‌ی ما طلبه‌هاست که این شبهه‌ها را با پیشگیری یا با درمان برطرف کنیم.»<sup>۲</sup> ایشان در ابتدای درس خارج خود، در مورد اینکه دشمنان با استفاده از ابزار جدید شبهات را به سرعت بین جوانان پخش می‌کنند، فرمودند: «چه کسی -بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟ چه کسی باید مانع بشود از اقدام دشمن برای انحراف ذهن جوانان؟ به عهده‌ی چه کسی - است این کار؟ جامعه‌ی علمی و مذهبی، یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش این است؛ مهم‌ترین وظیفه‌اش این است.»<sup>۳</sup> مسلماً با تبیین، ایجاد شفافیت و پاسخ‌گویی، آگاهی بخشی بیشتری اتفاق می‌افتد و در عمق بخشی به باورها و عمل همراه با نشاط مؤثرتر است. خمس هم با توجه به جایگاهی که در حکومت اسلامی دارد، مورد هجمه‌ی دشمن است و باید به شبهات پیرامونی آن، پاسخی علمی و مستند داده شود.

برای بالا رفتن توان پاسخ‌گویی در مواجهه با شبهه، اولاً باید سوال از حالت خام و گنگ خارج شود. برای این کار، ابتدا این شبهه را به سه قسمت ادعا، مستندات و استدلال تقسیم می‌کنیم<sup>۴</sup> تا زوایای شبهه و آنچه باید پاسخ داده شود، واضح و روشن گردد.

### بررسی ادعای شبهه‌گران

ادعای شبهه‌گران این است: خمس در ادیان دیگر نبوده و براهل و خویشاوندان دیگر

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۰۶.
۲. بیانات رهبری، ۱۵ تیر ۱۳۸۳.
۳. بیانات رهبری، ۱۶ تیر ۱۳۹۵.
۴. جریان‌شناسی شبهات دینی، هاشمی، ص ۳۰.



پیامبران الهی زکات تعلق می‌گرفته، پس چگونه در اسلام به یک باره به اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خویشان ایشان خمس تعلق گرفت.

### بررسی مستندات شبهه

معمولاً افراد برای القای شبهه‌ی خود به جامعه و باورپذیری آن توسط مردم، مستنداتی ارائه می‌دهند. آنان در این شبهه به آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی فصلت و آیه‌ی ۹ سوره‌ی احقاف استناد کرده تا نشان دهند برای ادعای خود دلیل محکمی از قرآن دارند.

### بررسی آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی فصلت

خداوند در این آیه می‌فرماید: «مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدَّ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَدُوعِقَابٍ أَلِيمٍ؛ به تونمی‌گویند مگر همان حرف‌هایی را که به انبیای قبل از تو می‌گفتند. پروردگارت همان‌طور که دارای مغفرت است، دارای عقابی دردناک نیز هست.» شاهد بحث شبهه‌گر در این آیه، عبارت ابتدای آیه است که می‌فرماید: «مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدَّ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ». در مورد این قسمت از آیه، اگر به دیدگاه مفسران مراجعه کنیم دو دیدگاه وجود دارد. اول، نسبت‌های ناروایی که به توداده می‌شود، همان تهمت‌ها و نسبت‌هایی است که به پیامبران پیش از تومی‌دادند و آن‌ها را ساحرو مجنون و ... می‌خواندند. دوم، آنچه به تو گفته شده و به سوی تو وحی شده است، همان سخنانی است که به پیامبران پیشین وحی شده بود.<sup>۱</sup>

قریب به اتفاق مفسران هم با توجه به سیاق آیات، قول اول را صحیح‌تر می‌دانند. لذا آیه در مقام نوعی دلداری به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و بیانگر این است که روش مخالفان در برخورد با پیامبران در طول تاریخ، همسان است.

۱. المیزان، طباطبائی، ج ۱۷، ص ۳۹۸؛ روح المعانی، آلوسی، ج ۱۲، ص ۳۷۹؛ کشف، زنجشیری، ج ۴، ص ۲۰۲.





## بررسی آیهی ۹ سورهی احقاف

خداوند در آیهی ۹ سورهی احقاف می فرماید: «قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ؛ بگو من از بین انبیاء، پیغمبری نوظهور و استثنای نیستم و خبر ندارم که با من و با شما چه معامله می کنند. تنها و تنها آنچه را به من وحی می شود پیروی می کنم و من جز اینکه به روشنی اندارتان کنم وظیفه ای ندارم.»

شاهد بحث شبهه‌گر در این آیه، عبارت «قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ» است. ذیل این آیه نیز از سوی مفسران اقوالی وجود دارد. دیدگاه اول: من اولین رسولی نیستم که به سوی شما گسیل شده باشم، و قبل از من هیچ رسولی به سوی شما گسیل نشده باشد. و دیدگاه دوم: افعال و اقوال من، افعال و اقوالی نوظهور نیست که قبل از من هیچ رسولی این سخنان را نگفته باشد و این کارهای مرا نکرده باشد. با توجه به سیاق، معنای دوم صحیح است. و در جملهی «وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ» می خواهد از خود علم غیب را نفی کند.<sup>۱</sup> پس اینکه فرمود: «وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ» همان طور که علم به غیب را از خود نفی می کند، قدرت و دخالت خود را نیز نسبت به حوادثی که در پس پردهی غیب بنا است پیش بیاید، از خود نفی می نماید. و اگر در این آیه، علم به غیب را از آن جناب نفی می کند، منافات با این ندارد که به وسیلهی وحی عالم به غیب باشد.<sup>۲</sup>

## جمع بندی استدلال شبه‌گر

احتمالاً شبهه‌گر در معنای آیهی ۴۳ سورهی فصلت، معنای دوم را مدنظر قرار داده و از آن نتیجه گرفته که تمام احکام و دستورات وارد شده بر پیامبران، یکی است و از این نتیجه گرفته که پیامبران، با هم فرقی ندارند. وقتی پیامبران با هم فرقی نداشته باشند، پس بین خانواده‌های آن‌ها هم فرقی وجود ندارد و در آیهی ۹ احقاف هم معنای اول را در نظر

۱. المیزان، طباطبایی، ج ۱۸، ص ۱۹۰؛ روح المعانی، آلوسی، ج ۱۳، ص ۱۶۶.

۲. المیزان، طباطبایی، ج ۱۸، ص ۱۹۱.



گرفته است که من پیغمبری نوظهور نیستم و از آن نتیجه گرفته که پیامبران، هر چه آورده‌اند مثل هم است؛ در نتیجه، احکام جدیدی هم نیاورده است و باید عیناً احکام ادیان، مثل هم باشد. توجه به استدلال شبهه‌گرو بررسی آیات، بیانگرفهم نادرست، مغرضانه یا ناقص شبهه‌گراست.

## پاسخ‌گویی به شبهه

### ۱. ظهور آیه

مهم‌ترین پاسخ و اصلی‌ترین استدلال بر این شبهه، این است که آیات در مطالبی که شبهه‌گران می‌گویند ظهور ندارد. مثلاً آیه‌ی ۹ سوره‌ی احقاف درصدد پاسخ به این شبهه است که بشر می‌تواند پیامبر باشد و سخن خدا را بیاورد و آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی فصلت، ظهور در عملکرد یکسان مخالفان و یکسان بودن وحی دارد و برطبق اصل بی‌اعتبار ظاهر در مقابل نص برای بیان شبهه و استدلال به قرآن، باید به این نکته دقت شود که چون در مورد خمس در قرآن آیه‌ی صریح داریم (آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال) که طبق نقل مفسران، دلیل بروجوب شرعی خمس است و علاوه بر آن، در این آیه خمس را به ایمان مسلمانان گره زده است، یک مسلمان متعهد به هیچ وجه نمی‌تواند در امر پرداخت خمس، مسامحه و اهمال کند. زیرا او می‌داند که پرداخت خمس با اصل ایمان به خدا ارتباط تنگاتنگی دارد. پس استدلال شبهه‌کننده چون به غیر نص است، در مقابل قرآن هیچ اعتباری ندارد. پس نمی‌توان استدلالات مطرح شده را پذیرفت.

از طرفی، بنا بر علم منطقی، چون صغرای استدلال و کبرای آن ارتباطی با هم ندارند لذا حد وسط ندارد و این استدلال منتج به نتیجه نیست.

### ۲. تفاوت مأموریت پیامبران با شخصیت ایشان

مأموریت و برنامه‌ی پیامبران با شخصیت ایشان متفاوت است و در شخصیت هریک هم، رتبه‌ها و درجات با هم متفاوت هستند.





اول، پیامبران از جهت رتبه با هم در یک سطح نبوده‌اند. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ»<sup>۱</sup> این تعبیر به روشنی می‌رساند که همه‌ی پیامبران الهی با اینکه از نظر نبوت و رسالت همانند بوده‌اند، اما از جهت مقام یکسان نبوده‌اند؛ زیرا هم دایره‌ی مأموریت آنان متفاوت بوده و هم میزان فداکاری‌های آنان با هم تفاوت داشته است.<sup>۲</sup> یا در سوره‌ی اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ؛ مَا بَعْضُ پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم»<sup>۳</sup> خداوند در این آیه، به یکی از ایرادات مشرکان پاسخ می‌دهد که با تعبیر تحقیرآمیزی می‌گفتند: آیا خداوند شخص دیگری را نداشت که محمد ﷺ یتیم را به نبوت انتخاب کرد؟! قرآن می‌فرماید: این، جای تعجب نیست. خداوند از ارزش وجودی هر کس آگاه است و پیامبران خود را از میان همین توده‌ی مردم برگزیده است. یکی را به عنوان خلیل اللّٰهی مفتخر ساخته، دیگری را کلیم الله و دیگری را روح الله قرار داد و پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان حبیب خود برگزید و خلاصه بعضی را بر بعضی فضیلت بخشید، بر طبق موازینی که خودش می‌داند و حکمتش اقتضا می‌کند.<sup>۴</sup> پس پیامبران با هم فرق دارند.

دوم، پیامبر اکرم ﷺ افضل بر همه‌ی انبیاء و رسولان است. پیامبر اسلام ﷺ با اینکه نسبت به پیامبران دیگر، تأخر زمانی دارند ولی تقدم رتبی دارند. چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا»<sup>۵</sup> این آیه معروف به میثاق انبیاء است که در آن، نخست تمام پیامبران را در مسأله‌ی میثاق مطرح می‌کند. سپس از پنج پیامبر اولوالعزم نام می‌برد که در آغاز آن‌ها شخص پیامبر اسلام ﷺ به خاطر شرافت و عظمتی که دارد آمده است، و بعد از

۱. بقره: ۲۵۳.

۲. تفسیر نمونه، مکارم، ج ۲، ص ۲۵۲.

۳. اسراء: ۵۵.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۶۱.

۵. احزاب: ۷.





ایشان چهار پیامبر اولوالعزم دیگر به ترتیب زمان ظهور ذکر شده‌اند.<sup>۱</sup> این تقدم رتبی و مقامی پیامبر بر پیامبران اولوالعزم می‌رساند که اگرچه ایشان از جهت زمانی، متأخر از دیگر پیامبران است و دعوت همه به يك سو بوده است و همگی يك حقیقت را تبلیغ می‌کرده‌اند و یک میثاق از همه گرفته شده، ولی رسول خدا ﷺ را بر آنان مقدم داشت، زیرا آن جناب برتری و شرافت و تقدم بر همه‌ی آنان دارد.<sup>۲</sup>

آیات دیگری مانند ۴۸ سوره‌ی مائده که کتاب پیامبر را مهیمن و نگه‌دار دیگر کتب آسمانی معرفی می‌کند و همچنین آیه‌ی ۸۹ سوره‌ی نحل که پیامبر اکرم ﷺ را شاهد بر امت‌ها می‌داند و آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی انبیاء ایشان را «رحمة للعالمین» خوانده و آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب ایشان را خاتم پیامبران معرفی می‌کند. آیاتی از این قبیل، حکایت از فضیلت رتبی و برتری پیامبر اکرم ﷺ بر پیامبران دیگر دارد. در احادیث نیز به این فضیلت اشاره شده که پیامبر اسلام ﷺ از تمام پیامبران و رسولان پیشین برتر است. مثلاً امام رضا علیه السلام به نقل از پدرانشان تا حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَفْضَلَ مِنِّي وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي؛ خداوند متعال موجودی را برتر و عزیزتر از من نیافریده است.» علی علیه السلام عرضه داشت: «شما برتر هستید یا جبرئیل؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا علی! حق تبارک و تعالی، انبیاء را بر فرشتگان مقربش برتر نمود و مرا بر تمام انبیاء تفضیل داد و برتری بعد از من برای تو و امامان بعد از تو است. فرشتگان خدمتکاران ما و دوستان ما هستند.»<sup>۳</sup>

### ۳. تفاوت مأموریت پیامبران با اهداف ایشان

مأموریت پیامبران و اهداف آنها یکی است و رئوس کلی در تمام برنامه‌های ایشان

۱. تفسیر نمونه، مکارم، ج ۱۷، ص ۲۱۱.

۲. المیزان، طباطبایی، ج ۱۶، ص ۲۸۷.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۴؛ علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۵.





وجود دارد. همان طور که خداوند فرمود: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱</sup> حقیقت و جوهری دین نزد خداوند، تسلیم شدن در برابر خداست. یعنی اختلافی در اصل دین و رئیس آن نیست. لذا خداوند در آیات زیادی از قرآن نمونه‌های این اصول و مبانی را مشخص می‌کند. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ ما در هرامتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید و از طاغوت اجتناب کنید.»<sup>۲</sup> و این مأموریت و محتوای عمده و مشترک همه‌ی پیامبران است. همان طور که به صورت مجزا هم به پیامبران ابلاغ شده است و پیامبران هم به مردم ابلاغ کرده‌اند. یا مثلاً از زبان حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ به بنی اسرائیل می‌فرماید: «قَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ؛ خداوند یگانه‌ای را که پروردگار من و شماست پرستش کنید.»<sup>۳</sup> یا از زبان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ.»<sup>۴</sup> شعار توحید نه تنها شعار نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ، بلکه نخستین شعار همه‌ی پیامبران الهی بوده است. لذا در آیات متعددی از همین سوره و سوره‌های دیگر قرآن، در آغاز دعوت بسیاری از پیامبران، شعار «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ؛ ای قوم، خداوند یگانه را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست»، مطرح می‌شود. از این رو، در آیات ۶۵ و ۷۳ و ۸۵ همین شعار در بیان دیگر پیامبران دیده می‌شود.

یا اصل اقامه‌ی قسط و عدالت از دیگر برنامه‌های پیامبران است و خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۵</sup> یا در جای دیگر قرآن، اقامه‌ی دین و عدم تفرقه به عنوان برنامه‌ی مشترک پیامبران اولوالعزم و صاحب شریعت ذکر شده و فرموده: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ

۱. آل عمران: ۱۹.

۲. نحل: ۳۶.

۳. مائده: ۷۲.

۴. اعراف: ۵۹.

۵. حدید: ۲۵.





مُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»<sup>۱</sup> و رؤوس کلی و مشترکات زیاد دیگر که کم هم نیستند. لذا تفاوت ادیان الهی، هرگز در اصل دیانت که همان اسلام است نمی باشد، بلکه تفاوت در مذاهب و شرایع است. زیرا اصل دین که همان توحید، وحی، رسالت، عصمت، امامت، عدالت، برزخ، قیامت و اموری از این قبیل است، همان خطوط کلی است که انسان بر اساس فطرت و سرشت الهی خویش مسیر و هدف و حرکت خود را بر آن استوار می سازد.<sup>۲</sup> اما روش، برنامه ها و طرح پیامبران با هم فرق می کند. مثلاً در مقامات معنوی و ارائه‌ی معجزات، متناسب با پدیده‌ها و حوادث زمانه‌ی خود آن‌ها می باشد. لذا خداوند در قرآن می فرماید: «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ؛ برای هرملت‌ی از شما انسان‌ها، شریعتی قرار دادیم و اگر خدا می خواست شما را امت واحدی قرار می داد، ولی چنین نکرد تا در آنچه به شما داده امتحان کند.»<sup>۳</sup>

شریعت، عبارت است از طریقه‌ای خاص، یعنی طریقه‌ای که برای هر امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین و آماده شده باشد. مانند شریعت نوح عليه السلام، شریعت ابراهیم عليه السلام، شریعت موسی عليه السلام، شریعت عیسی عليه السلام و شریعت محمد صلى الله عليه وآله. و اما دین عبارت است از سنت و طریقه‌ی الهیه، خاص به هر پیامبری و یا هر قومی که می خواهد باشد،<sup>۴</sup> پس شریعت‌ها متفاوت و دین یکسان است.

## جواب نقضی به شبهه

### ۱. اختلافات ادیان در جزئیات احکام

ادیان توحیدی همه از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند و دارای اصول مشترکی مثل توحید، نبوت، معاد و ... هستند. اما از اینکه اهداف همه‌ی پیامبران واحد است، می توان

۱. شوری: ۱۳.

۲. شریعت درآینه معرفت، جوادی آملی، ص ۱۱۸.

۳. مائده: ۴۸.

۴. المیزان، طباطبائی، ج ۵، ص ۳۵۰.



نتیجه گرفت که در فروع احکام دین نیز یکسان هستند؟ بر طبق آیات قرآن، اساساً تمام کتاب‌های الهی، اصول و هدف مشترك و هماهنگ دارند و به دنبال تربیت و تکامل انسان هستند و تفاوت‌های آن‌ها در مسائل فرعی، به خاطر قانون تکامل تدریجی ادیان است که هر آیین تازه، مرحله‌ی بالاتری را می‌پیماید و برنامه‌ی جامع‌تری دارد.<sup>۱</sup> لذا چیزهایی در امت‌های دیگر حلال بوده و در اسلام حرام شده و بالعکس. یا در دیگر ادیان هم بوده و در اسلام کامل شده است. همان‌طور که در مورد روزه در قرآن کریم آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای کسانی که ایمان دارید، روزه بر شما واجب شد، هم‌چنان که بر پیشینیان شما واجب بود.»<sup>۲</sup> در نتیجه، ادیان در جزئیات احکام، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؛ چنانچه قرآن می‌فرماید: «رَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَجْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ.»<sup>۳</sup> حضرت عیسی علیه السلام بخشی از اهداف رسالت خود را چنین شرح می‌دهد که: «آمده‌ام تا آنچه را پیش از من از تورات بوده، تأیید کننده باشم و بعضی از آنچه که بر شما حرام شده، برایتان حلال کنم.»

طبق دیگر آیات قرآن از جمله آیه‌ی ۱۶۰ سوره‌ی نساء و ۱۴۶ سوره‌ی انعام، به سبب لجاجت و طغیان یهودیان، پاره‌ای از نعمت‌ها موقتاً بر آنان حرام و ممنوع شده بود (مثل ممنوع بودن خوردن گوشت شتر و برخی از پرندگان)، اما در عصر رسالت عیسی علیه السلام و به شکرانه‌ی ظهور این پیامبر بزرگ، آن ممنوعیت‌ها برداشته شد.<sup>۴</sup> یا در سوره‌ی انعام، پس از نهی مشرکان از بدعت و خرافات در حرام کردن حلال‌ها بر خود و شمردن غذاهای حرام در اسلام، درباره‌ی یهودیان می‌فرماید: «وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ مِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُرُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ»<sup>۵</sup> هر چند این احکام،

۱. تفسیر قرآن مهر، ج ۵، ص ۱۳۷.

۲. بقره: ۱۸۳.

۳. آل عمران: ۵۰.

۴. تفسیر قرآن مهر، ج ۳، ص ۱۱۳.

۵. انعام: ۱۴۶.



جنبه‌ی کیفی برای یهود دارد اما نشانه‌ی اختلاف احکام یهودیان با دین مسیحیت و اسلام است.

## ۲. اختلاف در پرداخت خمس و زکات بین ادیان

در بین تمامی ادیان و ملل، واجبات مالی وجود داشته و دارد. اما اینکه در چه قالب‌هایی بوده و تمام موارد آن چه بوده، مشخص نیست. به عنوان نمونه، در مورد زکات در قرآن نسبت به دیگر پیامبران آمده است: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ وَ خَدَاوَنَد مَرَاتَا زَنَدَهَام بَه نَمَاز وَ زَكَات سَفَارَش كَرَدَه اَسْت.»<sup>۱</sup> و در بیان یکی از صفات حضرت اسماعیل عليه السلام این طور بیان می‌کند: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا؛ اَوْ هَمَوَارَه خَانَوَادَه‌ی خُود رَا بَه نَمَاز وَ زَكَات اَمْر م‌ی كَرَد.»<sup>۲</sup> یا به همه‌ی انبیاء، اشاره‌ی کلی به انجام خیرات و اقامه‌ی نماز و زکات دارد: «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءَ الزَّكَاةِ؛ اَنجَام كَارَه‌ای نِیك وَ نَمَاز وَ زَكَات دَاَدَن رَا بَه اَنان وَح‌ی كَرَدِیْم.»<sup>۳</sup> البته حکم به پرداخت یک‌دهم یا قانون عشریه را در کتاب عهد عتیق و جدید هم می‌توان یافت. در تورات آمده است: «از تمامی محصولاتتان هر ساله باید یک‌دهم را کنار بگذارید.»<sup>۴</sup> یا «خداوند به موسی عليه السلام فرمود به لاوی‌ها بگوید یک‌دهم عشریه‌هایی را که از بنی اسرائیل دریافت می‌کنند، به صورت هدیه مخصوص به خداوند تقدیم کنند.»<sup>۵</sup>

اما در دین اسلام هم سال دوم هجرت حکم زکات تشریح شد و در سال نهم هجرت در مدینه، دستور جمع‌آوری و تمرکز آن از سوی خداوند، در آیه‌ی ۱۰۳ سوره‌ی توبه صادر گردید و در آیات بسیاری، این حکم و دستور، تبیین و تشریح می‌شود و می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا

۱. مریم: ۳۱.

۲. مریم: ۵۵.

۳. انبیاء: ۷۳.

۴. تورات، سفر تثئیه، ص ۱۷.

۵. همان، سفر اعداد، ص ۲۱.







الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ؛ و نماز را به پا دارید و زکات را ادا کنید و همراه رکوع کنندگان رکوع نمایید.»<sup>۱</sup> یا می فرماید: «لَيْتِنِ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید.»<sup>۲</sup> این آیات نشان می دهد که پرداخت زکات بین تمام ادیان ابراهیمی وجود داشته است ولی هیچ یک، حکایت از نوع پرداخت و مصرف آن ندارد که براساس آن فهمیده شود که به خویشاوندان دیگر پیامبران، زکات تعلق می گرفته یا پرداخت نمی شده است.

با توجه به عبارات کتاب تورات، احکام زکات یهود با احکام زکات در اسلام فرق دارد. لذا نمی توان گفت که زکات برخویشان دیگر پیامبران حلال بوده و چرا بر خویشان پیامبر ﷺ حلال نیست! به نوعی، دستاویز قرار دادن شباهت پیامبران و دین در اختلاف احکام، نوعی قیاس مع الفارق است. ولی بنا بر روایات به طور قطع می توان گفت از اختصاصات پیامبر اکرم ﷺ حرمت زکات برایشان و خویشاوندانشان می باشد.

خمس نیز از مالیات هایی است که مربوط به حکومت است. یعنی مخارج دستگاه حکومت و گردانندگان این دستگاه از آن تأمین می شود. در تورات آمده که حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام مقرر کرد که در هفت سال فراوانی، یک پنجم محصولات را در شهرها و در انبارهای سلطنتی ذخیره کنند تا در هفت سال قحطی بعد از آن با کمبود خوراک مواجه نشوند.<sup>۳</sup> در اسلام هم که در قرآن صریحاً موارد مصرف آن مشخص شده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» در تورات مصرف برای عموم است و در قرآن محدود شده است. پس حکم خمس هم با دیگر ادیان فرق می کند.

۱. بقره: ۴۳.

۲. مائده: ۱۲.

۳. تورات، سفر پیدایش، ص ۴۲.

۴. انفال: ۴۱.





### ۳. چرایی حرمت زکات و حلیت خمس بر خویشاوندان پیامبر ﷺ

زکات جزء اموال عمومی جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شود، لذا مصارف آن هم عمومی است. ولی خمس از مالیات‌هایی است که مربوط به حکومت اسلامی است. یعنی مخارج دستگاه حکومت اسلامی و گردانندگان این دستگاه از آن تأمین می‌شود. اما چرا زکات بر خویشاوندان پیامبر ﷺ حرام و خمس حلال است؟

اول، محروم بودن سادات از دستیابی به زکات در حقیقت برای دورنگه داشتن خویشاوندان پیامبر ﷺ از این قسمت است تا بهانه‌ای به دست مخالفان نیفتد که پیامبر ﷺ خویشان خود را بر اموال عمومی مسلط ساخته است. اما از سوی دیگر نیازمندان سادات نیز باید از طریق تأمین شوند. در حقیقت، خمس نه تنها یک امتیاز برای سادات نیست، بلکه یک نوع کنارزدن آن‌ها، به خاطر مصلحت عموم و به خاطر اینکه هیچ‌گونه سوءظنی تولید نشود، می‌باشد.<sup>۱</sup> آیا می‌توان باور کرد که اسلام برای از کار افتاده‌ها و ایتام و محرومان غیر بنی‌هاشم فکری کرده باشد و از راه زکات مخارج سال آن‌ها را تأمین کرده باشد، ولی نیازمندان بنی‌هاشم را بدون هیچ‌گونه تأمینی رها سازد؟ پس قانون خمس، هیچ‌گونه امتیاز طبقاتی برای سادات ایجاد نمی‌کند و از نظر جنبه‌های مادی، هیچ‌گونه تفاوتی با زکات که برای سایر فقراست ندارد.

به عبارت دیگر، در حقیقت دو صندوق وجود دارد: صندوق خمس و صندوق زکات که هر کدام از نیازمندان، تنها حق دارند از یکی از این دو صندوق استفاده کنند، آن هم به اندازه‌ی مساوی؛ یعنی به اندازه‌ی نیازمندی یک سال.<sup>۲</sup> فقرای غیر سادات از صندوق زکات و فقرای سادات از صندوق خمس بهره‌مند می‌شوند. ضمن اینکه باید توجه داشت که:

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۱۸۳.



۱. نیمی از خمس که مربوط به سادات و بنی هاشم است منحصرأً باید به نیازمندان آنان داده شود، آن هم به اندازه‌ی احتیاجات يك سال، و نه بیشتر.
  ۲. مستمندان و نیازمندان سادات و بنی هاشم حق ندارند چیزی از زکات مصرف کنند و به جای آن می‌توانند تنها از همین قسمت خمس استفاده نمایند.
  ۳. اگر سه‌م سادات، که نیمی از خمس است، از نیازمندی سادات موجود بیشتر باشد، باید آن را به بیت‌المال ریخت و در مصارف دیگر مصرف نمود.<sup>۱</sup>
- دوم، روایات فراوانی بر حرمت زکات بر اهل بیت علیهم‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام وجود دارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «لَا تَحِلُّ لَنَا زَكَاةٌ مَفْرُوضَةٌ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ عَلَيْنَا صَدَقَاتِ النَّاسِ أَنْ نَأْكُلَهَا؛ زکات بر ما حلال نیست... خداوند بلندمرتبه و شکوهمند، خوردن صدقات مردم را بر ما حرام گردانیده است.»<sup>۲</sup> یا در روایتی،<sup>۳</sup> امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «عده‌ای از بنی هاشم از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طلب کردند که آن‌ها را مأمور جمع‌آوری زکات قرار دهند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: یا بنی عبدالمطلب! ان الصدقة لا تحل لی ولکم...؛ زکات و صدقه برای من و شما حلال نیست.»<sup>۴</sup> و طبق فرموده‌ی خداوند در قرآن، سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سخن خداست «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»<sup>۵</sup> این سخن تنها در مورد آیات قرآن نیست، بلکه به قرینه‌ی آیات، سخنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را نیز شامل می‌شود که آن هم بر طبق وحی الهی است. چرا که این آیه با صراحت می‌گوید: او از روی هوی سخن نمی‌گوید و هر چه می‌گوید وحی است.<sup>۶</sup>

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۸۳.

۲. دعائم الاسلام، ابن حیون، ج ۱، ص ۲۵۹.

۳. حدیث دیگر از امام صادق علیه‌السلام: قال: سألته عن الصدقة التي حرمت عليهم؟ فقال: هي الزكاة المفروضة، ولم يحرم علينا صدقة بعضنا على بعض (نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۳۶).

۴. نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۳۵.

۵. نجم: ۳-۴.

۶. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۴۸۱.



## نتیجه‌گیری

با توجه و بررسی در آیات ۴۳ سوره‌ی فصلت و آیه‌ی ۹ سوره‌ی احقاف، دیده می‌شود آیات درصدد بیان ردّ نظر مشرکان در بشر بودن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و بیانگر شباهت یا اختلاف بین پیامبران نیست. لذا با توجه به دیگر آیات قرآن مبنی بر فضیلت بعضی پیامبران بر بعض دیگر و تفاوت در برنامه‌ها و احکام ایشان و ... نمی‌توان از شباهت پیامبران با هم، به شباهت احکام رسید، تا ایجاد اشکال و شبهه شود که در مورد حکم خاص زکات و خمس باید بین دیگر پیامبران و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شباهت وجود داشته باشد و خویشاوندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم باید از زکات استفاده کنند و خمس را استفاده نکنند.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، چاپ: اول، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ق.
۴. ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۱۴ق.
۶. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۱۶ جلد، دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، لبنان، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۵ ق.
۷. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، محقق: حمید پارسانیا، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ش.
۸. حکیمیان، مسعود، منطق شناخت شبهه، دارالعلم، ۱۳۹۹ ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، چاپ: اول، پائیز ۱۳۷۲ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ق.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، ۲۴ جلد، پژوهش های تفسیری و علوم قرآن، قم، چاپ: اول، ۱۳۸۷ش.
۱۲. زنجشیری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ: سوم، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ: دوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۴. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۱۵. عبدالرحمان، المحمود، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیة، ۳ جلد، بی جا، بی تا.
۱۶. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۵ ق.



۱۷. قرشی بناپی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ: دهم، ۱۳۷۱ ش.
۱۹. هاشمی جزی، حسن، جریان شناسی شبهات دینی، دارالعلم، ۱۴۰۰ ش.





سال چهارم / شماره نهم  
تابستان ۱۴۰۱

*Khums  
Pazhouhi*

Journal Specialized Scientific  
Fourth Year / Number Nine  
Summer 2022

## بررسی شبهه‌ی تخصیص خمس به طلاب علوم دینی

زهرا سرمیلی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از فروع دین اسلام، خمس است. خمس، نوعی تکلیف الهی است که اگر به آن پرداخته شود، نه تنها نیازهای فردی، بلکه نیازهای اجتماعی جامعه را نیز مرتفع می‌سازد و اگر این واجب به صورت راهبردی اجرا شود بسیاری از مشکلات جامعه برطرف خواهد شد. اما از جمله شبهاتی که امروزه مردم با آن مواجه بوده و جواب آن را نمی‌دانند، این است که چرا طلاب باید از خمس برای مخارج تحصیل و زندگی خود استفاده کنند؟ در این نوشتار در چهار بخش در پاسخ به این موضوع پرداخته شده است.

از جمله مواردی که جامعه‌ی روحانیت، مستحق گرفتن خمس هستند، عدم وابستگی به اجانب از نظر علمی و فکری است؛ زیرا طلاب، سرمایه‌های اصلی در زمینه‌ی تبیین مسائل اعتقادی مردم هستند. تبلیغ دین و دفاع از آن، وظیفه‌ی طلاب و روحانیت شیعه است که آنان همواره در طول تاریخ تشیع، تلاش و مجاهدت چشمگیر داشته‌اند. ارتباط مردم به خصوص جوانان با طلاب و مبلغان، موجب برطرف شدن سؤالات ذهنی آنان در

۱. دانش‌آموخته‌ی جامعه الزهراء (ع.ا.ه.); ۷۷sormeili@gmail.com





زمینه‌های فقهی، فکری و اعتقادی بوده و نیز سبب افزایش انگیزه‌ی آنان برای گرایش به دین می‌شود. در این میان، خمس از جمله منابع مالی مهمی است که برای گسترش ارزش‌های دینی از سوی شارع مقدس در نظر گرفته شده است و بایستی در این زمینه به مصرف برسد که در این مقاله، به نقد و بررسی دلایل تخصیص خمس به طلاب علوم دینی به مثابه یکی از مصارف خمس و پاسخ به این شبهه اجتماعی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: خمس، طلاب، تبلیغ، تحصیل، اقتصاد.





## مقدمه

خمس، جز ضروریات و واجبات دین اسلام است. ضروریات دین به آن دسته از احکام دینی می‌گویند که برای مسلمانان، واضح و بدیهی است. خمس در عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به فقیه جامع الشرایط داده می‌شود.<sup>۱</sup> یکی از ابزارهای تحقق عدالت و رفاه اجتماعی، خمس است که از بُعد اقتصادی می‌تواند جامعه‌ی اسلامی را از چالش‌ها و مخاطرات اقتصادی نجات دهد. در حقیقت، خمس از گذشته تا کنون وسیله‌ای برای پیشرفت مسلمانان بوده که گاه بین علمای شیعه و سنی در مورد مصارف خمس اختلافاتی وجود داشته است.

سؤال اصلی این مقاله این است که چرا طلاب علوم اسلامی از خمس برای مخارج تحصیل و زندگی خود استفاده می‌کنند اما چنین سهمی برای دانشجویان در نظر گرفته نمی‌شود؟

علت تخصیص خمس به حوزه‌های علمیه از جمله مقولاتی است که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند. «برزنجی» در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی آیه‌ی خمس به مسائل و ملاحظات فقهی آن» به بررسی ابعادی از این مسئله پرداخته است. وی همچنین به بررسی غنیمت در مسأله‌ی خمس روی آورده و آن را با مواردی مانند فیء، انفال و زکات مقایسه می‌کند و

۱. عروة الوثقی، طباطبایی یزدی، ج ۲، ص ۷۹.



اموال متعلق خمس، نصاب و مصارف خمس را از نظر مذاهب مختلف فقهی مورد بحث قرار می‌دهد. یا مقاله‌ی «تعلق خمس به حاکم اسلامی» اثر «مهدی کیخا» و «محسن رزمی» به مبانی مصارف خمس توسط حاکم اسلامی پرداخته است و دو نظریه را مورد بررسی قرار داده است.

«خمس» در لغت به معنی يك پنجم است و در اصطلاح یکی از واجبات مهم مالی در دین اسلام به شمار می‌رود که عبارت است از مالی که هر فرد واجد شرایط به نسبت يك پنجم از مازاد نیاز یک ساله‌ی خود را طبق ضوابط خاصی می‌پردازد.<sup>۱</sup> خمس، حکمی اصیل در عرض جهاد است که از نظر فقه شیعه باید شش قسمت شود. سه قسمت آن سهم امام نامیده می‌شود و سه قسمت دیگر به سادات تعلق می‌گیرد.<sup>۲</sup>

امام خمینی رحمته الله علیه در تبیین ادله‌ی حکومت اسلامی و ولایت فقیه در کتاب «البیع» تصریح کرده‌اند که خمس برای تأمین بودجه‌ی دولت اسلامی تشریح شده و این واجب تنها برای رفع نیاز سادات نیست. از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، خمس برای رفع تمامی مشکلاتی است که رهبر حکومت اسلامی با آن روبه‌روست و از جمله‌ی آن رفع نیاز سادات است.<sup>۳</sup> همچنین مصرف اصلی سهم امام برای حفظ اساس اسلام، تربیت متکلمین و مبلغین، نشر احکام اسلامی و در یک کلام «حفظ موجودیت مکتب تشیع» می‌باشد.<sup>۴</sup>

در این بین، مقداری از وجوهات مردمی برای تحصیل طلاب مصرف می‌شود که بخشی از این وجوهات، صرف پرداخت کمک هزینه‌ی تحصیلی به طلاب در قالب شهریه می‌شود که البته صرفاً بخشی از مصارف خمس است و همه‌ی آن صرف مخارج حوزه علمیه

۱. خامنه‌ای، علی، رساله‌ی آموزشی مطابق با فتاوی‌ای مرجع عالی قدر حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. آشنایی با قرآن، مطهری، ج ۳، ص ۶۶.

۳. بررسی فقهی مصرف خمس، هادویان، ص ۱۱۰.

۴. مباحثی پیرامون خمس، ضیاء آبادی، ص ۹۵.





نی‌شود، بلکه از آن برای ساخت بیمارستان، مدرسه، دانشگاه، مساجد و ... نیز استفاده می‌شود.

خمس آثار متعددی دارد که در موارد زیر قابل تبیین است:

## ۱. حفظ استقلال و عدم وابستگی علمی و اعتقادی به اجانب

از دیدگاه شهید مطهری رحمته‌الله علیه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌ی اسلامی، حفظ استقلال و عزت آن جامعه است.<sup>۱</sup> برای تحقق این اصل باید توجه داشت شعار استقلال، یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلاب بوده، در صورت نبودن آن، يك ملت نمی‌تواند به آزادی خود خوش بین باشد. استقلال، یعنی يك ملت بتواند بر سرنوشت خود مسلط باشد؛ در مقابل بیگانگان دست دراز نکند تا سرنوشت او را خائنانه و مغرضانه رقم نزنند. این معنای استقلال است.

در مقابل کلمه‌ی استقلال، «وابستگی» مطرح می‌شود. اگر استقلال از ملتی گرفته شد و بیگانگان بر سرنوشت او مسلط شدند، عزت نفس خود، افتخارات، احساس هویت و منافع خود را از دست می‌دهد. خداوند در سوره‌ی نساء می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا...»؛ خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده و نمی‌پسندد کفار بر مؤمنان تسلط داشته باشند.<sup>۲</sup> اسلام نمی‌پسندد جامعه‌ی اسلامی استقلال اقتصادی یا اجتماعی نداشته و به سوی ملت‌های غیرمسلمان برود. این یک اصل اساسی<sup>۳</sup> بلکه یک تکلیف و امر مؤکد بر مسلمانان و حکومت اسلامی است. ما در این زمینه نمونه‌های فراوانی در قرن نوزدهم، و به دنبال آن در قرن بیستم داریم.<sup>۴</sup>

۱. ده گفتار، مطهری، ص ۱۴۶.

۲. آیه ۱۴۱.

۳. ده گفتار، مطهری، ص ۱۴۶.

۴. معارف انقلاب، خامنه‌ای، ص ۳۴۷.





کشوری که خواستار استقلال است باید تمام تلاش خود را برای عدم وابستگی به بیگانگان انجام دهد. خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حرکت در این عرصه رنگ و بوی دیگری گرفته است. یکی از حیاتی‌ترین راهبردها برای عدم وابستگی علمی و اعتقادی به بیگانگان تربیت نیروی انسانی نخبه است.

«نخبگان» اسم جمعی، برای نامیدن کسانی است که به دلیل کیفیات بالفعل خویش از جهت تشخیص و تمایز موقعیت برتر، در یک گروه قرار دارند. اصطلاح «نخبه» در فرهنگ اندیشه‌ی سیاسی برای هرگونه دفاع از نهادها و روابط اجتماعی به کار می‌رود و در حقیقت نخبگان، اقلیت بانفوذی هستند که در کنش‌های تاریخی جامعه نقش مؤثری دارند.<sup>۱</sup>

تجربه‌های تاریخی نشان داده است نخبگان با توجه به اندیشه‌ها و جایگاه علمی خود، در سقوط و فروپاشی یا ترقی و تعالی هر مملکتی نقش ویژه‌ای داشته‌اند. اندیشه و تفکر آن‌ها در اجرای برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و چگونگی تحقق خواسته‌های مردم، تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است.<sup>۲</sup> نخبگان در کلام مقام معظم رهبری، جایگاه ارزشمندی دارند. ایشان معتقدند نخبگان سرمایه‌ی کشور هستند که متأسفانه هنوز چهره‌ی نخبه و نخبه‌پرور برای کشور ما آشکار نشده است.<sup>۳</sup> بنابراین اهمیت نخبه و نخبه‌پروری به وضوح در بیانات رهبری به منظور پیشرفت و عدم وابستگی علمی مطرح شده که می‌تواند عامل مؤثری در استحکام قدرت ملی نظام باشد.<sup>۴</sup>

حال همین نخبگان هستند که با توان علمی و با کمک قواعد الهی، کشور خود را ساخته و از هرگونه وابستگی به غیر جلوگیری می‌کنند. نمونه‌ای از این قواعد و دستورات

۱. مجله درآمدی بر نخبه‌گرایی، صالحی، صص ۱۷-۳۳.

۲. نخبگان سیاسی، کارکرد فرهنگی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، حسین‌زاده، ص ۹.

۳. بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان، ۱۳۸۵/۰۸/۱۹.

۴. نقش نخبه‌پروری در استحکام ساخت درونی قدرت ملی نظام ج.ا.ایران، علیدادی- ساری- مرادیان، ص ۹.



قرآنی را در آیه‌ی ۱۴۱ سوره‌ی نساء تحت عنوان «نفی سلطه و برتری کافران بر مسلمانان» می‌خوانیم. این مهم یک قانون الهی و حقیقی است.

به بخشی از آیه‌ی «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا...»<sup>۱</sup> آیه‌ی «نفی سبیل» گفته می‌شود.<sup>۲</sup> یکی از عناوین مهم فقهی مورد اتفاق فقهای سنی و شیعه، نفی سبیل کفار بر مسلمین است. نفی سبیل، یک قاعده‌ی استراتژیک و حیاتی است که تحقق آن از نظر علمی، سدّ محکمی در مقابل سیل هجومی کفار است. بر اساس مبانی فقهی، نفی سبیل کفار بر مسلمین برآحاد جامعه‌ی اسلامی واجب است.<sup>۳</sup>

یکی از دلایل پرداخت خمس به طلاب نیز برای تحقق این امر مهم می‌باشد. به بیان دیگر، طلاب برای دفاع از اعتقادات تربیت شده تا جامعه‌ی اسلامی وابسته به غیر نباشد. مسأله‌ی دفاع از اعتقادات، مهم‌ترین عامل برای دفاع دینی و پاسداشت حریم جامعه‌ی اسلامی است. به تعبیر دقیق‌تر، تسلط کامل بر مرزهای اعتقادی و کوتاه کردن دست اجانب از حوزه‌ی دین، بازدارنده‌ترین عامل در جلوگیری از تسلط بیگانگان و نفی سبیل می‌باشد. بدیهی است برای تربیت نیروی انسانی، باید وقت و هزینه‌ی معینی در نظر گرفته شود.

شاید اگر کشوری کمبود معلم، مهندس و پزشک داشته باشد، بتواند آن را از کشورهای بیگانه تأمین و استخدام نماید اما دانش‌آموخته‌ی علوم دینی را نمی‌توان از کشورهای دیگر وارد کرد؛ چرا که عمق دین اسلام را دریافت نکرده‌اند. پاسداری از کتاب و سنت و شریعت به عنوان وظیفه‌ی اصلی طلاب علوم دینی است و از آیه‌ی شریفه، لزوم اجتهاد و توانمندی کامل برای پاسداری از شریعت استفاده می‌شود که بایستی به مراکز حوزوی و تعلیمی اسلامی رفته، شریعت را فرا گرفته و آن را به مردم تعلیم دهند<sup>۴</sup> و اجازه

۱. نساء: ۱۴۱.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ج ۱، ص ۴۰۷.

۳. آیه نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی، مالیر، ص ۹.

۴. حقیقت فراموش‌شده‌ی تفقه تاملی دیگر در آیه نفر، سعیدیان، صص ۴۹-۵۹.



ندهند مرزهای اعتقادی مورد هجوم و در نهایت تسلط بیگانه قرار گیرد. بنابراین خمس به طور مستقیم، سهم مهمی را در شکوفایی فکری و اعتقادی جامعه ایفا می کند.

## ۲. تبلیغ دین

امام خمینی رحمته الله علیه عقیده داشتند اسلام منهای روحانیت، اسلام منهای اسلام است. اگر روحانیت نباشد دین اسلام مفقود خواهد شد. همان طور که هر علمی بدون کارشناس، اثر و بنیانش به کلی از بین می رود، دین اسلام هم بدون وجود کارشناسان دینی و اندیشمندان و فقیهان و مجتهدان، وجودی خارجی و کاربردی نمی یابد. چون در این صورت، فرد یا ارگانی وجود ندارد تا دین را ترویج داده و از آن در برابر شبهات روز دفاع کند و به مرور، مذهب به مکتبی نیمه زنده تبدیل می شود که در نهایت، این هدف دشمن تأمین می گردد. چه بسا ممکن است این طیف از دشمنی در ظاهر به چشم نیاید ولی در باطن، منافع دشمنان اسلام و مذهب از طریق القای شبهات، تأثیر زیان بار و خسارات جبران ناپذیر خود را در بین مردم برجای گذاشته و لطمات اساسی بر پیکره ی جامعه اسلامی و شیعی وارد می سازد. بدین روی، نیاز به کارشناسان دینی برای انجام این وظیفه ی مهم و اساسی احساس می شود و هزینه ی دفاع از دین، توسط خود دین به عهده گرفته می شود.

بر همین مبنا، امام رضا علیه السلام می فرماید: «وإن الخمس عوننا علی دیننا...» خمس، یاور ما برای تبلیغ دین است؛ یعنی ما با کمک خمس، دینمان را معرفی و یاری می کنیم و آن را حاکمیت می بخشیم.<sup>۱</sup>

با توجه به حدیث امام رضا علیه السلام، می توان دریافت که امر تبلیغ، مختص به دوران خود ایشان نبوده و تاریخچه آن به زمان تولد اسلام برمی گردد. در زمان انبیا و اوصیای الهی برای تبلیغ دین، مبلغانی از نظر علمی و سیاسی تربیت شده و آنان را به خارج از شهر اعزام

۱. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۵۴۷.





می‌کردند تا پاسخ‌گوی مشکلات دینی و بعضاً مشکلات سیاسی آنان باشند. همین روش در گذشته باعث شد افراد زیادی ایمان بیاورند و خداپرستی به دورترین نقاط برسد. هر چند تبلیغ دین همواره سختی‌های زیادی داشته اما نقش مهمی در تاریخ ادیان الهی داشته است.

مشکل نبود بودجه و امکانات کافی برای تبلیغ دین، در دوران ائمه علیهم‌السلام هم وجود داشته است و شاید آن زمان حادث‌تر از وضعیت امروزی آن با وجود دشمنان داخلی و خارجی فراوان بوده است؛ زیرا قدرت در دست دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و خلفای جور بوده که با تمام توان، پیشوایان و مبلغان دین را محدود یا زندانی می‌کردند و یا در حصر خانگی، در پادگان‌ها و محیط‌های نظامی تحت الحفظ قرار می‌دادند و شیعیان نیز امکان تبلیغ و حتی جرأت بر اظهار تشیع خویش را نداشتند، چه رسد به تبلیغ اندیشه‌ها و آموزه‌های خود.<sup>۱</sup> اما با این وجود، تلاش و مجاهدت ایشان مثمر‌تر بود و امروزه شاهد ترویج اسلام توسط مبلغان دین یعنی همان روحانیت در جوامع داخلی و بین‌المللی هستیم. جامعه روحانیت با اینکه تعداد آنان به سیصد هزار نفر نمی‌رسد اما با وجود کمبود نیرو، نقش مطلوبی در تبلیغ دین ایفا می‌نمایند. طی چهار سال انقلاب اسلامی، ورود طلاب بین‌الملل به مراکز دینی و حوزه‌های علمیه، پیشرفت چشمگیری در صدور آموزه‌های تشیع داشته است و هر روز با تلاش طلاب و مبلغان، به تعداد شیعیان جهان افزوده می‌شود.

از این رو، نظر شهید مطهری درباره آیهی «فَلَوْلَا نَفَرَمِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»<sup>۲</sup> طلیعه‌ی این است که گروهی از مسلمین باید در دین تفقه کنند تا دیگران را نسبت به احکام دینی و اخلاقی بهره‌مند سازند.

۱. خمس سهمی برای شکوفایی، نعم‌آبادی، ص ۹۲.

۲. توبه: ۱۲۲.





تفقه از ماده‌ی «فقه» است. تعمق و بصیرت‌یابی کامل به حقیقت یک چیز را فقه می‌گویند. «راغب» در مفردات می‌گوید: «الفقه هو التوصل الی علم غائب بعلم شاهد» یعنی فقه این است که از یک امر ظاهر و آشکار به یک حقیقت مخفی و پنهان پی برده شود. در تعریف «تفقه» می‌گویند: «تَفَقَّهَ إِذَا طَلَبَهُ فَتَخَصَّصَ بِهِ» یعنی چیزی را طلب کرد و در آن تخصص پیدا نمود. طبق نظر و مطالعات شهید مطهری رحمته‌الله علیه، این آیه به مسلمانان می‌گوید که در فهم دین، سطحی نباشند، عمیق فکر کنند و به معنا و روح دستورات پی ببرند.

این آیه‌ی کریمه، مدرک اجتهاد و فقاهاست. همچنان‌که به حکم این آیه‌ی کریمه، بساط اجتهاد و تفقه در اسلام پهن شده است، به حکم همین آیه باید این بساط گسترده‌تر شود، به ضرورت‌ها بیشتر توجه شود، شورای فقهی عملاً وارد کار شود، تک‌روی‌ها منسوخ گردد و رشته‌ها تخصصی شود تا فقه ما راه تکامل خود را ادامه دهد.<sup>۱</sup>

افزایش متخصص فقیه و تشکیل شورای فقهی، یکی از پیشنهادهای مهم برای ترویج تخصصی و کارآمد دین است. اگر این پیشنهاد عملی شود و به صورت تشکیلات منظم درآید، دین اسلام گسترده و مبلغان با دقت بیشتری به تبلیغ می‌پردازد.

همان‌طور که امروزه شاهد هستیم، مسیحیت سرمایه‌گذاری عظیمی در ابعاد مختلف با روش‌های گوناگون در دست اجرا و اقدام دارد. آن‌ها تلاش می‌کنند چهره‌ی اسلام را به‌گونه‌ای و چهره‌ی مسیحیت را به‌نحو دیگری ترسیم کنند. از سوی دیگر، وهابیت به‌طور گسترده‌ای علیه شیعه فعالیت می‌نماید. قهراً افرادی که اطلاع چندانی از مسائل دینی ندارند، تحت تأثیر این تبلیغات منفی قرار می‌گیرند. اینجا این سؤال پیش می‌آید که به راستی چه کسانی و با چه بودجه و امکاناتی باید در برابر این تبلیغات و تهاجمات، تلاش و

۱. ده گفتار، مطهری، ص ۱۱۲.





مقابله کنند؟ روشن است که این مسؤولیت در درجه‌ی اول بر عهده‌ی دانشمندان دینی و صاحبان سخن و قلم در حوزه‌های علمیه است.<sup>۱</sup>

برای این منظور، قطعاً این مکتب به یک منبع مالی بسیار قوی و همیشگی لازم دارد تا به وسیله‌ی آن، هم به تحصیل قدرت نظامی در برابر طاغوت‌هایی که می‌خواهند ریشه‌ی اسلام را خشک کنند، پردازد و هم به لحاظ فکری و فرهنگی این استعداد را در خود ایجاد نماید تا خطر آنان را از بین ببرد. این منبع مالی در مکتب تشیع، خمس است.<sup>۲</sup>

شاید این کار از دید مسلمانان، کم‌ارزش جلوه کند اما به یقین می‌توان گفت اگر بزرگان دین این روش الهی را به کار نمی‌بردند قطعاً دین اسلام حیات نمی‌یافت و در همان سال‌های آغازین خود منسوخ می‌شد. هر دینی برای ترویج آموزه‌های خود، باید مبلغانی برای تبلیغ داشته باشد و باید برای این تبلیغ گسترده، هزینه نماید.

امروزه بیش از قبل، شاهد تبلیغ مبلغان ضد شیعی به ویژه مسیحی، بهایی، وهابی و ... هستیم که دست به تبلیغات گسترده و پرهزینه در دنیای حقیقی و مجازی زده‌اند. بزرگان و مراجع شیعی نیز برای تبلیغ آموزه‌های ناب شیعی، کارشناسان و متخصصانی از بین طلاب حوزه‌های علمیه را تربیت می‌کنند که پس از سال‌ها تحصیل در حجره‌ها، با زحمت فراوان درس می‌خوانند تا بتوانند در این عرصه خطیر وارد شوند. ناگزیر باید زندگی ایشان از محل مالیات‌های اسلامی به ویژه خمس تأمین شود. البته شهریه‌ای که به این افراد پرداخت می‌شود نیز به خاطر درس خواندن نیست، بلکه به خاطر تبلیغ دین است. لذا طلبه‌ای که بعد از اتمام دروس به تبلیغ می‌پردازد از این شهریه بهره‌مند می‌شود و طلبه‌ای که بعد از اخذ تخصص و اتمام درس به عنوان یک متخصص مسائل دینی در ارگان‌های دولتی و

۱. خمس سهمی برای شکوفایی، نعیم‌آبادی، ص ۹۶.

۲. مباحثی پیرامون خمس، ضیاء‌آبادی، ص ۹۶.



غیردولتی مشغول می‌گردد و دارای حقوق می‌شود، شهریه‌ای به او پرداخت نمی‌شود یا اگر چیزی پرداخت شود نیز به جهت کارهای تبلیغی است که در حین کارمندی در حال انجام دادن است.

### ۳. تثبیت و اداره‌ی جامعه

هر حکومتی برای ادامه‌ی بقای خویش، نیازمند منابع مالی است تا با استفاده از آن بتواند کشور خود را آباد کند. اساساً منابع درآمد دولت‌ها باید دارای چند ویژگی باشند. منابع مالی باید تداوم و تنوع داشته باشند اما هدف‌گذاری شوند. از این رو، تکیه بر تنها یک منبع مالی، آسیب‌های جدی‌ای در بردارد و تزلزل در آن منبع، سبب تزلزل در اصل یک نظام حکومتی خواهد شد و چنین دولتی ثباتی نخواهد داشت.

به‌طور کلی مالیات‌ها به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم از مردم گرفته می‌شود اما در حکومت اسلامی طبق نظر مراجع عالی‌قدر، شش نوع مالیات وجود دارد. مالیات بر تولید، مالیات بر مازاد درآمد، مالیات بر ذخیره و پس‌انداز، مالیات زمین‌های متعلق به عموم مسلمین، مالیات سرانه و مالیات‌های فوق‌العاده که هر یک شرایط و احکامی دارد.<sup>۱</sup>

خمس، مالیات مازاد درآمد است که منبع مالی مهم و ثابتی برای اداره‌ی حکومت به شمار می‌رود و در اختیار دولت و حاکم اسلامی قرار می‌گیرد تا در مصالح جامعه مصرف شود. از جمله‌ی مالیات‌های ثابت، مالیات‌هایی است که بر حسب تشریح اولی بوده و مستقیماً از طرف شارع وضع شده‌اند و مورد، مقدار یا نسبت خاصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. این مالیات‌های الهی که پرداخت آن عبادت محسوب می‌شود، شامل خمس، زکات، جزیه، خراج و... است.<sup>۲</sup> امام خمینی رحمته‌الله علیه در راستای تأیید این موضوع

۱. منابع درآمد دولت در حکومت اسلامی، شیرازی، ص ۱۵.

۲. مالیات اسلامی، کفشگر جلودار، ص ۱۰.





فرموده‌اند: «هرکس در آیه و روایات خمس بیندیشد، می‌فهمد تمام خمس مربوط به بیت‌المال است و حاکم، سرپرستی تصرف در آن را دارد.»<sup>۱</sup> این موضوع، قرن‌هاست که مورد اجماع علمای شیعه قرار گرفته اما بعضی با القای شبهات مختلف، سعی دارند آن را زیر سؤال ببرند.

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در جای دیگری چنین می‌نویسد: «مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته، نشان می‌دهد تنها برای سدّ رمق فقرا و سادات فقیر نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً خمس یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. طبق مذهب ما، از تمام منافع کشاورزی، تجارت، منابع زیرزمینی و روی زمین و به طور کلی از کلیه‌ی منافع و عواید، به طرز عادلانه‌ای خمس گرفته می‌شود. بدیهی است درآمد به این عظمت، برای اداره‌ی کشور اسلامی و رفع همه‌ی احتیاجات مالی آن است. هرگاه درآمد کشورهای اسلام یا تمام دنیا، تحت نظام اسلام درآید و حساب کنیم، معلوم می‌شود منظور از وضع چنین مالیاتی فقط رفع احتیاج سید روحانی نیست، بلکه قضیه مهم‌تر از این‌هاست. منظور، رفع نیاز مالی تشکیلات بزرگ حکومتی است. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات اداره شود.»<sup>۲</sup>

نظر «آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی» در این موضوع این است که تعبیر قرآن از مالیات‌های اسلامی مانند خمس، بسیار دقیق است؛ زیرا با پرداخت این حق الهی، ثروت و منابع مالی نزد ثروتمندان انباشته نمی‌شود و این منابع به صورت متعادل در جامعه، میان ثروتمندان و فقیران جریان می‌یابد. به طوری که اگر مردم از دادن خمس پیروی نکنند، افراد ثروتمند روز به روز ثروتمندتر و قشر فقیر، ناتوان‌تر می‌شوند. مانند نظام غرب که هم‌اکنون این

۱. واکاوی رویکرد حکومتی به خمس و زکات، امینی، ص ۴۰.

۲. ولایت فقیه، خمینی، صص ۳۱-۳۲.





نتایج در کشوری مثل آمریکا و یا اروپا به وضوح دیده می‌شود. اما دین پیش روی اسلام، این نظام سرمایه‌سالاری را نمی‌پذیرد و حتی با آن مبارزه می‌کند.<sup>۱</sup> نمونه‌ی این مبارزه در سوره‌های تکاثر و حشر دیده می‌شود.

از خمس برای تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی، توسعه و رشد اقتصادی، قطع وابستگی و در نهایت حاکمیت سیاسی اسلامی استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> با پرداخت این فریضه، اولاً افراد از نظر معنوی تقویت شده و از صفات ناپسند پاک‌سازی می‌شوند و ثانیاً به حکومت کمک می‌کنند تا از نظر فرهنگی، دینی، علمی، اجتماعی و ... پیشرفت کند. و اما نقش روحانیت در تثبیت خمس این است که با بیان فلسفه و حکمت خمس می‌تواند برای احیای دین و پرداخت خمس به مردم در جهت تکامل فکر و دینداری کمک کند.

#### ۴. دفاع اعتقادی از دین

دفاع از دین در اندیشه‌ی انسان‌های بزرگی چون امام خمینی رحمته‌الله علیه یک ماهیت الهی و انسانی دارد.<sup>۳</sup> ماهیتی که برای یک جامعه، ضروری است. عزت و احساس اقتدار در زیرسایه‌ی دفاع از دین برمی‌آید. همانند جنگ دفاعی هشت ساله‌ی ایران و عراق که موقعیتی را ایجاد کرد تا ملت بتواند اعماق جوهره‌ی خود را در ابعاد مختلف نشان دهد.<sup>۴</sup>

اگر به شیوه‌ی درست از دین دفاع کنیم ملت مسلمان از هرگونه تهاجم دشمن در امان بوده و پیشرفت آنان دوچندان می‌شود. حال برای اینکه یک مکتب، ایده و تفکرش را

۱. منابع درآمد دولت در حکومت اسلامی، شیرازی، ص ۱۵.

۲. اولین همایش علمی سراسری «خمس، واجب فراموش شده»، رحمت، ص ۳۹.

۳. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، اصغری، ص ۶.

۴. بیانات دیدار جمعی از پیش‌کسوتان و خاطره‌گویان دفاع مقدس، خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۳۱.





تثبیت کند، باید دو ویژگی را دارا باشد. ویژگی اول این است که آن مکتب از استحکام و توانمندی بالایی برخوردار بوده تا هیچ تردید جدی آن مکتب را به تزلزل در نیاورد. ویژگی دوم این است که باید از اصول و مبانی آن پاسداری شود و پاسداری جز با دفاع عقلانی و پاسخ به شبهه‌ها و پرسش‌ها و تبیین مبانی آن مکتب امکان پذیر نیست. اگر این دو ویژگی محقق شود آن اندیشه، پایدار خواهد ماند.<sup>۱</sup>

این موضوع نیز از مهم‌ترین آثار خمس در دفاع از دین توسط طلاب است. یکی از اصول اسلام این است که هرگز بر نفی تابد یک مسلمان، جیره‌خوار یک غیرمسلمان باشد. یا جامعه‌ی اسلامی دست نیاز به طرف بیگانگان دراز کند. اسلام بر روی این مسأله، حساسیت دارد.<sup>۲</sup> اسلام دین کاملی است که برای ایجاد تمدن اسلامی، مسلمانان را انذار داده تا از ناحیه‌ی مخالفان و عناصر منحرف، مورد هجوم و تاخت و تاز قرار نگیرد. لازمه‌ی این نگاه تمدنی این است که جامعه وابسته به عناصر سرکش خارجی نباشد. زیرا اگر وابسته باشد باید به خواست آنان عمل کند. لذا مجبور است با دوری از سلطه‌ی بیگانگان و تکیه بر توان داخلی خویش، خود را در مقابل کفار، مستقل و قدرتمند نشان دهد که این استقلال و آزادی همان هدف والای حکومت اسلامی است.

تعلق خمس به طلاب علوم دینی برای تحقق چنین هدفی است. سهم امام این امکان را می‌دهد تا از آن برای ایجاد تشکیلات دینی و زیرساخت‌های معنوی جامعه‌ی اسلامی استفاده شود. یکی از برکات خمس این است که در سایه‌ی آن، با انتشار کتب، مقالات پژوهشی، کرسی‌های آزاداندیشی، مناظرات گوناگون، رسیدگی به مشکلات و پرسش‌های کلامی، به دفاع از مرزهای فکری و اعتقادی پرداخته شود. خمس از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پشتیبانان حوزه‌های علمیه است که تحت

۱. دفاع عقلانی از ارزش‌های دینی، سبحانی، ص ۱۶.

۲. پانزده گفتار، مطهری، ص ۱۹۵.





سیطره‌ی هیچ دولتی قرار نگرفته بلکه با مشارکت مردم برای حفظ و ادای دین گام بردارد. مردمی بودن این پدیده باعث می‌شود حوزه‌ی علمیه با حریت و حق طلبی به وظیفه‌ی اصلی خود که دفاع از دین است بپردازد.

یکی از وظایف این نهاد مقدس، تربیت مرجع تقلید، مدرس، مبلغ، مفسر قرآن و... است که با این هدف جامعه را بر مدار توحید و یکتاپرستی هدایت کند. همچنین مراجع و علمای دینی با وجوهاتی که از راه خمس تأمین می‌شود، حوزه را اداره می‌کنند.<sup>۱</sup> این در حالی است که چنین نهادی در بقیه ملل جهان مانند روحانیت مسیحیت، اهل سنت و... در دست حکومت‌ها بوده و حقوق بگیر دولت‌ها هستند.

بنابراین خمس برای پایداری و ماندگاری دین در قالب کمک به حوزه‌های علمیه که یگانه نهاد صاحب صلاحیت در ارتباط با تبیین و تبلیغ دین هستند، استفاده می‌شود. در کنار آن، سهم سادات و کمک به محرومان نیز از امور جدی دفاتر مراجع تقلید است. از این جهت است که امام رضا علیه السلام فرمودند: «خمس را بدهید تا ما به وسیله‌ی آن دین را تقویت کرده و حیثیت خویش را در مقابل دشمنان حفظ کنیم. پس آن را از ما دریغ ندارید و پرداخت آن را از ما مضایقه نکنید.»<sup>۲</sup>

طبق آنچه گفته شد، اسلام باید عاملانی داشته باشد که همواره با جان و مالشان از آن دفاع کرده و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. امروزه بزرگان دینی، در دورترین نقاط جهان، حوزه‌ی علمیه برپا می‌کنند. یا توسط مبلغان ازجان گذشته‌ای که غم دوری از خانواده را به جان خریده و سال‌ها برای دفاع از دین، سختی‌ها و دشواری‌ها را تحمل می‌کنند، جهاد علمی را ادامه می‌دهند که هر ساله بر تعداد این افراد افزوده می‌شود.

دفاع همیشه در میدان جنگ نیست بلکه گاهی دفاع از دین، آن قدر مهم می‌شود که

۱. خمس سهمی برای شکوفایی، نعم‌آبادی، ص ۱۲۹.

۲. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۵۴۸.





به صورت واجب کفایی و گاه عینی درمی‌آید و عده‌ای از تحصیلات دانشگاهی چشم‌پوشی کرده و به دنبال دفاع از دین به حوزه‌های علمیه روی می‌آورند. چه بسیار جوانانی که با شوق وافر، از کشورهای مختلف در سراسر جهان راهی حوزه علمیه قم می‌شوند و سال‌های متمادی به تحصیل در حوزه‌های علمیه روی می‌آورند. آن‌گاه این طلاب فاضل، پرچمدار اسلام و تشیع می‌شوند و معمولاً به کشور خود بازمی‌گردند و به نشر و گسترش فرهنگ ارزشمند قرآن و اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازند و همه‌ی این‌ها به برکت خمس است.<sup>۱</sup> بنابراین دفاع از اسلام تنها با تکیه بر نیروهای متعهد و معتقد به اسلام و تقویت پیوندهای خودی و گسترش موج بیداری اسلامی و تشکیل اتحاد دولت‌های اسلامی امکان‌پذیر است.<sup>۲</sup>

## ۵. تدریس و پژوهش

با نگاهی اجمالی به مصارف خمس، این نکته حاصل می‌شود که بدون تردید یکی از سخت‌ترین شرایط زندگی، منحصر به طلاب فاضل اما محرومی است که در این کشور و حتی در کشورهای غیرمسلمان زندگی می‌کنند. آنان با کمترین شهریه، زندگی خود را می‌گذرانند. آمارها نشان می‌دهد سطح شهریه‌ی این طلاب از حقوق جاری کارمندان و کارگران در جامعه پایین‌تر است. طلاب با اینکه سال‌های زیادی به تحصیل می‌پردازند، اما گاهی شهریه‌شان برابر با یک کارگر ساده بلکه کمتر از آن می‌باشد و حتی گاه با مدارک حوزوی نمی‌توانند در هراگان دولتی استخدام شوند و مجبورند با همان شهریه‌ی کم با سختی به زندگی ادامه دهند.

از جمله زمینه‌هایی که طلاب در آن فعالیت می‌کنند و از این طریق اندیشه‌ی اسلامی بارور و حتی صادر می‌شود، فعالیت جدی در عرصه‌های علمی و پژوهشی است. اکثر

۱. خمس سهمی برای شکوفایی، نعیم‌آبادی، ص ۹۸.

۲. دفاع از اسلام و مسلمانی، مهدی‌پور، ص ۱۳.





روحانیون بعد از مدتی تحصیل و کسب معرفت اسلامی وارد حیطه‌ی پژوهش می‌شوند. با پیشرفت مداوم حوزه‌های علمیه در زمینه علوم عقلی و نقلی از گذشته تا کنون، استغنا‌ی علمی از دیگر نهادهای علمی توسط این نهاد ایجاد شده و استقلال علمی حوزه‌های علمیه همچنان حفظ شده است.

### جمع‌بندی

نگاهی اجمالی به کارکردهای خمس نشان از آن دارد که این فریضه، دارای آثار بسیاری است. با بررسی چهار محور از این آثار، به این نتیجه رسیدیم تعلق خمس به طلاب دارای ابعاد امیدبخش بوده و در نتیجه سبب پیشرفت‌هایی برای کشور است که پیشتر به این نتایج اشاره کردیم. آن طوری که از مجموع احکام و مقررات اسلام در باب خمس استنباط شد، با ضمیمه کردن آیه‌ی انفال و آیه‌ی خمس به یکدیگر، به این نتیجه خواهیم رسید که خمس دایره‌ی بسیار وسیعی دارد که اگر محقق شود نیروی دانشمندان و طلاب دینی افزایش می‌یابد. با بررسی محورها، روشن گردید که خمس به عنوان یک قانون الهی، توسط رسول خدا ﷺ مورد اهتمام قرار گرفته است. اما همواره شبهاتی به خمس وارد گردیده که ناشی از تفسیرهای نادرست و تأویل‌های ناقصی است که از آیات قرآن کریم صورت می‌پذیرد که غالب این شبهات، از سوی مخالفان مذهب تشیع مطرح می‌گردد. اما با مراجعه به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و فهم صحیح از آیات قرآن کریم، به پاسخ این شبهات دست یافتیم.

از جمله مواردی که جامعه‌ی روحانیت را مستحق گرفتن خمس می‌کند، عدم وابستگی به اجانب از نظر علمی و فکری است. زیرا طلاب، سرمایه‌های اصلی در تبیین دین و مسائل اعتقادی مردم هستند و دفاع از دین، وظیفه‌ی روحانیت است. براین مبنا، تخصیص بودجه‌ای برای این امر، الزامی است. زیرا سبب جلوگیری از هجوم اجانب و دشمنان به مرزهای اعتقادی شده و از تسلط بیگانگان بر افکار و عقاید جامعه‌ی اسلامی پیشگیری می‌کند که این امر، از جمله‌ی مهم‌ترین وظایف







حاکمیت اسلامی است. از همین جا ضرورت این امر روشن می‌گردد که بایستی حوزه‌های علمیه کاملاً آزاد و غیروابسته به حکومت‌ها باشند تا بتوانند بدون نیازمندی مالی به حکومت و با استفاده از نیروی خمس، به اداره‌ی خود پرداخته و از مرزهای شریعت، حراست و پاسداری نمایند.





## فهرست منابع

- \* قرآن کریم.  
\* نهج البلاغه.
۱. اصغری، محمود، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۶، ۱۳۸۸ش.
  ۲. امینی، حسین‌علی، راعی، مسعود، توکلی، احمدرضا، واکاوی رویکرد حکومتی به خمس و زکات، نجف‌آباد، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۹، ۱۳۹۷ش.
  ۳. حسین‌زاده، محمد صالح، نخبگان سیاسی، کارکرد فرهنگی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ش ۱۰۸، ۱۳۹۸ش.
  ۴. خامنه‌ای، علی، معارف انقلاب، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷ش.
  ۵. دیلم صالحی، بهروز، مجله درآمدی بر نخبه‌گرایی، ش ۳۱، راهبرد بهار ۱۳۸۳ش.
  ۶. رحمت، محمدرضا، اولین همایش علمی سراسری خمس، واجب فراموش شده، تنکابن، حوزه علمیه شهید مطهری، ۱۴۲۵ق.
  ۷. ساری، حسن، علیدادی، رضا، مرادیان، محسن، نقش نخبه‌پروری در استحکام ساخت درونی قدرت ملی نظام ج.ا.ایران، فصل‌نامه امنیت ملی، ش ۱۶، ۱۳۹۴ش.
  ۸. سبحانی، جعفر، دفاع عقلانی از ارزش‌های دینی، فصل‌نامه پیام حوزه، شماره ۲۲، ۱۳۷۸ش.
  ۹. سعیدیان، مهدی، حقیقت فراموش‌شده‌ی تفقه تاملی دیگر در آیه نفر، مجله مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ش ۲، ۱۳۹۰ش.
  ۱۰. ضیاء آبادی، محمد، مباحثی پیرامون خمس، تهران، اسپید، ۱۳۸۰ش.
  ۱۱. فراهیدی، خلیل، کتاب العین، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۷ش.
  ۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق.
  ۱۳. کفشگر جلودار، حسین، مالیات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳ش.
  ۱۴. مالیر، محمدابراهیم، محمد دخت، اعظم، آیه نفی سبیل و نقش آن در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی، نشریه پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره ۱، ۱۳۸۷ش.





۱۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم، انتشارات صدرا، چاپ ۲۳، ۱۳۸۹ش.
۱۷. —، آشنایی با قرآن، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ش.
۱۸. —، پانزده گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ش.
۱۹. —، ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۹۶ش.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، منابع درآمد دولت در حکومت اسلامی، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۷، ۱۳۶۱ش.
۲۱. مهدی‌پور، محمود، دفاع از اسلام و مسلمانی، علوم قرآن و حدیث، نشریه فرهنگ کوثر، ش ۵۳، ۱۳۸۲ش.
۲۲. نعیم‌آبادی، غلامعلی، خمس سهمی برای شکوفایی، قم، سروش نعیم، ۱۳۹۴ش.
۲۳. هادویان، غلامحسین، بررسی فقهی مصرف خمس، مصباح، ش ۵۴، ۱۳۸۳ش.







## آسیب‌شناسی تبلیغی در احیاء و گسترش فرهنگ خمس

### اشاره

در شماره‌های قبل، مصاحبه‌هایی با موضوع آسیب‌شناسی محاسبه‌ی خمس با «حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدتقی علوی فریدنی»، از استادان و مدرسان فقه در حوزه‌ی علمیه‌ی قم انجام دادیم که به اطلاع مخاطبان محترم نشریه رسید. از آن جا که ایشان تجارب ارزشمند و مطالعات فراوانی در موضوعات مختلف مربوط خمس داشته و بخشی از تلاش‌های علمی خود را معطوف به موضوع بررسی و پاسخ به شبهات فقهی به موضوع خمس با رویکردهای مختلف اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند، در این شماره از نشریه گفت‌وگویی در خصوص آسیب‌های تبلیغی در بسط و گسترش فرهنگ خمس با ایشان انجام دادیم و سؤالاتی را در قالب مصاحبه از ایشان پرسیدیم که در پی می‌خوانید.

با عرض سلام و تشکر بابت زحمتی که برای انجام این گفت‌وگو قبول فرمودید، در ابتدا بفرمایید چه آسیب‌های تبلیغی در زمینه‌ی بسط و گسترش فرهنگ خمس مورد توجه هستند؟

سلام علیکم ورحمة الله. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صل الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين. پیشتر گفت‌وگوهایی در خصوص آسیب‌شناسی پرداخت و دریافت خمس با حضرت‌عالی و مخاطبان محترم نشریه‌ی وزین خمس پژوهی داشتیم و





خدمتتان عرض کردیم که چه مسائلی می‌تواند نسبت به دریافت یا پرداخت خمس از طرف مردم لطمه وارد کند و مواردی را عرض کردیم. عدم آشنایی روحانیون با مسائل خمس و ناهماهنگی دفاتر با روحانیون و همچنین عدم محاسبه‌ی صحیح و نیز اصرار زیاد در منابع مبنی بر پرداخت خمس، از جمله‌ی این موارد است. بیان اینکه سوبسید وجوهات را به آقایان روحانی می‌دهند و این آقایان دلشان می‌خواهد بیشتر از مردم خمس بگیرند چون سوبسید به آن‌ها می‌دهند، جزو مسائلی بود که خدمتتان عرض کردیم.

نکته‌ی دیگری که قابل توجه است این است که ما زمینه‌سازی اخلاقی و دینی برای مخاطبینمان نکرده باشیم. عدم زمینه‌سازی دینی و اخلاقی برای پرداخت خمس، خودش یک آسیب جدی است. بله، اگر ما بنیه‌ی دینی افراد را تقویت کنیم که بدانند که پرداخت خمس از واجبات است، اینکه واجبات را باید عمل کنند و خمس هم درست است که پول است اما مثل نماز واجب است، این جهات اگر صحبت بشود، افراد راحت‌تر می‌آیند پای پرداخت خمس و خمس‌شان را می‌پردازند. اما اگر بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای با افرادی که اصلاً در فضای خمس نیستند، حالا شما بگویید بیست درصد از موجودی‌ات را باید بدهی به عنوان خمس، خوب طبعاً برای او سنگین است و نمی‌تواند بپذیرد که بیست درصد از موجودی‌اش را بدهد. تازه ممکن است بعدش هم بگوید که چی؟ که این آخوندها بخورند؟! لذا این تقویت بنیه‌ی اخلاقی یا همان جهت الهی بودن خمس، کمک زیادی به این ماجرا می‌کند. بنابراین لازم است مخاطبانمان و افراد را یک مقداری در ابتدا تقویت بکنیم و توجه به مسائل عبادی خمس بدهیم. مثل مسائل عبادی دیگر، مانند نماز و روزه و حج و ... . بعد وقتی که جنبه‌ی عبادی خمس برای افراد روشن شد، آن‌گاه بحث پرداخت خمس را برایشان بگویید که این‌ها مورد قبولشان واقع بشود.

خمس هم یک گونه دین است. در خصوص ادای این دین چه توصیه‌ی اخلاقی به طلاب و مبلغان خمس دارید؟

ببینید، گاهی بعضی از رفقای روحانی به طرفی که آمده و خمسش را محاسبه



کرده، مهلت نمی‌دهند و می‌گویند همین الان باید خمست را بیاوری بدهی و همه‌اش را هم پرداخت کنی. حالا شاید از ترس این باشد که این فرد اگر الان برود شاید بخواهد این وجوه را به یکی دیگر بدهد. لذا مدام اصرار می‌کنند که نه همین حالا خمست را بیاور بده! خب طبعاً این یک حالت بدبینی در طرف مقابل ایجاد می‌کند. ممکن است یکی به او بگوید من رفتم پیش فلان آقا محاسبه کردم و به من گفته یک سال دیگر بده، یا هر وقت داشتی بیاور بده، چطور این آقا می‌گوید همین حالا باید بدهی؟ این خودش باعث بدبینی نسبت به روحانی می‌شود.

توجه داشته باشیم باید اجازه‌ی مهلت دادن و اجازه‌ی دست‌گردان داشته باشیم و خمستش را برایش دست‌گردان کنیم و به او مهلت بدهیم. حالا به شما نپرداخت به یک کسی دیگر بپردازد. مهم این است که این فرد، اهل خمس بشود. اگر خمس دهنده شد، سال دیگر هم شما نبودید، سال بعد که آمدید به شما خواهد پرداخت. پس به فکراین نباشیم که حتماً باید به خودمان پرداخت کند، بلکه به فکراین باشیم که خمس باید داده بشود. اگر هم احیاناً اجازه‌ی مهلت ندارید، یا شما از مرجعی که این شخص مقلدش هست اجازه‌ی دست‌گردان ندارید، هیچ مسأله‌ی مهمی نیست. می‌توانید به خودش بگویید که به من وکالت بدهید تا من از طرف شما با دفتر دست‌گردان کنم. از آن فرد، وکالت بگیرید. مثلاً شما از فردی اجازه می‌گیرید که زمانی که آمدید دفتر از طرفش پانصد هزار تومان دست‌گردان کنید. بعد هم به او زنگ می‌زنید که آقا من این دست‌گردان را انجام دادم. هر وقت خواستی به تدریج خمست را بفرست. می‌توانی ماهانه بفرستی، دو ماهی یک بار بفرستی. من دست‌گردان کرده‌ام، شما حالا دیگر تصرف در اموالت مشکلی نخواهد داشت.

پس اگر اجازه‌ی دست‌گردان دارید مهلت بدهید. اگر اجازه‌ی دست‌گردان ندارید، از فرد وکالت بگیرید و به دفتر مرجع بروید و از طرف او دست‌گردان کنید. لذا با دست‌گردان کردن به این شیوه، مهلت به آن‌ها داده می‌شود که بعداً بپردازند.



## معنای دقیق اصطلاح دست‌گردان کردن چیست؟

دست‌گردان معنایش این است که ما می‌آییم بدهی مان بابت خمس را به مجتهد می‌دهیم و بعد از مجتهد، قرض می‌کنیم. مثلاً من پانصد هزار تومان الان بابت خمس بدهکار هستم، ولی بیشتر از صد هزار تومان ندارم که پردازم. خُب اگر بنا بر این باشد که من در اموال خمس نداده، حق تصرف نداشته باشم، صد هزار تومان را می‌دهم به شما به عنوان وکیل مجتهد و شما قبول می‌کنید. بعد همین صد هزار تومان را به من قرض می‌دهید و من مجدداً آن را به شما می‌دهم. این شد دویست هزار تومان از بدهی ام، و شما قبول می‌کنید. مجدد برمی‌گردانید. مرتبه‌ی سوم تا مرتبه‌ی پنجم، این کار را می‌کنید. به این کار می‌گویند دست‌گردان کردن. من تحویل می‌دهم به مجتهد و از مجتهد قرض می‌کنم. حالا آن صد تومان اول را که می‌خواستیم بدهم الان می‌دهم و می‌گویم شما پانصد هزار تومان به من قرض دادید، این صد هزار تومانش را داشته باشید، چهارصد هزار تومان دیگرش، طلب شما از من باشد که من آن را به تدریج می‌پردازم.

اگر هیچ پولی در بین نبود و فرد به همان اندازه هم پول نداشته باشد چه باید کرد؟

اگر فرد هیچی نداشته باشد، از خودِ مجتهد قرض می‌کند یا از یک مال دیگری که نمی‌خواهید پردازید وسط می‌گذارید. فرض کنید صد هزار تومان اول را هم نمی‌خواهید بدهید. باشد، عیبی ندارد. یک مال دیگری می‌آورید به عنوان خمس می‌دهید. آن را پنج بار دست‌گردان که کردید پول برمی‌گردد پیش شما، و حالا شما پانصد هزار تومان به عنوان قرض به مجتهد بدهکار هستید. حالا اموال شما دیگر پاک شده است و فقط پانصد هزار تومان قرض به ذمه‌ی شما مانده که این هم مشکلی ندارد، هر وقت پردازید مشکلی در اموالتان و تصرف در اموال ایجاد نمی‌کند. یعنی پانصد هزار تومان خمس این را این جوری می‌دهید و پس می‌گیرید. بعداً می‌آید از عین به ذمه‌تان تعلق می‌گیرد. حالا تصرفتان در عین مشکلی ندارد و ذمه‌تان مشغول پانصد هزار تومان است.





یک وقت است که می‌خواهید صد هزار تومان را به عنوان خمس پردازید. صد تومان اول را به عنوان خمس می‌دهید که می‌شود مال مجتهد. بعد آن را چهار بار دیگر قرض می‌گیرید و شما چهار صد هزار تومان بدهکار هستید. اما اگر همان صد هزار تومان اول را هم نمی‌خواهید الان بدهید، فرض کنید الان هیچ پولی ندارید، پنج بار قرض می‌کنید، دوباره آن آخربار هم می‌گیرید پیش خودتان، یعنی پنج بار به عنوان وجوه پرداخت کرده‌اید. دفعه‌ی پنجم هم قرض می‌کنید و می‌گویید ان شاء الله به تدریج پس می‌دهم.

بنابراین شما اگر اجازه‌ی دست‌گردان کردن از طرف مرجع دارید، که انجام می‌دهید. مثل این است که فردی خودش بیاید خانه‌ی مجتهد و با او دست‌گردان کند. این دیگر مشکلی پیدا نمی‌شود. شما هم مدیون نمی‌شوید و فرد هروقت که داشت، خمسش را می‌آورد و می‌دهد. بعضی می‌گویند این چه کاری است که ما انجام می‌دهیم؟! همان‌جا حساب می‌کنیم و به طرف می‌گوییم یک چک بدهد و چکی از او می‌گیریم. خیر، نمی‌شود. چون چک، پرداخت نیست. اما اگر دست‌گردان بکنید و بعد چک بدهد، اشکالی ندارد.

اما این مشکل هم هست که همه چک ندارند. اگر چک دارد بگیرید از او، طوری نیست. به هر حال، با دست‌گردان کردن، اولاً مهلت به او می‌دهید، ثانیاً او را تشویق به خمس کرده‌اید.

اما متأسفانه بعضی وقت‌ها در موارد بسیار نادری دیده می‌شود کسی که یک بدهی خمسی سنگین دارد، مثلاً فرض کنید سی میلیون، پنجاه میلیون بدهی‌اش است، حساب می‌کنید و به او می‌گویید پنجاه میلیون بدهی‌ات است. اما برای اینکه این طلبه به آن درصد آخرش برسد، می‌گوید تو پنج میلیون تومان فعلاً بپرداز، من با تو مصالحه می‌کنم! این بدترین نوع برخورد با مسأله‌ی اخذ خمس است. یعنی خیلی راحت می‌آیند می‌گویند ما پنجاه میلیون تومان بدهکار بودیم، فلان روحانی با پنج میلیون تومان حلتش کرد. این یعنی هرکسی دلش خواست بپردازد و هرکسی دلش نخواست نپردازد! اینجا آن طلبه پیش خودش می‌گوید من این پنج میلیون تومان را اقل از او بگیرم و یک میلیون تومانش را از دفتر پس بگیرم، بقیه‌اش هر چه می‌خواهد بشود، گردن خودش! برخی افراد این کار



را می‌کنند و طرف در ذمه‌اش آن پنجاه میلیون تومان باقی می‌ماند. این آقا آمده این جوری عمل کرده و رفته و توجیهی هم انسان نمی‌تواند برای این کار بکند و بعد که آن فرد خمس دهنده به دفتر مراجعه می‌کند، می‌فهمد که چه اتفاقی افتاده و کلاً از خمس و خمس دادن و اهل خمس و ... زده می‌شود.

### آیا این جنبه‌ی تشویق هم دارد؟

بله تشویق است. ببینید مثلاً من راحت می‌نشینم توی خانه و اصلاً برای تبلیغ به جایی نمی‌روم و به جای اینکه بلند شوم بروم یک ماه این طرف و آن طرف تبلیغ دین کنم، می‌نشینم اینجا کار خودم را انجام می‌دهم. یا در خانه‌ی خودم پیش زن و بچه خودم می‌نشینم و می‌گویم هرکسی خواست خمسش را خودش می‌آورد و می‌پردازد. اما این طوری اصل تبلیغ از بین می‌رود. یک مقداری از کار تبلیغ با همین مسائل است.

یک وقتی یک طلبه‌ای آمده بود خدمت مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، در ماه رمضان بود یا وسط دهه‌ی محرم، و گفته بود آقا من هر سال فلان جا می‌رفتم و مردم این قدر به من پول می‌دادند. اما امسال از دفتر شما مرا فرستادند به یک جایی که هیچ‌کس اصلاً به مسجد نمی‌آید. کلاً با روحانی هم بد هستند و خلاصه این جوری کردند آن جوری کردند و آمده بود شکایت کند. حضرت آیت‌الله پرسیده بودند: پارسال چقدر به تو پول دادند؟ گفته بود: صد هزار تومان. آقا به او فرموده بودند: بیا این صد هزار تومان را بگیر، این بیست هزار تومان را هم بگیر و قند و چای بخر. شب‌ها برو مسجد، سماور مسجد را روشن کن، چای درست کن، داد بزن مردم بیا بیاید چای بخورید. مردم را با چای خوردن جمع کن در مسجد. نماز هم برایشان بخوان. صحبت هم برایشان بکن. همین آقای که می‌گفت هیچ‌کس به مسجد نمی‌آید، آخر ماه آمده بود و کلی وجوهات آورده بود!

یعنی اگر ما شیوه‌ی تبلیغی را یاد طلبه بدهیم که این شیوه‌ی تبلیغی چطوری است، با مردم چطور رفتار کنیم، آن وقت به راحتی می‌توانیم تأثیرگذار باشیم. همین کسی که می‌گفت کسی به مسجد نمی‌آید، جمعیت آمدند در مسجد و به تدریج با آن‌ها حرف زد و تأثیرگذار



هم بود. اگر خرج طلبه‌ها بکنند، به یک طلبه موفق، مبلغی کمک کنند، بهتر از این است تا به یک کسی که تبلیغ نمی‌رود کمک بدهند.

در خصوص حفظ امانات و وجوهات دریافت شده و تحویل به موقع آن به دفاتر چه ارزیابی‌ای دارید؟

بله، یکی از مواردی که اینجا باید توجه شود این است که این وجهی که گرفته می‌شود، امانت است. اما برخی، گاهی اوقات وجوهاتی را که از افراد جمع می‌کنند، به حساب شخصی خودشان واریز می‌کنند. بعد که به قم می‌آیند، به دفتر چک می‌دهند. یعنی وجوه نقد را گرفته‌اند و به حساب خودشان واریز کرده‌اند اما چک سه ماهه، شش ماهه به دفتر می‌دهند! در این موارد، اگر دفتری‌ها در قبض بنویسند که این طلبه چک داده، آن فردی که خمسش را نقد داده، برایش خیلی سنگین می‌شود که من پول نقد به شما دادم اما توفرتی به دفتر چک داده‌ای؟! می‌دانید که حتی بعضی از مراجع می‌فرموده‌اند باید عین پولی که داده شده به دفتر بیاورند و تحویل بدهند. مرحوم آیت‌الله العظمی تبریزی رحمته‌الله، وقت شهریه‌شان، یک کیسه‌ای داشتند که سهم سادات به صورت جدا در آن کیسه بود. همین‌هایی که خمس‌شان را می‌آوردند، همان لحظه سهم سادات را جدا می‌کردند و آن را می‌گذاشتند برای شهریه‌ی سادات، و آن را از همان کیسه می‌پرداختند. می‌گویند عین پول را بیاور. حالا من ریخته‌ام به حسابم که از اعتبار آن استفاده کنم، یا روی آن وام بگیرم، یا اعتبار بگیرم، یا چه کار کنم، یا به قول بعضی‌ها معامله کنم روی آن، بعد بیایم چک سه ماهه بدهم. خود این نگهداری، وجه شرعی ندارد. به چه مجوزی من سهم امام را پیش خودم نگه دارم و به مجتهد نرسانم؟! این هم باز از آسیب‌هایی است که وجود دارد، هرچند بسیار کم و به ندرت.

این مسأله را هم باید توجه کرد که اگر کسی پولی را که مال کسی باشد به حسابش بریزد و سودی روی آن پول بیاید، آن سود برای صاحب پول است. اگر من ده میلیون تومان از شما گرفتم و به حساب سپرده‌ی خودم ریختم و یک ماه گذشت و مثلاً دویست هزار تومان سود روی آن آمد، این دویست هزار تومان مال شما است. اگر جایزه برنده شدم،



مال خودم است؛ چون جایزه را به صاحب حساب می‌دهند و کار ندارند پولش مال چه کسی بوده اما سود پول برای مالک پول است.

اجازه‌ی مصرف در محل برای فقیران و نیازمندان چه صورتی دارد؟

باز یک مسأله‌ی دیگر این است که بعضی اجازه‌ی مصرف در محل را نمی‌دهند، با اینکه می‌دانند مجتهدش اجازه می‌دهد که فرض بفرمایید سهم سادات را به سادات محل بدهد. خب یکی از جنبه‌های تفاوت خمس با مالیات‌ها این است که ارتباط خمس دهنده را با فقرا زیاد می‌کند. حالا این اگر در محل خودش بتواند برای سادات فقیر مصرف کند و مرجعش اجازه بدهد، اشکالی ندارد. مثل آیت‌الله العظمی صافی و آیت‌الله العظمی سیستانی که می‌فرمایند اصلاً اجازه‌ی مجتهد را هم نمی‌خواهد، سهم سادات را به فقیر سید بدهید. حالا این طلبه می‌داند که این جوری است، باز می‌گوید نه، بیاورید بدهید به خودم، من بیرم قم و تحویل دفتر مرجع بدهم. که این هم باز یک مشکلی درست می‌کند. چون بعداً دیگران می‌آیند و اجازه می‌دهند و برای این طلبه مشکل‌ساز می‌شود و می‌گویند چرا آن اجازه می‌دهد در حالی که این اجازه نمی‌دهد؟!

یا مثلاً فرض بفرمایید کسی است که وکالت از مجتهد دارد، مجتهد هم اجازه داده تاثلث سهم امام را می‌توانی اگر مورد مصرفش را دیدی اجازه بدهی، اما گاه طلبه باز اجازه‌ی این چیزها را نمی‌دهد و یک حس بدبینی در محل ایجاد می‌کند که چرا ایشان این قدر سخت‌گیری می‌کند. چون مردم وقتی ببینند که با همین پولی که دارند می‌دهند، می‌توانند با یک قسمتش به بستگان‌شان کمک کنند، این خودش یک تشویق برای مردم به پرداخت خمس‌شان است، اما گاهی برخی طلاب اجازه نمی‌دهند.

گاهی دیده می‌شود که طلاب و مبلغان در پاسخ‌گویی به شبهات مردم در زمینه‌ی خمس ناتوانند. چه راهکاری برای این مسأله دارید؟

بله یک نکته دیگر هم این است که شما فرمودید. ببینید طلبه باید با شبهاتی که



مخالفین برای خمس درست می‌کنند، لااقل با چندتایش آشنا باشد. نباید این‌گونه باشد که تا می‌آیند عمره، وهابی‌ها جزوه‌ی خمس به آن‌ها می‌دهند. وهابی‌ها یک جزوه‌ای درست کرده بودند و به همه می‌دادند که توی آن نوشته بود چه کسی گفته خمس باید داد، و از کجا گفته خمس واجب است، و خمس یک آیه بیشتر در قرآن ندارد و مانند این‌ها. بعد این جزوه‌ها را می‌دهند به زائران. حالا من طلبه اگر بلد نباشم به این شبهات پاسخ بدهم، مردم از نظر پرداخت خمس در مشکل فرو می‌روند. ولو اینکه همین زائر می‌آید در دهه‌ی محرم سینه‌زنی‌اش را انجام می‌دهد و شب عاشورا هم ده میلیون تومان نذری می‌دهد، اما برای پرداخت خمس این شبهات در ذهنش است و خمسش را نمی‌دهد. متدین هم هست ولی این شبهات در ذهنش مانده، لذا خمس نمی‌دهد. بنابراین طلبه یک مقداری باید با این شبهات خمس آشنا باشد که لااقل اگر کسی آمد کتابچه‌ای از این قبیل آورد و یا در فضای مجازی که الان زیاد شبهه راجع به خمس می‌کنند، بتواند این‌ها را تبیین کند و پاسخ‌گوی این شبهات باشد.

این خودش یک مسأله‌ای است و ندانستن پاسخ این شبهات، باعث مشکلات زیادی بین مردم می‌شود. مثلاً همین شبهه‌ی یک آیه داشتن خمس. می‌گویند خمس یک آیه بیشتر ندارد، چرا دنبال زکات نمی‌روید که چند تا آیه دارد، مدام دنبال جمع‌آوری خمس از مردم می‌روید؟ خب یک آیه داشتن خمس که دلیل واجب نبودن آن نیست! حج هم وجوبش یک آیه بیشتر ندارد، بقیه‌اش اعمال حج را توضیح داده «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ». یک آیه بیشتر در قرآن نیست، بقیه‌اش «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» احکام حج است. یا قصاص یک آیه بیشتر ندارد. پس این جور نیست که بگوییم همه‌ی احکام، آیات زیادی در قرآن دارند. نماز آیات اصلاً آیه‌ای در قرآن ندارد. پس باید بگوییم حالا که آیه ندارد پس واجب نیست؟!

بنابراین یک آیه داشتن خمس، دلیل بر این نمی‌شود که واجب نباشد. ضمن اینکه اهل سنت هم خودشان قائل به خمس هستند، منتها مواردش فرق می‌کند. همین طوری که ما شیعیان هم در مواردش اختلاف می‌کنیم. مثلاً بعضی از مراجع می‌گویند هدیه خمس



دارد، بعضی‌ها می‌گویند خمس ندارد. بعضی‌ها می‌فرمایند چیزی که مؤونه شد اگر از مؤونه خارج بشود، خمس دارد، اما بعضی دیگر می‌گویند خمس ندارد. ما خودمان هم اختلاف نظر داریم، اهل سنت هم همین جور است. اهل سنت هم غنائم جنگی را با ما هم نظر هستند، معدن را با ما هم نظر هستند، و همچنین گنج را. این‌ها را قائل به خمس هستند، اما درآمد سال را قائل نیستند. خب نباشند، چکارشان کنیم؟

این طور نیست که ما تنها قائل به خمس باشیم. آن‌ها هم قائل هستند. حالا وقتی مردم این را بدانند که سنی‌ها هم خمس را قبول دارند و همین را می‌گویند، آن وقت یک خُرده‌ای بحث برایشان ساده‌تر می‌شود.

یکی از موارد دیگر در همین زمینه که بسیار باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که مصارف خمس را درست بشناسیم و بدانیم خمس در کجاها دارد مصرف می‌شود. اگر مردم بدانند این خمسی را که دارند می‌دهند، در تمام کارهای عمومی از آن استفاده می‌شود و این اجازه‌ی یک‌سوم‌هایی که برای صاحبان خمس صادر می‌شود، در کجاها مصرف می‌شود، دل مردم راضی‌تر به پرداخت خمس می‌شود.

فرض کنید فردی می‌خواهد از سهم امامش به مسجد کمک کند. یا مثلاً فرشی که می‌خرد برای مسجد، از سهم امام است. تلفنی اجازه‌اش را از مجتهدش گرفته، حالا دارد سهم امامش را آنجا خرج می‌کند. مردم می‌گویند ببینید او این قدر خرج مسجد می‌کند اما هیچی به ما نمی‌دهد. درحالی‌که این فرد از طرف مجتهد دارد خرج می‌کند و اگر به او اجازه ندهند این فرش را برای مسجد نمی‌گیرد. یا مثلاً نسبت به تهیه‌ی این جهیزیه‌ها افراد زیادی هستند که اجازه‌ی پرداخت وجوهاتشان را در تهیه‌ی جهیزیه‌ی فقرا می‌گیرند، یا در کمک به ایتام می‌گیرند، یا در ساخت بیمارستان می‌گیرند، یا در ساخت دارالایتام‌ها می‌گیرند، این‌ها همه‌اش با اجازه‌ی مجتهدش است. منتها مشکل این است که این موارد ثبت نمی‌شود. درحالی‌که این‌ها همه از پول خمس است و مردم فقط فکرمی‌کنند که پول خمس فقط خرج حوزه‌ها می‌شود، درحالی‌که این پول‌های این طوری بسیار بیشتر است. یادم هست که من یک وقتی به دفاتر بعضی از آقایان گفتم شما اجازاتی را که می‌دهید،



ثبت کنید. حالا لازم نیست بگویید به چه کسی چقدر اجازه‌ی مصرف خمسش در جهیزیه یا بیمارستان یا ... دادید، فقط آن را در گوشه‌ای بنویسید که این مقدار را برای مصرف در ساخت بیمارستان اجازه دادیم، این مقدار برای مصرف ایتم اجازه دادیم، این مقدار برای مصرف فقرا اجازه دادیم. حالا در آخر سال ببینید چند میلیارد اجازه داده‌اید؟ و زمانی که کسی اعتراض می‌کند که چرا پول خمس صرف طلبه‌ها می‌شود، بگویید آقا ما این قدر را اجازه داده‌ایم برای این کارهایی که شما می‌گویید، در مقابل این قدر هم شهریه داده‌ایم. اگر واقعاً بدانید که چقدر اجازه برای مصرف خمس در مصارف غیرحوزوی داده می‌شود، آن وقت افراد متوجه می‌شوند که همه‌ی خمس در حوزه نمی‌آید. چون امروزه مدام تبلیغ می‌کنند که پول‌ها همه دارد می‌آید در حوزه و خرج آخوندها می‌شود. ما هم نمی‌دانیم که مصرف سهم امام کجاست و ناخواسته این حرف را می‌پذیریم.

من یک بار قبضی را پیدا کردم از زمان مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، چهارده میلیون تومان برای خوابگاه «دانشگاه شهید بهشتی» اجازه داده بودند. ببینید کی این اجازه را داده بودند؟ زمانی که دلار کمتر از هزار تومان بوده، چهارده میلیون تومان برای خوابگاه دانشگاه شهید بهشتی، حساب کنید چقدر پول می‌شود. تازه این فقط یک مورد است. برای بیمارستان‌ها، برای امور عام‌المنفعه، برای موارد دیگر در این طرف و آن طرف. خب این‌ها که جایی ثبت نمی‌شود. کسی هم خبر ندارد. وقتی این‌ها را توضیح بدهید، آن وقت نمی‌گویند همه‌ی این پول‌ها را می‌گیرند و برای خودشان در حوزه‌ها خرج می‌کنند. البته اگر ریخت و پاشی از وجوهات هست، واقعاً باید جلوی آن گرفته شود. اما اگر ریخت و پاش نیست، خب باید توجیه بشود، توضیح داده بشود. یعنی ممکن است یک وقتی هم به نظر ما ریخت و پاش حساب بشود اما ریخت و پاش واقعی نباشد، یعنی واقعاً توجیه داشته باشد. به ما هم دلایل را بگویند قبول می‌کنیم. مدام با بدبینی به دفاتر نگاه نکنیم که آقا همه دارند می‌خورند و می‌برند و ... به هر حال، مخارج عمومی وجوهات که معلوم بشود، خیلی در مردم تأثیر دارد.

یک کسی در اصفهان که مقلد آیت‌الله العظمی سیستانی بود به من می‌گفت من در



سال خنسم حدوداً یک میلیارد تومان می‌شود. تا سه چهارمش را اجازه گرفته‌ام و خودم آن را در مصارف خرج می‌کنم. حالا نمی‌دانم افطاری می‌داد، برای فقرا فرش می‌داد، جهیزیه می‌داد، به ساخت بیمارستانی کمک می‌کرد. خب مردم فقط می‌گویند فلانی دارد به ما کمک می‌کند اما نمی‌دانند این آقا در اصل از محل بودجه خنمس دفتر مرجع تقلیدش دارد این کمک و خرج را انجام می‌دهد. رقم‌های سنگین این جوری از سوی دفاتر اجازه می‌گیرند و البته خرج هم می‌شود، ولی ما و مردم چون اطلاعی نداریم، فکر می‌کنیم همه‌اش به حوزه علمیه می‌آید.

در این بین، راحت‌ترین راه، کمک به بستگان است. فرد، پولدار است، همه هم از او انتظار دارند. ببینید یک پولداری که در فامیل است همه از او انتظار دارند. خب وقتی به او اجازه می‌دهند که تو یک مقداری را به بستگان بده، باعث یک ارتباط صمیمانه‌ای می‌شود. هم آن‌ها دیگر نسبت به این فرد بدبین نیستند، هم این نسبت به آن‌ها خوش بین می‌شود. یک بار هم که رفت خانه‌شان، متوجه می‌شود که این بیچاره خیلی نیازمند است، ممکن است از پول‌های دیگر هم کمک بگیرد.

### چگونه می‌توان طلاب را از این آسیب‌ها حفظ نمود؟

ببینید یکی از مشکلات این است که ما جزوات تبلیغی مناسب برای فریضه‌ی خنمس نداریم. این کتابی هم که چاپ شده برای خنمس، بخش خنمس رساله‌ی توضیح المسائل است که آن را برداشته‌اند به صورت یک کتاب مستقل جزوه‌مانند درآورده‌اند. نهایتاً هم ده، بیست تا استفتاء از چند مرجع در آن اضافه کرده‌اند. آن طوری که مناسب باشد، آن جوری که باید گفته بشود و نکات ظریف خنمس در آن آمده باشد، ادله‌ی خنمس در آن آمده باشد، تشویقاتی که ائمه علیهم‌السلام کرده‌اند، وعده و وعیدهایی که داده‌اند، تحذیری که برای ندادن خنمس فرموده‌اند، این‌ها در این جزوات نیامده است و مردم هیچی از آن‌ها نمی‌دانند. باید این‌ها را هم در این جزوات بیاورند و یک مقداری توضیح هم بدهند که طلبه‌ای که می‌رود برای تبلیغ، این‌ها دستش باشد و مردم را روشن کند.





اینکه شما این روایت را بخوانید که «فردی نامه نوشت خدمت حضرت رضا علیه السلام که آقا اجازه بدهید که ما خمسمان را ندهیم، این را به قول ما حلالش کنید. امام علیه السلام فرمودند: حلال نمی‌کنم، حلال نمی‌کنم، حلال نمی‌کنم. شما ادعای دوستی ما را می‌کنید اما چیزی را که سهم ماست نمی‌دهید.» اگر طلبه بتواند همین را روی منبر برای افراد توضیح بدهد، کلی در دیدگاه مردم نسبت به خمس تاثیر دارد.

یا همین روایتی که می‌فرمایند: «الخمسه عوننا علی دیننا...» خمس را بدهید، که این کمک برای ترویج دین است. خمس را بدهید تا از دعای ما محروم نشوید. این‌ها را برای مردم باید گفت تا آنان هم توجیه بشوند که خیلی تاثیرگذار خواهد بود و اثر دارد. به هر حال جزوات تبلیغی مناسب در این زمینه تولید نشده است.

در خصوص موضوعات جدید خمس که طلاب با آن کمتر آشنایی دارند چه نظری دارید؟

بله، یک بحث مهم همین بحث موضوع‌شناسی در موضوعات جدید خمس است. مثلاً بیمه خمس دارد یا ندارد؟ سرمایه‌گذاری خمس دارد یا ندارد؟ بازنشستگی خمس دارد یا ندارد؟ پاداش آخر خدمت خمس دارد یا ندارد؟ خب دلایل تعلق یا عدم تعلق خمس به آن‌ها چیست؟ این که می‌گوییم دلیلش این است که اگر گفتیم این پاداش آخر سال، هبه است، هدیه است، خب به نظر مقام معظم رهبری خمس ندارد. اگر فرد، مقلد امام هم باشد که باز خمس ندارد. اما اگر نه، گفتیم این پاداش اداری، هبه حساب نمی‌شود، آن وقت باید خمسش را بدهد. من یک موردش را الان برایتان عرض کنم.

بینید الان این پاداش آخر خدمت را که می‌دهند، چیست؟ از گذشته این را تثبیت کرده بودند که هرکسی استخدام می‌شود، دوازده ماه حقوق بگیرد، یک ماه عیدی و یک ماه پاداش. خب اینکه الان دارد می‌گیرد چیست؟

اگر با شما قرارداد بستند که در ازای کاری که برای ما می‌کنی این قدر به شما می‌دهیم، این می‌شود چه؟ همه‌اش می‌شود درآمد، و هبه و هدیه‌ای وجود ندارد. اما از زمانی که قانون وضع شد که دوازده ماه حقوق، یک ماه به عنوان عیدی و یک ماه به عنوان



پاداش بگیرید، سال اولی که نزدیک عید، در بهمن ماه عیدی را دادند، یک تورمی ایجاد شد و قیمت‌ها رفت بالا. گفتند پاداش را تقسیم کنیم و شهریور می‌دادند. عیدی‌اش را هم عید می‌دادند.

بعد از انقلاب به جنگ خورد و وضع مالی دولت خراب شد. کم‌کم آمدند گفتند ما این پاداش را فعلاً نداریم که بپردازیم و این‌ها را جمع می‌کنیم و آخر خدمت به شما می‌دهیم. سی سال که کار کردی سی ماه حقوق به تو می‌دهیم. منتها الان حقوق شما که مثلاً یک میلیون تومان است، تا آخر خدمت می‌شود سی میلیون تومان، ما همان سی میلیون را به تو می‌دهیم. الان هم دارند همین کار را می‌کنند. خیلی خب، حالا اگر بنا شد که این جوری شما استخدام شده باشید که این پاداش‌هایتان را جمع کردند تا آخر خدمت بدهند، آیا این هدیه حساب می‌شود یا خیر؟

لذا اگر ما این موضوعات را بشناسیم، می‌توانیم درست تصمیم‌گیری کنیم و روی آن نظر بدهیم. اگر نه، می‌گوییم هدیه است و آقا گفته هدیه خمس ندارد، پس لازم نیست خمسش را بدهی. یا مثلاً مستمری خانواده‌ی شهدا. این که در مقابل کار داده نمی‌شود، بلکه هدیه‌ای است که دولت آن را می‌دهد و طلبی که از دولت ندارند. دولت دارد چیزی را به خانواده شهید می‌دهد. گاهی به زن و بچه‌اش می‌دهد و بچه‌ها که بزرگ شدند، به همسرش می‌دهند. این‌ها تا یک حدی می‌پردازند ولی چیزی نیست که ما بگوییم که این حقوقشان است و باید خمسش را بپردازند. اگر مقلد مقام معظم رهبری یا مرحوم امام بودند، خمس ندارد. چون هدیه حساب می‌شود.

بیمه چطور است؟ بیمه‌ی تکمیلی مثلاً. شما الان مراجعه می‌کنید به دکتر و بیمارستان و امثال این‌ها. صد هزار تومان هزینه‌ی درمانتان می‌شود. بعد می‌روید نسخه‌تان را می‌دهید به مرکز بیمه، آن‌ها یک ماه دیگر به حساب شما مثلاً هفتاد هزار تومان می‌ریزند. حالا فرض کنید سال مالی شما گذشته. در این یک ماهی که پول را به بیمارستان داده بودید تا برسید پول درمان را پس بگیرید، سال مالی‌تان می‌گذرد. حالا آیا آن هفتاد هزار تومان که می‌دهند خمس دارد یا نه؟ آیا قرض است شما دادید که خمس به آن تعلق گرفته؟ یا نه پول





جدید است که دارند به شما می دهند و خمس ندارد و جزو درآمدهای امسالتان محاسبه می شود؟ یعنی اگر شما قرض داده‌اید به بیمه و حالا دارید قرضتان را پس می‌گیرید پس باید خمسش را بدهید.

حالا این‌ها مثال بود. آن موضوع شناسی که عرض کردم باید روشن بشود. همین مسأله که شما بیمه را چه مقوله‌ای می‌دانید؟ اگر گفتید که این جا شما دارید پول می‌دهید، معنایش این است که بعضی‌ها گفته‌اند که شما این پول بیمه بیمارستان را که می‌دهید مثل این است که بروید ناهار بخورید و یک کسی گفته شما پول را بدهید، من بعداً با شما حساب می‌کنم. این پنجاه هزار تومانی که پول ناهار می‌دهید، این مؤونه‌تان حساب نمی‌شود. اگر این مؤونه‌تان حساب نشد، می‌شود قرض. آن وقت خمس دارد. اما اگر نه، گفتیم بیمه یک قرارداد است. یعنی شما می‌آیید با شرکت بیمه یک قرارداد می‌بندید و می‌گویید آقا من ماهانه این قدر به شما پول می‌دهم، شما هم در مقابل این قدر به من هزینه درمان بدهید. اگر این جوری شد که من الان می‌پردازم و شما هم بعداً برگردانید، پس می‌شود قرارداد. آن هم پول جدیدی است که دارند به شما می‌دهند.

با سپاس شایان از حضرتعالی و تشکر از پاسخ‌های دقیق و روشنی که ارائه فرمودید.

من هم از جنابعالی و همگی آقایان محترم و دست‌اندرکاران این نشریه‌ی وزین، تشکر می‌کنم. موفق و مؤید باشید.







## بایدها و نبایدهای پاسخ‌گویی مسائل خمس

### اشاره

«حجت‌الاسلام سید محمدتقی محمدی»، دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی علوم حدیث، استاد حوزه در زمینه‌ی بیان احکام و مدرس در مقاطع تحصیلی سطح دو و سطح سه حوزه‌ی علمیه‌ی قم و از مبلغان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه در زمینه‌ی پاسخ‌گویی و تبلیغ است و کتاب «احکام پزشکی» وی توسط همین نهاد و کتاب «احکام اعتکاف» ایشان توسط «مرکز ملی پاسخ‌گویی» به انتشار رسیده است. جلسات بیان احکام این استاد حوزوی در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به مسائل شرعی، و تسلط وی به فتاوا و نظرات مراجع تقلید عظام در فروع مختلف احکام شرعی، سبب شد تا با ایشان در زمینه‌ی پاسخ‌گویی به مسائل خمس، گفت‌وگویی را ترتیب دهیم که در پی می‌خوانید.

ضمن عرض سلام و تشکر از حضرتعالی، در ابتدا ارزیابی خودتان را در خصوص اهمیت پاسخ‌گویی به مسائل خمس بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. من هم محضر جناب عالی سلام عرض می‌کنم. ان شاء الله که خداوند توفیق بدهد همه‌ی ما جزو سربازان مخلص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم. از اینکه خداوند توفیق داد در محضر شما باشم و انجام وظیفه کنم خدا را شاکر هستم.





همان‌طور که فرمودید یکی از مباحث مهم در بحث احکام، مسأله‌ی خمس است. خمس را باید از چند جهت به آن نگاه کنیم و یکی از مهم‌ترین محورها، پاسخ‌گویی به مسائل خمس است. در خصوص اهمیت پاسخ‌گویی به مسائل خمس باید بگوییم که اولاً یک طلبه باید احکام خمس را کاملاً بداند تا بتواند پاسخ‌گوی مردم باشد، و جوری جواب بدهد که خدای ناکرده اموال مردم، اضافه بر خمس پرداخت نشود؛ از طرفی هم کمتر پرداخت نگردد.

و اما آنچه یک طلبه پیرامون احکام خمس باید بداند. ببینید، به‌طورکلی خمس از جمله موضوعات شرعی پرسؤال است. شبهات زیادی هم گاهی مطرح می‌شود. اولین سؤال یا اولین نکته این است که می‌گویند چرا آیات پیرامون خمس کم است؟ این را به عنوان یک نکته‌ی کلیدی، باید قابل پاسخ برای طلبه باشد.

ما در قرآن یک آیه به صراحت پیرامون خمس داریم. آن هم آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ...». اولاً در پاسخ چنین شبهه‌ای باید بگوییم برای وجوب یک واجب، نیاز به آیه نیست. برخی واجبات هستند که اصلاً آیه‌ای در قرآن ندارند. حالا در مقابل خمس، آیات مربوط به زکات، بسیار زیاد است. ۵۴ مورد بیش‌تر یا کمتر می‌گویند که درباره‌ی زکات، آیه در قرآن داریم. اما وجوب واجب، نیاز به آیه‌ی قرآن ندارد. طبق آیه‌ی هفتم سوره‌ی مباره‌ی حشر «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ...» یعنی اگر حتی این یک آیه‌ی قرآن هم وجود نداشت، باز هم ما باید به وظیفه‌مان عمل کنیم. هرچند آیات قرآن در یک سری از فروع مانند مسأله‌ی ارث یا مسأله‌ی زکات بیشتر وجود دارد، ولی نبود آیه هم ضرر به وجوب واجب نمی‌زند و حتماً شما دیده‌اید که بعضی از مردم این سؤال را مطرح می‌کنند. ولی برخی از واجبات هم آیه‌ای ندارد. مثلاً نماز آیات می‌خوانیم در حالی که آیه‌ای در قرآن در مورد آن نداریم. پس نبود آیه‌ی قرآن، ضرری به وجوب واجب نمی‌زند.

خداوند می‌فرماید این پیغمبری که به سوی شما فرستادیم از روی هوی و هوس حرف نمی‌زند، بلکه وحی است که ما به او فرو فرستادیم. از آن طرف هم در آیه‌ی دیگری





می فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ.» از مجموعه‌ی این‌ها به دست می‌آید که ما باید آن تکلیفی را که به عهده‌ی ماست، طبق آن عمل بکنیم.

اما روایات فراوان است. من یکی دو تا روایت را تیرگاً خدمت شما می‌خوانم. نقل است از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمودند: «لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی که درهمی از اموال ما را حلال بشمارد و آن را مصرف بکند.» آدرس آن هم وسائل الشیعه، در کتاب الخمس، باب سه، ابواب انفال است. در روایتی دیگر، امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: «خمس اموالتان را بدهید تا خداوند روزی شما را زیاد کند.» بعد امام علیه السلام فرمودند: «این کلام سختی است. جز افراد با ایمان انتخاب شده، تحمل آن را ندارند.» منبع این روایت هم کتاب شریف وسائل الشیعه، جلد نهم، صفحه‌ی ۴۸۴ است. ما روایات فراوانی در این زمینه داریم. در اصول کافی، کتاب الحجة، آن روایتی که مردی شیرازی نامه نوشت به محضر امام رضا علیه السلام که آقا از ما خمس نگیرید، حضرت فرمودند: «کلا کلا...» بعد نوشتند آنچه که خداوند واجب کرده به مصلحت شماست. تا می‌رسد به اینجا که حضرت می‌فرماید: «فان اخراجه مفتاح رزقکم» کلید روزی شما در پرداخت خمس است.

روایات در این باب، زیاد و مفصل است. امام صادق علیه السلام با این مضمون می‌فرماید که یکی از بدترین لحظات روز قیامت لحظه‌ای است که اربابان خمس به پا می‌خیزند و می‌گویند خدایا حق ما را از کسانی که مانع رسیدن ما به حق مان بودند، بگیر و به ما بده. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند خوردن مال یتیم حرام است. بعد می‌فرمایند و ما یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله هستیم.

### نظر کلی حضرتعالی در باب شبهات خمس چیست؟

ببینید، به طور کلی ما اگر بخواهیم در مورد شبهات خمس صحبت بکنیم، یک شبهه‌ی مهم، در اصل وجوب خمس است. بعضی‌ها نسبت به اصل خمس شک و شبهه دارند و سخنانی می‌گویند در حالی که این از مسلمات است. دوم، ادله‌ی تحلیل خمس است که این هم در جای خودش بحث زیادی دارد.





مورد دیگری که مردم نسبت به آن شبهه دارند و سؤال می‌کنند، مصرف خمس است. خمس کجا باید مصرف بشود؟ کجا مصرف می‌شود؟ ببینید زکات، کفارات، ردّ مظالم، این‌ها چون به ید مردم است، ملموس است و می‌دانند کجا مصرف می‌شود؛ پس سؤال هم نمی‌کنند. اما نسبت به خمس، سؤال زیاد است. مراجع، به غیر از مصرف خمس برای حوزه‌های علمیه، کارهای مفصلی با خمس انجام می‌دهند، ولی چون اطلاع‌رسانی نمی‌شود، مردم فکر می‌کنند تمام خمس صرف حوزه‌های علمیه می‌شود.

بنده یک بار خدمت حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی - دامت برکاته - همین مطلب را عرض کردم. ایشان فرمودند: بله درست است. حتی قرار بود یک نوشته‌ای را هم بنویسند که در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و جاهای دیگر ارائه بشود که مردم وقتی سؤال می‌کنند، بدانند که خمس در کجاها مصرف می‌شود و خدماتی که این مرجع عظیم‌الشأن با خمس در موارد غیرشهریه و غیرحوزه‌های علمیه انجام داده‌اند، چه بوده است، تا ما هم آن را داشته باشیم که به مردم اطلاع بدهیم که متأسفانه مصادف شد با شیوع بیماری کرونا و بعد هم کسالت ایشان پیش آمد و هنوز به دست ما نرسیده است. اما خوب است که این کار انجام بشود.

بعضی‌ها فکر می‌کنند خمس، مختصّ شیعه است. خیر، تمام مسلمانان خمس را دارند. ما مسلمانی که خمس نداشته باشد، نداریم. هم خمس، هم زکات از مسلمات است. اما بحث در این است که ما می‌گوییم در هفت مورد است، بعضی از اهل تسنن می‌گویند در چهار مورد است، بعضی‌هایشان می‌گویند در یک مورد است. ولی آنچه را ما در خمس مطرح می‌کنیم و برادران اهل تسنن مطرح نمی‌کنند، در زکات مطرح می‌شود.

اینکه برخی معتقدند خمس مربوط به صدر اسلام است را چگونه پاسخ می‌دهید؟

بله این مورد را هم بعضی‌ها معتقدند و می‌گویند خمس مال صدر اسلام بوده، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و برای زمان ما نیست. در حالی که این‌طور نیست و الان با صدر اسلام







فرقی ندارد. احکام الهی، صدر اسلام و بعد از آن، برای همیشه و در طول تاریخ با وجود شرایط جاری است. حج، زکات، خمس، کفارات و... استمرار دارد. این نیست که مال یک مقطع زمانی خاصی باشد.

نظرتان در خصوص پاسخ‌گویی شرعی در مسائل خمس چیست؟

بله. ملاحظه بفرمایید یک مسأله‌ی اساسی در بیان احکام خمس و پاسخ به مسائل آن، اختلاف فتاوی‌ای مراجع عظام تقلید در باب خمس است که متأسفانه در بعضی مواقع، برای مردم قابل هضم نیست، قابل حل نیست. من این را در قالب یک خاطره‌ی کوچکی جواب می‌دهم.

یک بار یادم هست دو بزرگواری آمده بودند به حرم حضرت معصومه علیها السلام دفتر پاسخ به سؤالات شرعی. هر دو پاسدار بازنشسته بودند. اولی سؤال کرد: آیا پاداش، خمس دارد یا نه؟ عرض کردم: مقلد کدام مرجع هستید؟ گفت: مقلد حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. دامت برکاته. گفتم: خمس ندارد. خوشحال شد و رفت. نفر دوم که رفیق همین آقا بود، از یک شهری آمده بود. وقتی سؤال کرد، گفتم: مقلد کدام یک از مراجع هستید؟ گفت: مقلد حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی. دامت برکاته. به او گفتم: اگر تا سرسال مصرف نشود خمس دارد. خیلی جا خورد! گفت: خدای ما یکی، دین ما یکی، پیغمبر یکی، قرآن یکی. من به شوخی گفتم: حتی نام مرجعتان هم یکی است. هر دو آقا سید علی است. اما در این مسأله با همدیگر تفاوت نظر دارند.

از جمله موارد انتخاب مرجع همین است که هرکس باید طبق نظر و وظیفه شرعی خودش عمل بکند. بعضی از مراجع می‌گویند پس انداز برای ضروریات، خمس ندارد. بعضی‌ها می‌گویند دارد. برخی می‌فرمایند هدیه خمس ندارد. برخی دیگر می‌گویند هدیه، خمس دارد. ببینید کاملاً برعکس، یعنی تفاوت نظر شدید است. صد درصد در مقابل هم. ۱۸۰ درجه مقابل هم. این است که بعضی مواقع این اختلاف فتاوا برای مردم قابل هضم نیست و نمی‌توانند این را حل بکنند.





در نحوه‌ی بیان احکام خمس چه ارزیابی‌ای دارید؟

بله، ما طلاب وظیفه‌مان است مسائل شرعی را برای مردم بگوییم. اما جوری هم بیان نکنیم که فکر کنند خمس برای جیب خودمان است و خدای ناکرده این جور فکر نکنند! تبلیغات در فضای مجازی و غیرمجازی یا خارج کشور، علیه مواجب الهی زیاد است. خیلی دقت کنید. از هر طرف تبلیغات سوء می‌شود. حتی بعضاً می‌بینید متدینین هم گرفتار این تبلیغات می‌شوند. می‌خواهد خمسش را بدهد، می‌گوید آقا می‌خواهم کمک به فقرا بکنم. می‌گویم خُب چرا از اموال خودت کمک نمی‌کنی؟ چرا از مال دیگران می‌خواهی کمک بکنی؟! یک آقایی یک بار مراجعه کرد به من، گفت من سی میلیون خمس دارم و همه‌اش را می‌خواهم بدهم به فقرا. گفتیم آیا واقعاً به فکر فقرا هستی؟ گفت بله. گفتم چرا از جیب خودت پرداخت نمی‌کنی؟ گفت این خمس خودم است. می‌خواهم این را به فقرا بدهم. گفتم واقعاً وظیفه‌ی شرعی‌ات اگر پرداخت خمس است بدهکاری هم نداشته باش. خمس را ما باید تقدیم بکنیم، وظیفه‌مان این است. حال آنچه که مرجع اجازه می‌دهد در سطح جامعه ما می‌توانیم در موارد مقرر هزینه بکنیم. اما اینکه من نوعی وقتی می‌خواهم هزار تومان خمس بدهم هزار تا شبهه برایم ایجاد می‌شود، کنکاش کنم که این‌ها را کجا می‌برند، این‌ها را باید از ذهن خارج کرد. ما تکلیفمان عمل به وظیفه است، نه چیز دیگر. یا مثلاً مورد بعدی این است که مردم فکر می‌کنند اگر آمدند حساب و کتاب خمس بکنند، کلی بدهکار می‌شوند و باید پرداخت کنند و از ترس همین مسأله، نمی‌آیند. نه اصلاً! ما باید برای مردم توضیح دهیم که اگر سال خمسی داشته باشند، غالباً چیزی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. مشکل در جایی است که افراد، سال خمسی ندارند و بعد این برایشان دردسر می‌شود. نیاز به مصالحه و این‌ها دارد.

در خصوص دقت در پاسخ‌گویی و رعایت ظرافت در پاسخ به سؤال شرعی خمس چه نظری دارید؟

بله، یکی از مشکلات مبتلابه، اشتباه پاسخ دادن به سؤالات شرعی است که ما خیلی باید مواظب باشیم سؤالات مردم را پیرامون خمس دقیق و مطابق با نظر مرجع تقلید جواب



بدهیم. شخصی در حرم حضرت معصومه علیها السلام نزد من آمد و سؤال کرد: آقا بنده یک خانه دوطبقه دارم که از اول هم آن را به قصد سرمایه‌گذاری خریده بودم اما حالا می‌خواهم آن را وقف کنم. خمسش چه می‌شود؟ خب در نگاه اول، می‌بینید اولاً سرمایه است، ثانیاً در آن زندگی هم نکرده، پس مؤونه نشده، لذا خمسش را باید بدهد. اما وقتی از او سؤال کردم که پول این از کجا آمده؟ گفت: من کارمند اداره‌ای بودم و به من پاداش دادند و مقلد حضرت امام خمینی رحمته الله علیه هستم. حضرت امام می‌فرمایند خمس ندارد. یعنی یک جواب ما می‌تواند ده‌ها میلیون تومان از جیب مردم خارج بکند یا نکند! پس باید حواسمان جمع باشد تا مطابق با نظر مرجع تقلید، آنچه را که مطرح کردند ما جواب بدهیم. حالا اگر کسی دنبال دلیل بود، باید ارجاعش بدهیم به دفاتر، برو از دفتر سؤال کن، مبنای مرجع را یاد بگیر.

یکی از مسائل مهم مربوط به خمس، تعیین سال خمسی است. در این باره توضیح می‌فرمایید؟

بله، یکی از سؤالات این است که سال خمسی چطور معین می‌شود؟ اگر در عروه الوثقی، جلد دوم، مسأله‌ی ۶۰ را ملاحظه بفرمایید، توضیح داده شده است. آغاز سال خمسی، برای کسانی که درآمد تدریجی روزانه دارند مانند تاجر و کاسب، از زمانی است که شروع به کار می‌کند. یعنی شروع می‌کند به حقوق گرفتن. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، مقام معظم رهبری، حضرات آیات بهجت رحمته الله علیه، فاضل رحمته الله علیه و صافی رحمته الله علیه، و اکثر مراجع عظام تقلید، نظرشان این است. یعنی چه؟ ما به‌طور کلی اگر بخواهیم بگوییم، اولین درآمد برای کشاورز اولین برداشت محصول، برای کارگر اولین دستمزد، برای کارمند اولین حقوق، ملاک تعیین سال خمسی‌شان است.

اما بعضی از مراجع عظام تقلید مانند آیت‌الله العظمی سیستانی می‌فرمایند اولین روز کاری، سال‌روز خمسی است. یعنی الان اگر من امروز شروع به کار کرده باشم، بر مبنای نظر حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی، امروز سال خمسی من است. اما بر مبنای نظر حضرت امام، مقام معظم رهبری و آیت‌الله العظمی مکارم، می‌شود اولین درآمد. یعنی اگر ۶ ماه بعد،



اولین حقوق من را دادند، اولین درآمد من می‌شود سال خمسی من. و طبق آن باید برای ختم حساب و کتاب بکنم و با گذشت یک سال، اگر چیزی از درآمد من باقی ماند، خمس آن را، یک پنجم درآمدم را باید پرداخت بکنم. اگر چیزی باقی نماند و مصرفش کردم، اینجا چیزی به عهده‌ی من نیست. پس اولین درآمد می‌شود سال خمسی، طبق نظر مشهور. اما طبق نظر آیت‌الله العظمی سیستانی اولین روز کاری ملاک است.

### ثمره‌ی این مسأله چیست؟

بله، ثمره‌ی این مسأله این است که اگر بنده امروز شروع به کار کردم و شش ماه دیگر اولین حقوق مرا دادند، مقام معظم رهبری می‌فرمایند از شش ماه بعد که حقوق را دادند، سال خمسی را رو به جلو ببرید. اما مثل حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی می‌فرمایند نه، همین امروز سال خمسی شما شروع شده و آن را ادامه بدهید.

حالا این سؤال پیش می‌آید که آیا واجب است سال خمسی قری باشد، یا واجب است شمسی باشد، یا فرقی ندارد؟ اولین درآمد من مثلاً ۱۰ خرداد بوده، مطابق بوده با ۱۵ شعبان. آیا شعبان را باید جلو بروم یا خرداد را؟ مشهور مراجع ما از جمله حضرت امام، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، حضرت آیت‌الله العظمی مکارم و حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی می‌فرمایند فرقی ندارد، شما می‌توانید قری جلو بروید یا طبق سال شمسی. هرچند قری مستحب است و این استحباب را دارد.

یک مبنای دیگر داریم و آن اینکه بعضی از مراجع احتیاط دارند قری باشد. بعضی از مراجع مثل حضرت آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله علیه می‌فرمایند اگر درآمد مطابق با سال شمسی است، مثل کشاورزها، می‌توانند طبق شمسی پیش بروند. اما درآمدی که شمسی و قری آن فرقی ندارد احتیاط بر این است که طبق سال قری جلو برود.

### آیا سال خمسی را می‌توان تغییر داد؟

این هم سؤال خوبی است. ببینید مثلاً سال خمسی من نیمه‌ی شعبان است. برای



اینکه اشتباه یا فراموش نشود، یک مناسبت را در تقویم به عنوان سال خمسی در نظر گرفته‌ام. فرض کنید سال خمسی مراجعه کننده‌ی من و شما نیمه‌ی شعبان است. یک وقت است که می‌خواهید آن را بیاورید به مثلاً ۱۳ رجب، این را می‌گویند تقدیم. اما یک وقت می‌خواهید ببرید اول شوال، این را می‌گویند تأخیر. طبق نظر مشهور مراجع عظام تقلید، تقدیم اشکالی ندارد. من به جای نیمه‌ی شعبان، سیزده رجب را قرار بدهم. البته قبلاً مقام معظم رهبری قیودی داشتند که این کار نباید برای فرار از خمس باشد و به ضرر ارباب خمس نباشد. اما این را مراجع دیگر ندارند.

اما نسبت به تأخیر، سه تا کار باید انجام بدهیم. اول، نیمه‌ی شعبان که رسید، حساب و کتابم را انجام بدهم و پرونده‌ام را ببندم و تمام. دوم، آن تاریخ جدیدی که مثلاً اول شوال را انتخاب کرده‌ام تا به عنوان سال خمسی من باشد، یک اجازه از دفتر یا نماینده‌ی مرجع تقلید خودم می‌گیرم. و سوم، این حد فاصل نیمه‌ی شعبان تا اول شوال اگر درآمد جدیدی حاصل شد، خمس آن را پرداخت می‌کنم. حالا سال خمسی من از امسال می‌شود اول شوال و من دیگر کاری با نیمه‌ی شعبان ندارم. این پاسخ مسأله‌ی شما بود.

درباره‌ی فراموش کردن سال خمسی چه پاسخی دارید؟

سؤالی که زیاد مطرح می‌شود این است که افرادی که سال خمسی داشته‌اند و فراموش شده، چه کار باید بکنند؟ مطابق با احتیاطش این است که به دفتر یا نماینده‌ی مرجعشان زنگ بزنند یا مراجعه کنند و آن تاریخی را که احتمال می‌دهند درست باشد، با اجازه‌ی آن‌ها، همان تاریخ را قرار بدهند. اما اگر به نتیجه‌ی کلی نرسیدند یا هیچ تاریخی در ذهنشان نبود، با اجازه‌ای که از دفتر مرجع می‌گیرند، سال خمسی‌شان را در همان روز مراجعه به دفتر قرار بدهند. آخرین زمانی که احتمال می‌دهند یا مدتی را که احتمال می‌دهند، همان را بنا به فتوای بعضی مراجع عظام، عمل بکنند.

اما کسانی که تا حالا سال خمسی نداشته‌اند، اصلاً اهل حساب و کتاب نبوده‌اند، فرد مسلمان بوده، نماز می‌خوانده، شیعه بوده، مجالس اهل بیت علیهم‌السلام هم می‌رفته، اما متأسفانه



اهل حساب و کتاب خمس کلاً نبوده است. این فرد چه کار کند؟ کسانی که تا حالا سال خمسی نداشته‌اند چه کار باید بکنند؟

اموال این افراد سه صورت دارد: یا یقین دارد که سال بر آن گذشته، یقین دارد و می‌داند سال بر آن گذشته ولی برده و آن را خرج کرده. طبق نظر حضرت امام، مقام معظم رهبری، آیت‌الله العظمی سیستانی و آیت‌الله العظمی مکارم، باید خمسش را بدهد. اما اگر یقین دارد که سال نگذشته، از درآمدش بوده، فرد اهل خمس نبوده ولی می‌داند که مثلاً اولین درآمدش در نیمه‌ی شعبان بوده، خمس هم نمی‌داده، از درآمد بعد از نیمه‌ی شعبان تا قبل از نیمه‌ی شعبان سال بعد، آمده یک چیزی را تهیه کرده، ماشینی را خریده، خانه‌ای را خریده، این هم خمس ندارد. اما یک سری اموال مشکوک هم دارد که نمی‌داند سال بر آن گذشته یا نه. منظور از سال که اینجا مردم اشتباه می‌کنند ۳۶۵ روز نیست! منظور سال خمسی است. ممکن است دیروز سال خمسی من بوده، من پریروز یک چیز خریده باشم. طبق نظر این چهار مرجع بزرگوار این می‌شود سال گذشته. دو روز گذشته، یک هفته گذشته، اما سال بر آن عبور کرده، به همین می‌گویند سال گذشته و خمس آن را اگر مانده باشد، باید پرداخت بکند.

حالا موارد مختلف هست. مثلاً دفتر مقام معظم رهبری اموال مشکوک را، آنکه مؤونه شده، می‌فرماید یک بیستم خرید به علاوه نرخ تورم. سرمایه‌ی در چرخش را می‌فرماید خمسش را بدهد. حضرت آیت‌الله العظمی مکارم نسبت به آنچه که مؤونه شده، می‌بخشند؛ اما سرمایه را می‌گویند خمسش را بدهد. حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی هم می‌فرماید سرمایه خمس دارد، اما نسبت به مؤونه می‌فرماید به حدس و گمان خودتان مراجعه کنید. هر چه که شما حدس و گمانتان باشد، همان کفایت می‌کند و مشکلی ندارد.

پس اینجا نیاز دارد که ما به دفتر مرجع یا نماینده‌ی مرجعمان مراجعه کنیم و ببینیم صلاح در چیست. طبق آنچه که گفته‌اند، سال خمسی خودمان را قرار می‌دهیم. یک بار است که اولین درآمد را می‌دانیم، طبق همان عمل می‌کنیم. اولین درآمد را نمی‌دانیم، می‌پرسیم. از آنچه که دفتر یا نماینده‌ی مرجع به ما اجازه داد، همان را سال خمسی قرار





می‌دهیم و ادامه می‌دهیم و هر سال بر حسب همان، حساب و کتاب می‌کنیم و جلو می‌رویم.

پس به‌طور کلی، کسانی که اهل خمس نبوده‌اند، دو صورت است: یا اولین درآمد را می‌دانند، یا اولین درآمد را نمی‌دانند. پس اگر اولین درآمد را می‌دانند، همان، سال خمسی‌شان است. اگر اولین درآمد را نمی‌دانند، با دفتر یا نماینده‌ی مرجع تقلید خودشان صحبت کنند و یک روزی را به عنوان اولین روز سال خمسی‌شان، قرار دهند و طبق همان، عمل کنند.

در پایان، به عنوان جمع‌بندی مطالب امروز، منبع یا منابعی برای پاسخ‌گویی بهتر در زمینه‌ی احکام خمس، معرفی می‌فرمایید؟

بله، منابعی که برای مطالعه‌ی دقیق جهت آمادگی بیشتر در زمینه‌ی پاسخ‌گویی مسائل خمس می‌توان معرفی کرد، عروة الوثقی، کتاب خمس است که برای پاسخ‌گویی دقیق، باید حداقل یک دور آن را مطالعه کرد. و اگر برای طلاب پاسخ‌گو مقدر باشد، مباحثه هم بشود خوب است. تحریر الوسیله‌ی حضرت امام رحمته‌الله علیه و منهاج هم فراموش نشود. استفتائات هر مرجع هم منتشر شده است و هر مرجعی استفتائات جداگانه دارد. مبنای آقایان با هم مختلف است. من می‌خواهم مقلد حضرت آقا را جواب بدهم بر مبنای استفتائات خودش باید جواب بدهم.

کتاب «خمس، چالش‌ها و راهکارها»، دفتر تبلیغات استان خراسان رضوی این را آماده کرده و در قم چاپ شده. هر کجا بروید خیلی از این شبهاتی که مردم می‌پرسند آنجا پاسخ داده شده است. سایت هر مرجعی را هم شما می‌توانید مراجعه کنید و استفاده بکنید.

مطلب آخر، آقای دکتر «جباری» هم تاریخ خمس را در رادیو معارف بیان کرده‌اند. الان هم موجود است. نامه‌هایی که پیغمبر فرستاده و از غیر غنائم خمس دریافت کرده، این بزرگوار بررسی کرده‌اند و این هم قابل استفاده است.





خیلی ممنون و متشکریم که در گفت‌وگوی ما شرکت کردید.  
من هم از شما و همکاران محترمتان تشکر می‌کنم. ان شاء الله که خداوند توفیق یادگیری و  
عمل به احکام الهی را به همه‌ی ما عنایت کند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.







## آسیب‌شناسی اخلاقی اخذ وجوهات شرعی با تأکید بر خمس

اشاره

«حجت‌الاسلام والمسلمین محمود لطیفی» دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم و نجف اشرف و از اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم است که تحصیلات حوزوی خود را نزد اساتیدی همچون حضرات آیات: «میرزا هاشم آملی»، «فاضل لنکرانی»، «ناصر مکارم شیرازی»، «حسین وحید خراسانی» و «شهید مرتضی مطهری» به انجام رسانده و با مراکز و نشریات علمی حوزه، از جمله مجله‌ی «حکومت اسلامی» و «مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم» همکاری داشته است. ایشان علاوه بر تدریس دروس حوزوی و دانشگاهی، تا کنون چندین عنوان کتاب و مقاله در رشته‌های اخلاق و معارف اسلامی به رشته‌ی تحریر درآورده است. آثاری چون «مبانی ولایت و اختیارات ولی فقیه در عصر غیبت»، «سیره‌ی علوی»، «عبادت برتر و اسرار آن»، «مبانی عدالت اجتماعی» و «عدالت در سیره‌ی علوی» برخی از این آثار است. در این شماره از فصل‌نامه، گفت‌وگویی در خصوص آسیب‌شناسی اخلاقی اخذ وجوهات شرعی با تأکید بر خمس انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

با سلام و احترام محضر حضرت‌عالی و ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار فصل‌نامه‌ی علمی تخصصی خمس پژوهی قرار دادید. امروز و در این گفت‌وگو، با موضوع آسیب‌شناسی اخلاقی





اخذ وجوهات، به ویژه خمس در محضر حضرتعالی هستیم. تقاضا داریم در ابتدا مطالب کلی خودتان را در این موضوع بیان بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و على آله الطيبين الطاهرين و لعن الدائم على اعدائهم اجمعين. خدمت شما و همکاران محترم و معززتان عرض سلام و خوشامد دارم. موضوعی که به خوبی مطرح فرمودید، در واقع بحث در رابطه با آداب اخذ وجوهات شرعی از جمله و آفات آن است که اساساً تفصیل اخلاق اخذ وجوهات است.

برای بخش اول مسأله، ابتدا باید مروری داشته باشیم برزوی طلبگی یا به تعبیر ساده‌تر، بگویم شناسنامه‌ی طلبگی. زیرا عامل دریافت خمس طلبه است. بنابراین ابتدا باید در این خصوص صحبت کنیم که طلبه به عنوان عامل اخذ این وجه شرعی کیست؟ ما اگر به خودمان توجه داشته باشیم و احادیثی را که گاهی به زبان می‌آوریم ولی پیامدهایش را تصور نمی‌کنیم یا فراموش می‌کنیم، این حدیث معروف «العلماء ورثة الانبياء»؛ خب این «ورثة الانبياء» بودن، باید خودمان را در جایگاه وارثان پیامبران مورد محاسبه قرار دهیم. پیامبران وظیفه‌شان چه بوده؟ خصوصیتشان، شناسنامه‌شان چه بوده؟ که امروز ما با تکیه بر نام آنان انجام وظیفه می‌کنیم و میراث‌دار ایشان هستیم.

قرآن کریم در سوره‌ی مبارکه احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» بنابراین اولین ویژگی، اولین خصوصیت این است که ما خودمان را وارثان پیامبران حساب بکنیم و پیامبران را خداوند این‌گونه معرفی می‌کند. مردم به ما می‌گویند که این‌ها لباس پیغمبر ﷺ را برتن دارند و اولین مدرسه آموزشی ما هم مسجدالنبی پیامبرگرامی اسلام ﷺ در مدینه‌ی منوره بوده. کلاس‌های درس و آموزشی که اصحاب در محضر پیامبر ﷺ آموخته بودند و نیز کلاس‌ها و جلسات درسی که اصحاب برای دیگران می‌گذاشتند و آنان را آموزش می‌دادند، در همین مسجدالنبی ﷺ بوده است. اولین مدرسه‌ها و حوزه‌های علمیه در مسجدالنبی ﷺ شروع شد. الان، هنوز هم که هنوز است، همان سابقه را ما حفظ کرده‌ایم و بیشتر کلاس‌های درس عمومی و



بزرگ ما در مساجد برگزار می‌شود. خب این هم دو نکته، وارثان پیامبران هستیم و محل آموزش ما مسجد و عبادتگاه خدا است.

و نکته‌ی سوم، خودمان هم ادعایمان این است که می‌گوییم ما شاگردان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هستیم. سربازان حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام هستیم. عنوان اجتماعی که برای خودمان انتخاب می‌کنیم، می‌گوییم حجت الاسلام هستیم، حجت الاسلام والمسلمین هستیم. به تعبیر دیگری یعنی رفتار ما، گفتار ما، حرکت ما، همه‌ی اعمال ما، برای دیگران حجت است. فردای قیامت اگر فردی از سیره و رفتار ما، اخلاق بدی را یا شکل نامناسبی را آموخته باشد، ما را پیش خداوند تبارک و تعالی به‌عنوان حجت ذکر می‌کند. پس ببینید این‌ها همه شناسنامه‌ای برای ما به وجود می‌آورد که این طلبه این خصوصیات را دارد، این سابقه را دارد، مرکز آموزشی‌اش این است، عنوانش این است، پوشش‌اش این است و این جایگاه را دارد. این یک خلاصه‌ای در رابطه با این شناسنامه‌ی طلبگی.

خب مرام طلبه‌ها چیست؟ این شناسنامه، چه مرامی، چه ویژگی‌هایی دارد؟ قبل از اینکه من به چند تا آیه اشاره بکنم، خوب است اشاره بکنم خطبه‌ی ۱۶۰ نهج البلاغه را که حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَام در رابطه با دعوت به تأسی از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌فرماید. خیلی خطبه‌ی عجیبی است. چون مفصل است من وقت حضرت‌تعالی را نمی‌گیرم. تا اینجا که می‌فرماید: «فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَكْطَبِ الْأَطْهَرِ» به مخاطبشان که ما باشیم، می‌فرماید که تأسی به پیامبری که هم پاک و پاکیزه است. بعد از چند جمله باز می‌فرماید که «عُرِضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا» دنیا به او عرضه شد، دنیا را در اختیارش گذاشتند اما از قبولش امتناع کرد؛ «عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَبْغَضَ سَيِّئاً فَأَبْغَضَهُ» چون دانست که خداوند از دنیا متنفر است. یعنی دنیا مورد نظر خداوند نیست. مورد توجه خداوند نیست. لذا از دنیا متنفر شد. دنیا مورد تنفرش قرار گرفت «فَأَبْغَضَهُ وَحَقَّرَ سَيِّئاً فَحَقَّرَهُ» چون دید که دنیا در نظر خداوند حقیر و بی‌ارزش است، خب پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم آن را حقیر و بی‌ارزش شمرد. باز بعد از چند جمله‌ی دیگری فرماید: «لَقَدْ كَانَ صَليُّ اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَأْكُلُ عَلَى الْأَرْضِ» روی زمین می‌نشست، غذا روی زمین می‌خورد. «وَيَجْلِسُ حِلْسَةَ الْعَبْدِ» وقتی می‌نشست هم مثل برده‌ها می‌نشست. «وَيَخِصِفُ يَدَيْهِ نَعْلَهُ» با دست مبارک خودش



کفشش را که پاره می شد، وصله می زد. «وَيَرَقَعُ بِيَدِهِ نَوْبَهُ» با دست خودش عبای خودش را، قباى خودش را وصله می زد. «وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَارِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ» به جای اینکه اسبی سوار بشود، آن زمان اسب برای بزرگان بود، اما پیغمبر ﷺ، استردرازگوش سوار می شد. تازه یکی هم پشت ترک خودش سوار می کرد. حالا این را شما مقایسه کنید. گاهی وقت ها می بینید که بعضی ها مثلاً ماشین در اختیارشان است، عارشان می آید رفیقشان را یا همراهشان را سوار ماشین خودشان بکنند. «وَيَكُونُ السِّرُّ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ» این مسأله قابل دقت است.

منظور حضرتعالی ساده زیستی و لزوم آن است؟

بله دقیقاً. یکی از همسران ایشان پرده ای را که ظاهراً جزء غنایم بوده می آورد و در خانه ایشان می آویزد. خب بعد تقسیم غنایم، این هم به این خانواده می رسد. او هم پرده را آویزان کرده در خانه. این پرده نقش و نگار دارد. «وَيَكُونُ السِّرُّ عَلَى بَابِ بَيْتِهِ فَتَكُونُ فِيهِ التَّصَاوِيرُ» نقش و نگاری داشت، «فَيَقُولُ يَا فَلَانَةُ» حضرت به خانمش فرمود که فلانی، «غَيْبِيهِ عَنِّي» این را از چشم من پنهان کن. «فَإِنِّي إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَزَخَّارِفَهَا» وقتی نگاهم به این پرده می افتد و به زیبایی و نقش و نگار این پرده که می افتد، توجهم به دنیا جلب می شود و زیورهای دنیا من را متوجه خودش می کند. ببینید این پیغمبر ﷺ است که به نظرما، باور ما این است که او معصوم ﷺ است و در برابر هیچ موضوع غیرالهی، حتی وجود مبارکش، نفس مبارکش حرکت نمی کند. اما بالاخره باید زمینه را آماده کرد، زمینه را مهیا کرد. یعنی زمینه های گناه را هم باید از جلوی چشم دور کرد. «إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَزَخَّارِفَهَا» بعد باز می فرماید که «لَمْ يَضَعْ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ» پیغمبر ﷺ سنگی روی سنگ نگذاشت. یعنی خانه ای برای خودش درست نکرد «حَتَّى مَضَى لِسَبِيلِهِ» تا از این دنیا رفت.

این مسأله در زندگانی حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام نیز وجود دارد؟

بله حضرت امیر عليه السلام خودشان در کوفه که بودند یک جمله ی جالبی دارند. می فرماید



که آی مردم کوفه، ببینید من از بیت المال شما هیچی استفاده نمی‌کنم. این چیزی است که غله من است. نان روزانه‌ام را، هزینه سالیانه‌ام است. مخارج روزانه‌ام است که از آن باغ‌ها و زمین‌های بایری که در طول آن ۲۵ سال درست کرده بود و از آنجا برایش هزینه‌ی زندگی‌اش می‌آمد.

باز حضرت امیر علیه السلام در ادامه می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَقَدْ رَقَعْتُ مِدْرَعَتِي هَذِهِ حَتَّى اسْتَحْيَيْتُ مِنْ رَاقِعِهَا» این عبای خودم را این قدر وصله زدم، پیش خیاط که وصله زده، حالا دیگر از او خجالت می‌کشم که دوباره به او مراجعه کنم، از بس دیگر همه جایش وصله‌ای شده. این در خطبه‌ی ۱۶۰ است.

نامه‌ی ۴۵ نهج البلاغه را حتماً ملاحظه فرموده‌اید. نامه‌ای که حضرت علی علیه السلام به «عثمان بن حنیف» می‌نویسد. می‌شنود که او رفته در یک مهمانی و پذیرایی تشریفاتی شرکت کرده و او را مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهند. آدم مطالعه کند آن نامه را و خودش را مورد خطاب حضرت قرار بدهد که ما هم برسر این سفره‌ها گاهی شرکت می‌کنیم. گاهی هستیم متاسفانه.

آیه می‌فرماید در رابطه با مرام و خصوصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» پیامبری از جنس خودتان، از میان خودتان، «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» زحمت‌های شما، رنج و مصیبت شما برای او سخت و گران است. «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» به ایمان شما، به زندگی خوب شما، به رشد و کمال شما، به فلاح و رستگاری شما حریص است و خیلی عنایت دارد، توجه دارد. «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» نسبت به مؤمنین مهربان است. نسبت به مؤمنین رؤوف است.

خب، بنا شد که ما جانشین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم باشیم. وارث پیغمبر باشیم. یعنی نسبت به مردم، نسبت به مراجعه‌کنندگان خودمان، حالا خصوصاً در گرفتن وجوهات از مردم و به‌طور کلی در تبلیغ‌مان، وقتی که ما جایی می‌رویم برای تبلیغ و خمس و زکات مردم را می‌گیریم، این آیه‌ی مبارکه ۱۲۵ و ۱۲۸ سوره‌ی مبارکه توبه است. یک آیه به آخر سوره‌ی توبه می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» خودمانی باشیم با مردم. دوست باشیم با



آن‌ها. جزء آن‌ها هستیم، پس از جنسشان باشیم. خودمان را مبدا یک سروگردن از آن‌ها بالاتر بگیریم. خصوصاً وقتی می‌خواهیم از ایشان وجوهاتشان را مطالبه کنیم. «عَزِيزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ» مشکل مردم، زحمت مردم، رنج مردم برای ما سخت و ناگوار باشد. «حَرِيصٌ عَلَیْكُمْ» تا آخر.

در خصوص دوری از چشم داشت مالی در اخذ وجوهات مالی چه ارزیابی‌ای دارید؟

این راه هم می‌توان از زندگی انبیای الهی به ویژه زندگانی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتخاذ کرد. از ویژگی‌های دیگر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که خیلی مهم است و قرآن خیلی بر آن تأکید کرده، اجر نخواستن از مردم است. حدود ۱۴ آیه با بیانات مختلف این را ذکر کرده. یعنی ۱۴ بار! قرآنی که این همه می‌خواهد خلاصه باشد که تاریخ زندگی بشر را تأمین کند، ۱۴ بار این را تکرار می‌کند: «ما اسئلكم علیه من اجر»، «ما اسئلكم علیه من اجران اجری الاعلی رب العالمین». در سوره‌ی شعرا چهار، پنج مورد آمده. همین عین این عبارت «ما اسئلكم علیه من اجر...» و یکی یکی پیامبران را اسم می‌برد. حضرت نوح است، حضرت هود است، و... تک تک پیامبران را که اسم می‌برد عنوانشان این است «ما اسئلكم علیه من اجران اجری الاعلی رب العالمین»، من از شما پاداشی نمی‌خواهم، من از شما توقع مادی ندارم، نیامده‌ام مزدم را از شما بگیرم. آیه ۱۰۹ و ۱۳۷ و ۱۴۵ و ۱۶۴ است. آیه ۱۸۰ سوره‌ی شعرا همین یک آیه تکرار شده است. در سوره‌ی انعام می‌فرماید که «قل لا اسئلكم علیه اجرا ان هو الا ذکر للعالمین» ای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به مردم بگو که من از شما پاداشی نمی‌خواهم. این قرآنی که آوردم برای تذکره‌ی جهانی است. بعد در سوره‌ی یونس باز می‌فرماید: «فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِي اِلَّا عَلَى اللّٰهِ»؛ به حرف من گوش دهید. توجه کنید. من که از شما پاداشی نخواستم. از شما مزدی نخواستم. چرا بی‌اعتنایی می‌کنید؟ رد می‌شوید و خیال می‌کنید که من از شما توقعی دارم؟ من که از شما مزدی نمی‌خواهم، بلکه «اِنْ اَجْرِي اِلَّا عَلَى اللّٰهِ» اجر و پاداش من برعهده‌ی خداست.

از زبان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام می‌گویید. در سوره‌ی هود باز می‌فرماید که «ما سئلتکم منْ



أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»؛ کلام از زبان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام است. در سوره یونس «فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ»؛ اگر رو برگردانید من که از شما مزدی نخواستم «إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ». باز می فرماید: «يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ»؛ ای قوم من، من از شما پاداشی نمی خواهم. اجرو پاداش من بر خدا است. باز از زبان پیامبر خاتم سَلَّمَ در سوره یوسف می فرماید که: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»؛ مثل همان آیه قبل، شما از آن ها مزدی نخواستید که، این ذکر است برای همه ی جهان. این آیه و این آیات قرآن برای تذکر است. برای هشدار است، برای همه ی جهان. در سوره فرقان می فرماید که: «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا»؛ اجری از شما نمی خواهم. توقعم فقط این است که راه را درست انتخاب کنید. راه درستی را پیش بگیرید. در سوره سبا، «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ»؛ می گوید اگر مزدی خواستم، اگر مزدی به من دادید هم برای خودتان. بخشی از آن با خودتان باشد، مبارک خودتان باشد. «إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ»؛ من اجرم را از خدا می گیرم. من از شما توقعی ندارم.

در سوره یس می فرماید که «اتبعوا». ببینید این نکته ی مهمی است که مردم دنبال کدام روحانی می روند، دنبال کدام مبلغ می روند، دنبال کدام طلبه می روند. «اتبعوا من لا يسألکم أجرا»؛ آن مؤمن فرعون، وقتی که می آید این پیامبران را معرفی کند، به مردم می گوید این که آمده از شما توقعی ندارد. مزدی که از شما نمی خواهد. «اتبعوا من لا يسألکم أجرا»؛ از کسی تبعیت کنید که از شما پاداشی را نمی خواهد. توجهی به دنیا ندارد. به پاداش شما اعتنایی ندارد «و هم مهتدون»؛ خودش هم هدایت شده است.

یا در سوره صاد، «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»؛ این هم نکته ی مهمی است. در واقع این خودش یکی از ویژگی های مشخص پیامبران است که ما طلبه ها باید به آن توجه کنیم. «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»؛ همان ادامه ی آیات دیگر. مثل آیات دیگر «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»؛ من آنچه را که دارم انجام می دهم تکلف از روی تصنع و ادا درآوردن نیست، آنچه که بیان حقیقت می کنم، آنچه که دعوت به خیر می کنم، این ها برای خاطر



اینکه خودم را جا بیندازم نیست، برای این است که در واقع حقیقتی است که برای شما بیان می‌کنم.

فرق است بین اینکه انسان دعوت به بهشت کند، از جهنم هشدار دهد که حقیقتی است، یا برای اینکه صرفاً مردم را بترساند یا مثلاً تشویق بکند. نه با بیان شیرین یا اینکه بیان هشداردهنده باشد. نه، من حقیقت را دارم می‌گویم: «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»؛ تا آخر این آیه که «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ این تنها اجری است که در مورد حضرت رسول اکرم ﷺ آمده. در سوره‌ی مبارکه‌ی شوری است که من از شما پاداشی نمی‌خواهم جز مودت اهل بیت علیهم‌السلام را، آن‌هایی که خودشان هم در راه تبلیغ دین بودند که اکنون ما تابع آن‌ها و پیرو راه آن‌ها هستیم. این‌ها همه برمی‌گردد به آن مرام طلبگی. اگر یک طلبه می‌خواهد در جامعه، حرفش، کلامش، سخنش و گفتارش مفید باشد، مؤثر باشد، باید این خصوصیات را داشته باشد.

این خصایص را به عنوان عنصری مهم در راستای رسالت طلبگی در اخذ وجوهات و خمس، چگونه تبیین می‌فرمایید؟

بله، ما یک مقداری در این موارد وظیفه‌ها را گفتیم. ولی حالا باز یک اشاره مختصری هم بکنیم به وظیفه‌ی طلبه‌ها. وظیفه‌ی طلبه چیست؟ حدود ۵۰ تا آیه در قرآن با کم‌وبیش در رابطه با ارسال رُسل آمده که خداوند با این، با همین کلمه‌ی «ارسلنا»؛ ما پیامبران را فرستادیم تا این کار را انجام بدهند، که مفصل است، یکی دو مورد را عرض می‌کنم که «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ»؛ این آیه‌ی مشهوری است که همه‌مان هم می‌دانیم. بارها هم شاید این را در منبرها و در جلسات مختلف گفته‌ایم. «أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ»؛ از میان شما پیامبری از خود شما فرستادم که «يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا»؛ این وظیفه‌ی اول طلبگی است. «وَيُزَكِّيكُمْ»؛ تربیت انسان، این هم وظیفه‌ی دوم. «وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» که خیلی نکته مهمی است. آیت‌الله‌العظمی جوادى آملی - حفظه الله - خیلی روی این جمله وقتی که بیان می‌فرماید،





شکفته می‌شود که «يُعَلِّمُكُمُ» که قرآن چیزی را به ما یاد می‌دهد و به مردم یاد می‌دهد که «مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»؛ خودتان نمی‌توانستید این را به دست بیاورید. هیچ راهی برای به دست آوردنش نداشتید. یعنی عقل شما هم نمی‌کشید، علم شما هم نمی‌کشید. این چیزی است که فقط وحی به شما می‌دهد. این وظیفه‌ی ما طلبه‌ها است که در این آیه‌ی شریفه آمده است. آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی بقره، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». دیگری در سوره‌ی مبارکه‌ی حدید، آیه‌ی ۲۵. در سوره‌ی اعراف چندین مورد است. از ابتدا ظاهراً از حضرت نوح عليه السلام شروع می‌شود که «ارسلنا نوحا الى قومه»؛ حضرت نوح عليه السلام را به سوی قومش فرستادیم. بعد تا اینجا که «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»؛ این هم بارها در سوره‌ی مبارکه اعراف که به عنوان وظیفه‌ی پیامبران است، پشت سرهم بیان شده که «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ»؛ ای مردم عبادت خدا را بکنید. «مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»؛ جز خدا هیچ، هیچ چیزی نیست. «فَدَجَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ». در رابطه با «شعیب» آمده است: «الی مدین اخاهم شعیبا»؛ حالا این آیه که آیه‌ی ۸۵ است می‌فرماید که: «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ فَدَجَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ»، چون متناسب با موضوع بحث ما است، من این را آوردم. همچنین آیه‌ی ۸۵ سوره‌ی اعراف: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ»؛ ترازوها را میزان کامل بگیرید. اگر می‌خواهید تخمیس کنید بایستی هم حق مردم را رعایت بکنید و هم حق بیت‌المال را. نکند یک دفعه طرف آن گرفته بشود یا طرف این گرفته بشود: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ».

اگر در تخمیس می‌خواهید مالی را، زمینی را، باغی را، خانه‌ای را، جنسی را، وسیله‌ای را قیمت‌گذاری کنید، مبادا قیمت کم بگذارید یا قیمت زیاد بگذارید. «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»؛ توی سرمال مردم نزنید. بی‌ارزشش نکنید که حالا این جنس، هیچ ارزشی ندارد. خب این چیز هیچ ارزشی ندارد؟ حالا می‌خواهد بازار برود همین را بخرد چقدر باید هزینه برایش بکند. «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا»؛ فردی که حالا علاقه‌مند شده، آمده به خاطر اینکه توجه به خدا پیدا کرده، آمده مالش را تخمیس کند و مالش را حلال کند، ما جوری برخورد با او نکنیم



که برود و دیگر اصلاً پشت سرش را نگاه نکند. خدای ناکرده در اثر رفتار ما به طلبه نگاه هم نکند.

بنده این سه آیه را به عنوان نمونه عرض کردم. شاید ۵۰ تا آیه در این زمینه‌ها بیان شده. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ عِبَادِهِ إِلَى عِبَادَتِهِ»؛ خداوند، پیغمبر صلی الله علیه و آله را فرستاد تا بندگان را از عبادت بندگان به عبادت خدا دعوت کند. «وَمِنْ عُهُودِ عِبَادِهِ إِلَى عُهُودِهِ»؛ عهد و پیمان‌هایی که با دیگران بستند، آن عهد و پیمان‌ها را بگذارند کنار، فقط عهد و پیمان الهی. «وَمِنْ طَاعَةِ عِبَادِهِ إِلَى طَاعَتِهِ» و از طاعت بندگان فقط به طاعت خدا، فقط مطیع فرمان خدا باشند نه مطیع این و آن. «وَمِنْ وِلَايَةِ عِبَادِهِ إِلَى وِلَايَتِهِ»؛ ولایت یعنی همبستگی. با این و آن همبستگی نداشته باشند، تنها با خدا و با بندگان خدا و با اولیای الهی.

اساساً انجام واجبات مالی به‌ویژه خمس چه سهمی در ایمان فرد دارد؟

ببینید، در قرآن کریم در ۲۷ آیه، اقامه‌ی صلات با دادن زکات با هم آمده است. نماز متأسفانه به‌خاطر تبلیغاتی که شده، تبدیل شده به یک تکلیفی که خوب هست اگر خوانده بشود و اگر خوانده نشود به خود فرد بستگی دارد. در صورتی که نماز در واقع، گفت‌وگوی روزانه‌ی انسان است با معبود و معشوق خودش و نماز از لحاظ اجتماعی، در واقع سرود ملی ما مسلمان‌هاست. هر کشوری، هرامتی، یک سرود ملی دارد که در سرود ملی‌اش، خلاصه‌ی باورهای خودش را با آهنگ خاص و ریتم خاص و موسیقی خاصی می‌خواند و رسمیت آن کشور هم به آن است و احترام ویژه هم دارد. همه‌ی جوامع این‌جوری هستند. جامعه‌ی اسلامی هم یک سرود ملی دارد که نماز است. هر جا مسلمان باشد، نماز هم هست. سرود ملی ما و خلاصه‌ی اعتقادات مسلمان‌ها جمع شده در نماز.

۲۷ بار نماز در کنار زکات آمده است. زکات یک مالیات ویژه است که پولدارها، ثروتمندها، برای خاطر درک مسائل و مشکلات جامعه‌ی اسلامی باید آن را بدهند. از نکات مهم این است که ما باور کنیم که نماز تنها چند ذکر نیست. عبودیت خدا به این





است که از آنچه خداوند به تو داده، از هر نعمتی، از مال گرفته تا آبرو تا شخصیت تا مقام، از جان تا مال در راه خدا باید بدهی تا به عبودیت برسی. تا تصدیق عبودیت تو بشود که راست می‌گویی که بنده‌ی خدا هستی. مهریه را هم که به «صداق» تعبیر کرده‌اند از این جهت است که نشانه‌ی صداقت داماد نسبت به عروس است و داماد با مهریه، صداقت خود در محبتش نسبت به همسرش را نشان می‌دهد و اینجا هم زکات به صدقه در قرآن تعبیر شده که نشانه‌ی صداقت در عبودیت بنده در برابر خداوند خویش است که اگر بنده‌ی خدا هستی، پس باید در راه خداوند هزینه کنی.

زکات و صدقات، امتحانی از جانب خدا برای بندگانش است و هیچ چیزی سخت‌تر از درآوردن پول از جیب و بخشیدن در راه خدا نیست. امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ امتحانی از بخشش در راه خدا نیست. ایمان زبانی با دادن خمس و زکات تأیید می‌شود. فرد، بندگی خودش را نسبت به خداوند اثبات می‌کند. خمس هم هزینه‌ای است که در اختیار حاکم و امام مسلمین است. خمس، مال حاکمیت است. این هزینه در اختیار حاکمیت دینی قرار می‌گیرد.

روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام درباره‌ی این فریضه‌ی الهی خمس نقل شده است. این روایات به طور کامل و جامع، فلسفه‌ی تشریح خمس و فوائد آن برای فرد و جامعه را بیان می‌کند. در این احادیث، آثار اجتماعی و اقتصادی خمس را برای پرداخت‌کننده، دریافت‌کننده و جامعه‌ی اسلامی بیان شده است.

از امام کاظم علیه السلام روایت شده که فرمود: «آسان‌ترین راه رفتن به جهنم، خوردن مال یتیم است». از ایشان پرسیدند یتیم کیست؟ امام علیه السلام فرمود: «ما (اهل بیت) یتیم هستیم.» یعنی همان‌گونه که اگر شخصی اموال یتیم را بخورد به آتش جهنم وارد می‌شود، خوردن اموال امام و حاکم جامعه‌ی اسلامی که معصوم است نیز همین‌طور خواهد بود. پس مؤمنان باید توجه داشته باشند که این فرموده‌ی امام خیلی جدی است و به همین راحتی و سادگی از کنار موضوع مهمی چون خمس نمی‌توان گذشت و از پیش خود نمی‌توان گفت و ادعا کرد که خمس به اموال انسان تعلق نمی‌گیرد.





طلبه‌ای که مأمور جمع‌آوری خمس است باید به لحاظ اخلاقی این حدیث را برای خمس‌دهندگان بخواند و مردم را آگاه سازد که خوردن اموال امام است. بسیاری از مردم تصور می‌کنند خمس بر آن‌ها واجب نیست یا به اموال و دارایی‌های آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. اما هنگامی که حساب و کتاب می‌کنند، می‌بینند که چه میزان خمس به اموالشان تعلق گرفته است. تشخیص این امر بر عهده‌ی روحانی است که به مسائل فقهی تسلط دارد، نه ناآگاهان. روحانی باید به مردم بگوید و مردم را از آتش جهنم دور کند و دلسوز مردم باشد.

طبق فرمایش امام کاظم علیه السلام، هر مسلمانی باید نسبت به شناخت حقوقی که بر عهده اوست آگاه باشد. یکی از مهم‌ترین حقوقی که باید ادا بشود، حق خداوند است. زیرا خداوند مالک تمام هستی است و به انسان اجازه داده است در مواهب دنیوی تصرف کند و از او خواسته است تا به میزان معینی سهم خداوند را پرداخت کند. خمس یکی از این مواردی است که سهم خداوند هست و پرداخت آن ادای حق خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام است. امام کاظم علیه السلام در این باره می‌فرماید: چنانچه فردی خمس اموال خود را جدا کند و به اهلیش برساند، حق خداوند را ادا کرده است.

### چه آثار اخلاقی در این زمینه وجود دارد؟

بینید، مهم‌ترین مسأله‌ای که ممکن است ذهن پرداخت‌کنندگان خمس را به خود مشغول کند، این است که فرد می‌ترسد اگر خمس اموال خود را بپردازد، از اموال او کاسته می‌شود و دچار فقر و تنگدستی می‌شود. امام کاظم علیه السلام در این حدیث، به این دغدغه پاسخ می‌دهد و می‌فرماید که نه تنها پرداخت خمس ضرر و زیانی به بار نمی‌آورد، بلکه به مال برکت می‌دهد و اموال پرداخت‌کننده‌ی خمس را افزایش هم می‌دهد. بنابراین، کسی که خمس خود را می‌پردازد، اموالش زیاد می‌شود نه کم. طلبه باید این را برای مردم باز کند و آنان را متقاعد کند که اگر خمس را بدهی، اموال زیاد می‌شود نه کم. ترس کاسته شدن آن را نداشته باشد. آن را به خدا واگذار می‌کنی. «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» که در



آیه‌ی خمس آمده، دارد همین را می‌گوید و می‌توانیم از آن نتیجه بگیریم که دادن خمس موجب کاستی نمی‌شود و فرد نباید برای اموال خود نگران باشد؛ زیرا خداوند بر هر چیزی، از جمله تأمین مالی او تواناست.

از دیگر موارد پرداخت خمس و تشویق مردم به آن چه می‌تواند باشد؟

ما اگر بخواهیم همین یک حدیث امام کاظم علیه السلام را ملاک قرار بدهیم، مطالب آموزنده‌ی زیادی از آن درمی‌آید. امام علیه السلام در همین حدیث خود می‌فرماید: «کسی که خمس اموالش را پرداخت کند، باقی اموالش برای او حلال و پاکیزه است. بدهی است کسی که خمس اموال خود را پرداخت نکند، دارایی‌هایش برای او مباح نیست؛ زیرا اموال او اینک با اموال دیگران درهم آمیخته است.» همچنین در ادامه با این مضامین می‌فرماید که فردی که خمس اموال خود را می‌پردازد، در واقع خودش را از مال حرامی که در زندگی اوست، می‌رهاند. استفاده از مال حرام، حرام است و از این جهت تفاوتی نیست میان اینکه مال حرام در دست خودش باشد و خود، آن مال حرام را استفاده کند یا اینکه در دست دیگران باشد و او به زور از آنان بگیرد. مؤمن باید خود را از این حرام که ناشی از عدم پرداخت حق الهی و حق دیگران است، مصون بدارد.

اگر اخذکننده‌ی خمس این را برای مردم توضیح بدهد که برادر من! اگر خمس را بدهی اموات پاک می‌شود، طاهر می‌شود، او یقیناً تشویق به انجام واجبات خود می‌گردد.

بنابر فرمایش امام کاظم علیه السلام، شخصی که خمس مال خود را ندهد، یعنی حق الهی و حقوق دیگران را نپردازد و مالش را پاک و حلال نکند، در دنیا و آخرت دچار زیان و خسران می‌شود. امام علیه السلام می‌فرماید: «تقوای الهی پیشه کنید و از آنچه در دست شماست، حق خدا را خارج سازید تا خداوند در باقیمانده‌ی آن، برکت و رشد قرار دهد. خداوند غنی است و ما نیازمندیم و چنانچه خمس اموالمان را بپردازیم، خداوند غنی، ما نیازمندان را بی‌نیاز خواهد ساخت.» البته خوب بسیار هم روشن هست که خداوند متعال نیازی به پرداخت خمس ندارد؛ بلکه پرداخت خمس را برای رشد و تزکیه‌ی خود ما واجب کرده



است. همان‌گونه که قرآن راجع به قربانی در حج می‌فرماید: از گوشت و خون قربانی چیزی به خداوند نمی‌رسد و خدا به آن نیازی ندارد. لکن آنچه از قربانی کردن عاید می‌شود، آن چیزی است که خداوند از شما می‌خواهد و آن تقوی است.

انسان مؤمن با دادن خمس و زکات به دیگران رحم می‌کند و در مقابل، خداوند هم به او رحم می‌کند. در واقع، او برای خدا حرکتی در جهت منافع مردم از خود نشان می‌دهد و خداوند هم به او برکت می‌دهد. و اگر خمس و زکات خود را ندهد، زمینه را برای حوادث ناگوار برای خود فراهم می‌کند؛ چون که از نظر اسلام، صدقه عمر را طولانی می‌کند.

تصرف در مالی که خمس آن داده نشده چه تبعات اخلاقی در پی دارد؟

من پاسخ شما را با روایتی عرض می‌کنم. «ابابصیر» از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَسْتَرِيَ مِنَ الْخُمْسِ شَيْئاً حَتَّىٰ يَصِلَ إِلَيْنَا حَقّاً»؛ بر هیچ‌کس خرید با مالی که خمس به آن تعلق گرفته است، حلال نیست، تا زمانی که حق ما به دست ما  
رسد.

طبق این روایت که خواندم، خرید و فروش با مالی که خمس آن داده نشده است، اساساً جایز نیست. زیرا تا زمانی که حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت نشود، این مال با مال دیگری مخلوط است و تصرف در آن جایز و حلال نیست. البته هنگامی که یک‌پنجم آن مال به عنوان خمس پرداخت شد، تصرف در بقیه‌ای آن اموال مانعی ندارد.

همین ابابصیر روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ اشْتَرِيَ شَيْئاً مِنَ الْخُمْسِ لَمْ يَعْذِرْهُ اللَّهُ اشْتَرِيَ مَا لَا يَحِلُّ لَهُ»؛ می‌گوید من از امام علیه السلام شنیدم که می‌فرماید، اگر کسی با مالی که خمس به آن تعلق گرفته چیزی بخرد، خداوند عذر او را نمی‌پذیرد. چون چیزی را خریده است که برای او حلال نیست.

شما ملاحظه بفرمایید، امام باقر علیه السلام در این حدیث با صراحت تمام، معامله کردن با پول و یا جنسی را که خمس آن پرداخت نشده است، باطل می‌داند. این‌گونه معاملات تا زمانی که خمس آن پرداخت نشده باشد، باید با اجازه‌ی حاکم شرع صورت گیرد؛ زیرا





بخشی از پول و مال از آن دیگری است؛ مگر اینکه معامله بر ذمه باشد نه بر عین مال. در واقع، امام علیه السلام بیان می‌کنند که سهم خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و ذوی القربی به ائمه علیهم السلام تعلق دارد.

به عنوان سؤال آخر، امروز در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای امت ایشان بی‌توجهی به خمس چه تبعاتی به لحاظ اخلاق دارد؟

این هم سؤال بسیار خوبی است. ما امت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. در توقیعی که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست ما رسیده است آمده، از ایشان درباره‌ی خمس و اموالی که متعلق به امام است سوال می‌کنند و ایشان پاسخ می‌دهند. امام در پاسخ خود مربوط به خمس می‌فرمایند: «اما سؤال کردید راجع به کسی که اموالی از ما در دست اوست و آن را حلال می‌داند و بدون رعایت ضوابط تعیین شده از طرف شرع، در اموال متعلق به ما مثل اموال خود تصرف می‌کند. هرکس این‌گونه عمل کند، از رحمت خداوند به دور و ملعون است و ما دشمن او هستیم!» آن‌گاه امام علیه السلام به نقل سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازد که فرمودند: «کسی که حلال بشمارد آنچه را که خداوند از عترت من بردیگران حرام کرده است، او مورد لعن و نفرین من و همه‌ی پیامبران است.» خب کاملاً واضح است. خمس متعلق به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است و خداوند تصرف آن را بردیگران حرام کرده است. خداوند تصرف در آن توسط دیگران و حلال شمردن آن را حرام می‌داند. و امام علیه السلام می‌فرماید: هرکس به ما ظلم کند او در گروه ستمکاران قرار دارد و لعنت و نفرین خدا بر او خواهد بود. به عبارت دیگر، هرکس اموال متعلق به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را به آنان بازنگرداند، او نیز به اهل بیت علیهم السلام ظلم کرده و ظالم از رحمت خدا به دور است و مورد لعن الهی قرار خواهد گرفت. و در ادامه‌ی نامه می‌فرماید: هرکس به هر مقداری از اموال ما تصرف و آن را مصرف کند، همانند آن است که در شکم خود آتشی قرار داده است.

خب قطعاً با وجود این حدیث و امثال آن، حجت بر امت تمام است. پس لازم است هر مسلمانی با شنیدن این حدیث، نسبت به موضوع خمس حساس شود و برای آن جایگاه ویژه و خاصی قائل شود و چنانچه تاکنون بی‌اطلاع و غافل بوده، از حالا به بعد،





با اطلاع از نامه‌ی حضرت و آگاهی بخشی‌ای که روحانیون محترم به ایشان می‌دهند، به خمس و زکات خود توجه داشته باشد.

از اینکه وقت ارزشمند خود را در اختیار نشریه قرار دادید، بی‌نهایت سپاسگزاریم. من هم از شما و عوامل محترم تشکر می‌کنم. ان شاء الله آنچه گفتیم مورد رضای خداوند واقع شده باشد و تشکر می‌کنم از اینکه تحمل فرمودید. خداوند ان شاء الله دل‌های ما را به نور قرآن، به نور ایمان، به نور معرفت روشن بفرماید.





## پژوهشی همه‌جانبه درباره‌ی خمس

کتاب «الخمس؛ فی ضوء مدرسة اهل البيت عليهم السلام» به زبان عربی، تالیف «آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی» است که توسط «مؤسسه‌ی بوستان کتاب» به چاپ رسیده است.

اثر حاضر، پژوهشی همه‌جانبه درباره‌ی خمس است که مؤلف در پرتو مکتب اهل‌البيت عليهم السلام آن را از جنبه‌های مختلف فقهی، تاریخی، تفسیری، سیاسی، ادبی، روایی و اقتصادی انجام داده است.

خمس همان حقی است که خدای تعالی آن را برای پیامبرگرامی‌اش، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ذریه‌ی آن حضرت قرار داده و آنان را گرامی داشته، به اینکه محتاج زکات نشوند. و اگر کسی خمس را نپردازد، به آنان ظلم و حششان را غصب کرده است. روایات زیادی از معصومین عليهم السلام در این کتاب آمده است. از جمله، از امام صادق عليه السلام روایت شده که فرمود: «خدای که جز او معبودی نیست، از آنجا که خوردن صدقه را بر ما حرام کرده، حکم خمس را برای ما نازل فرمود. بنابراین، صدقه بر ما حرام است و خمس تکلیفی است که خدای تعالی آن را به نفع ما بر مسلمانان واجب کرده و چون جنبه‌ی احترام دارد، خوردنش برای ما حلال است.» و نیز از آن حضرت عليه السلام روایت شده که فرمود: «این عذر



از هیچ بنده خدایی پذیرفته نیست که از خمس چیزی را خریداری کند و هنگامی که از او بازخواست می‌شود بگوید: پروردگارا! من آن کالا را با پول خودم خریداری کرده‌ام؛ مگر آنکه قبلاً از اهل خمس اجازه گرفته باشد.» و از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «برای هیچ‌کس حلال نیست با مالی که خمس در آن هست چیزی خریداری کند، مگر بعد از آنکه حق ما را به ما رسانده باشد.»

مباحث خمس در این کتاب، شامل چند بحث است. بحث در اینکه در چه مالی خمس هست و چه کسانی مستحق خمس‌اند؟ چگونه باید خمس در بین صاحبانش تقسیم شود؟ و بحثی نیز درباره‌ی انفال آمده است.

از مواردی که بر آن خمس لازم شده، غنائم، معدن، گنج، غواصی در دریا، مالی که از مخارج سالانه بیشتر باشد، زمینی که کافراز مسلمان بخرد و مال حلال مخلوط به حرام است.

درباره‌ی مصارف خمس نیز در این کتاب آمده است که خمس به شش قسمت تقسیم می‌شود. سهمی برای خدای تعالی، سهمی از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سهمی از آن امام علیه السلام؛ که این سه سهم در این اعصار متعلق به صاحب الامر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه و خیراته است و سه سهم دیگر، از آن ایتام، در راه ماندگان و مساکین از سادات است.

چاپ سوم کتاب «الخمس؛ فی ضوء مدرسة اهل البيت علیهم السلام» در شمارگان ۸۰۰ نسخه، در ۱۰۰۰ صفحه راهی بازار نشر شده است.

## معرفی اجمالی نویسنده

ایشان در سال ۱۳۰۴ شمسی در یک خانواده‌ی مذهبی در شهر همدان دیده به جهان گشودند. پدر ایشان مرحوم «حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ ابراهیم نوری همدانی» از علمای وارسته‌ی همدان، معاصربا «حضرت آیت الله العظمی آخوند ملاعلی همدانی» و هم‌حجره‌ی ایشان بود. معظم‌له در سال ۱۳۲۱ شمسی وارد مدرسه‌ی مرحوم آخوند همدانی شده و حدود یک سال و نیم در آنجا به فراگیری علوم پرداختند. ولی اشتیاق به آموختن،



و ادارشان ساخت تا بعد از اقامت کوتاهی در همدان، به شهر مقدس قم عزیمت نموده و به بهره‌گیری از دروس اساتید برجسته‌ی حوزه علمیه قم همانند آیات عظام: «داماد»، «حجت کوه‌کمره‌ای»، «علامه طباطبایی»، «بروجردی» و امام خمینی رحمته‌الله علیه بپردازند. ایشان از بدو ورود به حوزه‌ی علمیه‌ی قم، هم‌زمان با تحصیل، تدریس را نیز آغاز نموده و در موضوعات مختلف فقهی، اصولی، کلامی، اخلاقی و... حوزه‌ی درسی داشته و شاگردان زیادی پرورش دادند. تألیفات ایشان در موضوعات مختلف، بالغ بر ۵۰ اثر علمی است که به زیور طبع آراسته شده‌اند.

### معرفی اثر

کتاب «الخمیس فی ضوء مدرسة أهل البيت عليهم السلام»، تألیف آیت‌الله حسین نوری همدانی، از جمله آثاری است که در اثبات مسأله‌ی خمس در اسلام به صورت مستدل مطرح شده است. این اثر در یک جلد به زبان عربی منتشر شده است. در پایان کتاب شرح مسائل خمس «العروة الوثقی» اثر «سید محمد کاظم یزدی» آمده است. نویسنده در مقدمه‌ی کتاب، به آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...» اشاره کرده و آن را تنها آیه‌ای دانسته که دلالت بر وجوب خمس می‌کند. بین فقهای امامیه و جمهور فقهای اهل سنت، در دو جهت متعلق خمس و تعداد سهم‌های خمس و مستحقین آن اختلاف زیادی وجود دارد. به اعتقاد امامیه، در جهت اول، مراد از کلمه‌ی «ما غنمتم» همه‌ی اموالی است که انسان در زندگی به دست می‌آورد؛ خواه از راه جنگ باشد یا غیر آن. در جهت دوم نیز امامیه معتقد است: خمس به مقتضای آیه‌ی شریفه، به شش بخش تقسیم می‌شود: سه بخش آن متعلق به خدا و رسول و ذی‌القربی است. منظور از ذی‌القربی بر اساس روایات، عترت طاهره‌ی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی امامان جانشین آن حضرت است. آنچه برای خداست متعلق به رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آنچه برای رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است پس از وفاتش متعلق به ذی‌القربی است.



سه بخش نیز برای ایتام، مساکین و ابن سبیل از بنی هاشم است. اختصاص این سه قسم به بنی هاشم، از جهت دلالت روایات صادره از عترت است که یکی از ثقلین جانشین نبی ﷺ هستند.<sup>۱</sup>

اما جمهور اهل سنت در بحث از جهت اول، مراد از لفظ «ما غنمتم» در آیهی مبارکه را تنها غنائم جنگی دانسته‌اند. به همین خاطر، از موضوع خمس، در کتاب جهاد و در مسأله‌ی تقسیم فیء و غنائم جنگی بحث کرده‌اند و در کتب فقهی خود عنوانی به اسم خمس منعقد نکرده‌اند. در جهت دوم نیز اصلاً سهمی برای خداوند در خمس قائل نیستند و معتقدند اسم خداوند متعال در آیه به جهت تبرک و تیمن و برای افتتاح مطلب ذکر شده است. دیگر اینکه معتقدند که سهم نبی ﷺ با وفات حضرتش و همچنین سهم ذی القربی ساقط شده است. همچنین مراد از یتامی و مساکین و ابن سبیل، ایتام و مساکین و ابن سبیل مسلمان هستند، نه خصوص هاشمی از مسلمین. لذا براساس اینکه اهل سنت آیهی شریفه را به غنائم جنگی اختصاص داده‌اند، مسأله‌ی خمس نزد آنان اهمیت و ارزشی ندارد. اما نزد امامیه جایگاهی خاص و اهمیتی والا از جهات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دارد.<sup>۲</sup>

نویسنده در ادامه به کلمات مفسرین و فقها و محدثین جمهور و امامیه در این رابطه اشاره نموده است. از عبارت ایشان روشن می‌شود که اختلاف بین آن‌ها در تعیین مراد از لفظ «غنمتم» در آیهی خمس، اختصاص به زمان خاص و به افراد معدودی از طرفین ندارد، بلکه اختلاف، ریشه‌هایش را در اعماق همه‌ی زمان‌ها و اعصار دوانده است و در طول قرن‌ها و اعصار، هر گروه در قبال گروه دیگر کتب و صحف خود را در اثبات ادعای خویش و نفی ادعای دیگری آورده است.<sup>۳</sup>

اینکه چگونه می‌توان این اختلاف را رفع کرد و تبدیل به اتحاد و جمع بر کلمه واحد

۱. رک: متن کتاب، صص ۴-۳.

۲. همان.

۳. همان، صص ۲۰-۱۹.





نمود، سؤالی است که نویسنده در مقام پاسخ بر آن برآمده است. وی چنین می‌نویسد: «از آنجا که نزاع در معنی لفظ لغوی است، تنها به یکی از دو طریق: رجوع به متخصصین و دانشمندان لغت‌شناس یا تتبع در موارد استعمال کلمه ممکن خواهد بود.» نویسنده با بررسی ده فرهنگ لغت عرب چنین نتیجه می‌گیرد که تفسیر ماده‌ی لغت مذکور به غنائم جنگی آن چنان که جمهور گفته‌اند با آنچه علمای لغت گفته‌اند مخالف است.<sup>۱</sup>

نبی مکرم اسلام ﷺ بالغ بر شانزده نامه به قبایل مختلف نوشت و در آن‌ها موضوع خمس را مطرح کرد. ایشان عمّالی را برای گرفتن خمس تعیین نمود. به عنوان مثال، «أبی» و «عنبسه» را به سوی «قضاعه» و «جذام» و علی بن ابی طالب را به سوی اهل یمن فرستاد.<sup>۲</sup>

در منابع اهل سنت، مستنداتی وجود دارد که در زمان خلفا، سهم ذی‌القربی از خمس منع شد. چنانکه در «مسند احمد» و «سنن بیهقی» آمده است: «ابوبکر، خمس را همانند رسول الله ﷺ تقسیم کرد، به جز اینکه اقربای رسول الله ﷺ را آنچه نبی از خمس داده بود عطا نکرد.»<sup>۳</sup>

ایشان می‌نویسد: «در یک مقطع زمانی حساس، دانشگاهی بزرگ توسط امام صادق علیه السلام تأسیس شد و معالم مکتب اهل بیت علیه السلام تبیین شد. در منابع مختلف، برای مدرسه‌ی امام علیه السلام چهار هزار شاگرد ذکر شده است که عدد بزرگی است و شبیه آن در هیچ مرکز علمی در آن عصر نظیر ندارد. در میان ایشان، علمای بزرگ و محدثینی بودند که برخی از ایشان ائمه و رؤسای بعضی مذاهب اسلامی شدند. «ابوحنیفه» از آن جمله است که حدود دو سال نزد امام صادق علیه السلام شاگردی کرد و به همین مناسبت می‌گوید: اگر آن دو سال نبود، نعمان هلاک می‌شد.»<sup>۴</sup>

۱. متن کتاب، صص ۲۰-۱۹.

۲. همان، ص ۱۰۸.

۳. همان، ص ۱۲۵.

۴. همان، ص ۲۴۵.





در این کتاب آمده است، از جمله مسائلی که امام هادی علیه السلام همانند پدران بزرگوارش، آن را از همه جهاتش تبیین فرمود و به سؤالات پیرامون آن پاسخ داد و وکلایی برای آن نصب نمود، موضوع خمس بود که در مکتب خلفا - که قائل به اختصاص معنی آیه خمس به غنائم جنگی بودند - دچار انحراف گردیده بود. در این رابطه، در کتاب به چند روایت اشاره شده است. از جمله، از «احمد بن محمد بن ابی نصر» از آن حضرت پرسیده شد که آنچه در آیهی خمس متعلق به خداوند دانسته شده برای کیست؟ حضرت فرمود: «برای رسول صلی الله علیه و آله و آنچه برای رسول صلی الله علیه و آله است برای امام علیه السلام است.»<sup>۱</sup>

در این کتاب، ۳۳ مسأله (از مسأله‌ی ۵۲ تا مسأله‌ی ۸۴) از کتاب «العروة الوثقی» از سید محمدکاظم یزدی که درباره‌ی خمس است، مطرح شده و در ذیل آن شرح آیت الله نوری همدانی آمده است. این مسائل و شرح آن، از صفحه ۷۴۴ آغاز و تا پایان کتاب ادامه یافته است.

در مسأله‌ی ۸۳، به موضوع خمس زوجه اشاره شده و چنین آمده است: «زنی که در خانه‌ی شوهرش درآمدی دارد و شوهر، مؤونه‌ی او را می‌پردازد، واجب است که خمس آنچه را به دست می‌آورد، بپردازد و لازم نیست که اخراج مؤونه را لحاظ کند.» نویسنده معتقد است که این موضوع در خصوص زوجه نیست، بلکه هر انسانی که درآمد و منفعتی داشته باشد، اگر در مؤونه مصرف کند، خمس ندارد و گرنه خمس دارد. همچنان که در متن آمده، اکتساب در خانه‌ی زوج ویژگی ندارد. پس اگر در غیرخانه‌ی شوهرش درآمدی داشته باشد، همان‌گونه که امروزه نسبت به بسیاری از زنان کارمند که در ادارات و غیر آن کار می‌کنند، همین حکم جاری است.<sup>۲</sup>

۱. متن کتاب، ص ۶۴۴.

۲. همان، ص ۸۲۵.



# الخلاصة

---





## دور الإعلام الوطني في نشر ثقافة الخمس

صادق ليراوي / المستوى الرابع في الحوزة العملية قم

### الخلاصة

من مزايا المدرسة أو الدين أنها تهتم بجميع جوانب الحياة، بعيداً عن كونها أحادية أو متعددة الأبعاد، وبهذه الطريقة، في جميع الأوقات والأماكن والظروف، فهي مسؤولة أمام المجتمع البشري. في غضون ذلك، اعتبر الإسلام كدين عالمي جميع الشؤون الانسانية من سياسية واقتصادية وثقافية... بالإضافة إلى القضايا الفردية وتحديث عن كل منها بشكل كامل. وبناءً على ذلك، فإن «الخمسة» هي إحدى الانظمة الاقتصادية المهمة للإسلام، والتي لعبت دوراً أساسياً في حياة المجتمع الشيعي، والان بعد أن تم تشكيل الحكومة الإسلامية، وأصبح الخمس تحت تصرف الحكومة وولي الفقيه، لها دور بناء أكثر بكثير في النمو والتوسع، وستلعب الثقافة الشيعية دوراً. لذلك، من المناسب أن تلعب وسائل الإعلام الوطنية دوراً فاعلاً في الترويج لثقافة الخمس، وتحميل الناس المسؤولية عنها، وإزالة الأضرار المحتملة، وجعل دفع الخمس ثقافة عامة، تماماً مثل أداء الالتزامات الأخرى. معتبرا أن الخمس حكم شرعي، مستندا إلى الأحاديث النبوية، فإنه يمكن وضع أحاديث مفهومة للجمهور، وباستخدام وسائل الإعلام، وخاصة الإعلام الوطني، لتوسيع مفاهيمه، والتي في هذا المقالة، في قسمين، الأعمال الفردية والاجتماعية، من المهم الترويج لثقافة الخمس في وسائل الإعلام الوطنية.

الكلمات المفتاحية: الخمس، دفع الخمس، الإعلام الوطني، الإذاعة والتلفزيون.



## التحقيق في الشك في حرمة الزكاة والخمس على أقارب رسول الله ﷺ

(دراسة حالة الآيات ٤٣ من سورة الأحقاف و ٩ من الأحقاف)

معصومة حيدرمان منش / المستوى الثالث من التفسير وعلوم القرآن في جامعة الزهراء ﷺ

### الخلاصة

وفق الآيات القرآنية، العدل من قيم ومثل وأهداف المجتمع الإسلامي، وفي الفقه، من أجل ترسيخه والقضاء على الفقر في المجتمع، هناك أوامر مثل دفع الزكاة، والخمس، والحجزية. والانفال والأجر والضرائب ونحوها، ومن بينها أسباب من نص القرآن الكريم والأحاديث وحياة أهل البيت ﷺ والإجماع. وجوب الخمس كواحد من هذه الدعم المالي المهم والملموس المذكور في الآية ٤١ من سورة الانفال، ولكن هناك شكوك حول هذه الآية، مثل لماذا رغم أهمية الخمس، فإن آية واحدة فقط في القرآن تتعامل معها. هو - هي؟ أو أن كلمة «غنائم» لا تنطبق على خمس الدخل. أو لمن ينطبق عليه ذو القربي في هذه الآية؟ وغيرها من الشكوك التي تدور بقصد إضعاف الفقه وضعف المعتقدات الدينية.

في هذا المقالة، جرت محاولة للإجابة على السؤال بالرجوع إلى المصادر القرآنية، لماذا على الرغم من الآية ٤٣ من سورة الفضلات والآية التاسعة من الأحقاف، عندما لا يختلف النبي صلى الله عليه وسلم عن الانبياء الآخرين. الزكاة في أقارب الانبياء السابقين حلال، لكن في الإسلام صارت الزكاة فجأة محرمة لأقارب رسول الله صلى الله عليه وسلم ويحل محلها الخمس؟ تشير النتائج إلى أن الخمس والزكاة مصدران للتمويل في الإسلام، أحدهما للسادات والآخر لغير السادات. من ناحية أخرى، فإن وجود الأحكام في دين واحد لا يثبت وجود ذلك الحكم في الديانات الأخرى.

الكلمات المفتاحية: العدل، ذو القربي، الزكاة، الخمس، أهل النبي ﷺ.



## التحقيق في مسألة تخصيص الخمس لطلبة العلوم الدينية

زهرا سرميلي / الطالبة في جامعة الزهراء

### الخلاصة

ومن فروع الإسلام الخمس. الخمس هو نوع من الواجب الإلهي الذي إذا تمت معالجته، فلن يتم تلبية الاحتياجات الفردية فحسب، بل سيتم أيضًا تلبية الاحتياجات الاجتماعية للمجتمع، وإذا تم تنفيذ هذا الالتزام بطريقة استراتيجية، فسيتم حل العديد من مشاكل المجتمع. ولكن من بين الشكوك التي تساور الناس حيال ذلك اليوم ولا يعرفون الجواب لماذا يجب على الطلاب استخدام الخمس في نفقات تعليمهم ومعيشتهم؟ في هذه المقالة، يتم تناول هذه المشكلة في أربعة أجزاء. من بين الحالات التي يحق فيها لرجال الدين الحصول على الخمس. عدم الاعتماد على الأجانب هو من وجهة نظر علمية وفكرية لأن الطلاب هم الموارد الرئيسية في مجال شرح القضايا الدينية للناس. إن نشر الدين والدفاع عنه واجب على الطلاب ورجال الدين الشيعة، الذين بذلوا دائمًا جهودًا وجهودًا كبيرة عبر تاريخ الشيعة. أدى ارتباط الشباب بالطلاب والمبشرين إلى حل تساؤلاتهم الذهنية في مجالات الفقه والفكر والإيمان، كما زاد من دافع الشباب للتوجه إلى الدين. في غضون ذلك، يعد الخمس من الموارد المالية الهامة التي تعتبرها الشريعة الإسلامية لتوسيع القيم الدينية و يجب أن تستخدم في هذا السياق، كأحد استخدامات الخمس وجواب هذا الشك الاجتماعي هو ناقش.

الكلمات المفتاحية: الخمس، الطلاب، الوعظ، التعليم، الاقتصاد.



---

## Investigating the question of allocation of khums to students of religious sciences

Zahra Sarmeili / Student of Jamia Al-Zahra

### Abstract

One of the branches of Islam is Khums. Khums is a kind of divine duty that if it is addressed, not only the individual needs but also the social needs of the society will be fulfilled and if this obligation is implemented in a strategic way, many of the problems of the society will be solved, but among the doubts that people have about it today faced and they don't know the answer is why students should use khums for their education and living expenses? In this article, this issue is addressed in four parts. Among the cases in which the clerical community is entitled to receive Khums. Non-dependence on foreigners is from a scientific and intellectual point of view because students are the main resources in the field of explaining people's religious issues. Propagation of the religion and its defense is the duty of the Shiite students and clergy, who have always made significant efforts and efforts throughout the history of Shiism. The connection of young people with students and missionaries has solved their mental questions in the fields of jurisprudence, thought and faith, and also increases the motivation of young people to turn to religion. In the meantime, khums is one of the important financial resources that is considered by the holy Shariah for the expansion of religious values and should be used in this context. As one of the uses of khums and the answer to this social doubt is discussed.

**Keywords:** khums, students, preaching, education, economy.





**Investigating the doubt about the sanctity of Zakat and Khums  
on the relatives of the relatives of the Prophet (PBUH)  
(case study of verses ٤٣ of chapter and ٩ of ahqaf)**

Masoume Heydarian Manesh / Master of Tafsir and Qur'anic Sciences of  
Jamia Al-Zahra

**Abstract**

According to the Qur'anic verses, justice is one of the values, ideals and goals of the Islamic society, which in jurisprudence, in order to establish it and eliminate poverty in the society, there are orders such as paying zakat, khums, jizya, anfal, fee, and taxes and the like. Among them, there are reasons from the text of the Holy Qur'an, hadiths and the life of the Ahl al-Bayt (a.s.) and consensus. The obligation of khums as one of these important and tangible financial supports is mentioned in verse ٤١ of Surah Anfal, but there are doubts about this verse, such as why, despite the importance of khums, only one verse in the Qur'an deals with it? or that the word "ghanatam" does not apply to khums of income; Or who does Dhu al-Qurabi apply to in this verse? And other doubts that are made with the aim of weakening the jurisprudence and showing weakness in religious beliefs. In this article, an attempt has been made to answer the question by referring to the Quranic sources, why despite the ٤٣ verses of Surah Al-Fazlat and the ٩th verse of Ahqaf, when the Prophet (PBUH) is no different from other prophets and zakat on the relatives of the previous prophets is halal, but in In Islam, zakat has suddenly become haram for the relatives of the Messenger of God (pbuh) and khums is placed in its place? The findings indicate that khums and zakat are two sources of finance in Islam, one for Sadat and the other for non-Sadat. On the other hand, the existence of rulings in one religion does not prove the existence of that ruling in other religions.

**Keywords:** Justice, Dhu al-Qurabi, Zakat, Khums, relatives of the Prophet (PBUH).

فصلنامه علمی تخصصی  
تفسیر قرآن  
سال سوم | شماره نهم





## The role of national media in promoting khums culture

Sadegh Lirawi / PhD in hawzah Qom

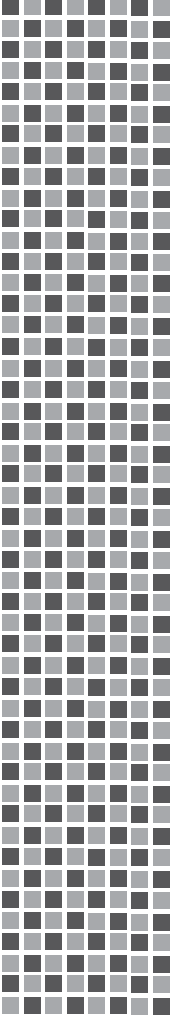
### Abstract

One of the advantages of a school or religion is that it pays attention to all aspects of life, far from being single- or multi-dimensional, and in this way, in all times, places and conditions, it is accountable to the human society. In the meantime, Islam, as a universal religion, has considered all human affairs such as political, economic, cultural... in addition to individual issues and has spoken about each one completely. Based on this, "Khums" is one of the important economic orders of Islam, which has played an essential role in the life of the Shiite society, and now that the Islamic government has been established, with khums being at the disposal of the government and the legal guardian, it has a much more constructive role in the growth and expansion of culture. Shia will perform. Therefore, it is appropriate for the national media to play an effective role in promoting the culture of khums, making people responsible for it and removing possible harms, and making paying khums a public culture, just like performing other obligations. Considering that khums is a Shariah ruling, relying on hadiths, it is possible to develop hadiths that are understandable for the public, and by using media tools, especially the national media, to expand its concepts, which in this article, in two sections, individual and social works, It is important to promote Khums culture in the national media..

**Keywords:** khums, khums payment, national media, radio and television.







# **Abstract**

---

